



هیئت معارف جنگ
شهید بهبهانی علی میرزا شیری

شکر ۲۱ حمزه از مهر ۵۹ تا پایان عملیات فتح المبین

نویسنده: سرتیپ ۲ پیاده ستاد منوچهر کرباسی زاده

سرشناسه	: کرباسی زاده، منوچهر، ۱۳۳۵-
عنوان و نام پدیدآور	: لشکر ۲۱ حمزه از مهر ۵۹ تا پایان عملیات فتح المبین / نویسنده منوچهر کرباسی زاده.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: نه، ۱۴۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۵۶-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: کرباسی زاده، منوچهر، ۱۳۳۵ -- خاطرات
موضوع	: ایران. ارتش. نیروی زمینی. لشکر بیست و یک حمزه
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- خاطرات
موضوع	: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Personal narratives
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- عملیات فتح المبین
موضوع	: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Operation fatholmobin
رده بندی کنگره	: DSR ۱۶۷۰
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۹۲۳۶۶

لشکر ۲۱ حمزه از مهر ۵۹ تا پایان عملیات فتح المبین

نویسنده: سرتیپ ۲ پیاده ستاد منوچهر کرباسی زاده
بررسی اولیه و نهایی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته، سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی
بررسی، آماده سازی، نشر: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا
حروف نگاری: الهه آموزگار
صفحه آرایی: حامد خدمتی
طرح جلد: سید حامد هاشمی
نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۸
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۵۶-۳
ناشر: انتشارات ایران سبز
شمارگان: ۱۰۰۰
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان
مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

«حق چاپ محفوظ است»

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند."

"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود."

امام خمینی (ره)

"می‌خواهم بگویم که این جنگ گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."

"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام^(ع) در اسفندماه ۱۳۶۷
خطاب به روحانیت سراسر کشور (در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)
صحیفه امام خمینی^(ع)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و ردالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.

- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

برای مقابله با دشمنان بلایستی ما چه ارتشی، چه سپاهی و چه بیچی یه واحد و قدرت واحد باشیم.

«شهید سپید علی میاوشیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی- فرهنگی- عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ بدین ترتیب بوده است که بر اساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۱۳۷۸ تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۱۶۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع هشت سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

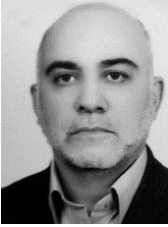
آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال سوم دانشگاه افسری امام علی^(ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فابری ارتش ج.ا.ا.

به اجرا درآمده و تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۳۰۷۵۹ نفر از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال سوم دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا(ص) نیز به اجرا درآمد.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت شانزده ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه‌ی آموزشی طی نموده که تا پایان سال ۱۳۹۷، بیش از ۴۲۵۴۳۳ نفر از کارکنان وظیفه که فارغ التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت هشت ساعت و تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۸۸۰۲ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند. از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۴۴۹۳۰۰ نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت هشت ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»



سرتیپ ۲ ستاد منوچهر کرباسی زاده

در سال ۱۳۳۵ در شهرستان اهواز متولد شد. پس از طی دوران ابتدایی و متوسطه در شهرهای اهواز و تهران، در سال ۱۳۵۲ وارد دبیرستان نظام شده و در سال ۱۳۵۳ وارد دانشکده افسری شده و در سال ۱۳۵۶ با رسته پیاده فارغ التحصیل گردید. وی دوره‌های مقدماتی، عالی و دافوس را در سال‌های ۱۳۵۶، ۱۳۶۲ و ۱۳۷۹ طی نموده است.

در طول دوران دفاع مقدس در گردان‌های ۱۴۰ پیاده و ۱۳۱ پیاده، افسر عملیات و رئیس رکن سوم تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه خدمت نموده و در عملیات‌های غرب کشور، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، محرم، رمضان، والفجر ۱، خیبر، ۶۷/۴/۴، ۶۷/۴/۲۱ و مرصاد شرکت داشته است. مشاغل ایشان بعد از دفاع مقدس:

در دانشگاه افسری در سمت‌های فرمانده گردان دانشجویان و رئیس بازرسی دانشگاه، افسر مانور و آزمایشات بازرسی نیروی زمینی، فرمانده مرکز آموزش ۰۵ کرمان از سال ۱۳۷۴ الی ۱۳۷۸، فرمانده مرکز آموزش پیاده شیراز از سال ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰، اولین فرمانده ارشد نظامی در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد، اولین فرمانده قرارگاه عملیاتی جنوب شرق در کرمان از بهمن‌ماه ۱۳۷۹ الی تیرماه ۱۳۸۴.

در سال ۱۳۸۴ بنا به تقاضای شخصی به افتخار بازنشستگی نائل شد. ایشان در طول دفاع مقدس، چندین مرحله مجروح و به افتخار جانبازی نائل آمده است (۴۰ درصد). همچنین در چندین مرحله ارشدیت و نشان شجاعت نیز دریافت نموده است.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۱۳	کلیات
۱۸	موقعیت شهرستان‌های منطقه عملیاتی فتح‌المبین
۱۹	تهاجم سراسری ارتش عراق به خاک ایران در ۱۳۵۹/۰۶/۳۱
۲۵	آغاز عملیات عراق در خاک ایران، منطقه غرب دزفول
۲۷	وضعیت و نحوه عملکرد نیروهای عراقی در محورهای عملیاتی
۵۰	به دنبال راهکار برای عقب راندن نیروهای عراقی از منطقه غرب کرخه
۵۲	عملیات آفندی پای پل کرخه، ۱۳۵۹/۷/۲۳
۵۹	عملیات پدافندی پای پل کرخه، ۱۳۵۹/۸/۹
۶۲	عملیات آفندی کانال هندلی، ۱۳۶۰/۱/۱۵
۶۵	عملیات آفندی تپه چشمه (۱)، ۱۳۶۰/۱/۱۵
۶۷	عملیات آفندی تپه چشمه (۲)، ۱۳۶۰/۲/۱۱
۶۹	عملیات پدافندی شوش، ۱۳۶۰/۱۲/۲۹
۷۱	بررسی و نگرشی به وضعیت ارتش ایران قبل از آغاز تهاجم...
۷۵	طرح‌ریزی برای اجرای عملیات فتح‌المبین
۷۶	مانور طرح عملیاتی کربلا ۲
۷۷	آغاز عملیات فتح‌المبین
۷۹	نقش و عملکرد لشکر ۲۱ حمزه در عملیات فتح‌المبین

۸۶	۱۳۶۱/۱/۳، دومین روز نبرد
۸۹	۱۳۶۱/۱/۴، سومین روز نبرد
۹۴	۱۳۶۱/۱/۵، چهارمین روز نبرد
۹۶	۱۳۶۱/۱/۶، پنجمین روز نبرد
۹۷	۱۳۶۱/۱/۷، ششمین روز نبرد
۱۰۳	۱۳۶۱/۱/۸، هفتمین روز نبرد
۱۰۴	نتیجه حاصل از عملیات غرورآفرین فتح‌المبین
۱۰۸	اهم اقدامات و فعالیت‌های قبل از اجرای عملیات فتح‌المبین
۱۱۰	آشنایی و شناخت فرماندهان ارتش قرارگاه عملیاتی کربلا ۲
۱۱۱	فعالیت و اقدامات به‌عمل‌آمده توسط یگان‌ها قبل از اجرای مأموریت
۱۲۰	تحلیلی بر عملکرد ارتش ایران از آغاز تا پایان عملیات فتح‌المبین
۱۲۴	صورت اسامی فرماندهان گروهان‌ها و گردان‌های تیپ ۱ لشکر ۲۱...
۱۲۷	نمایه

پیشگفتار

به نام خداوند ن و قلم

از زمان کودکی که خواندن و نوشتن را آموختم، به تاریخ کشورم علاقه خاصی پیدا کردم، تا حدی که کوچک‌ترین مطالب تاریخی را بی‌درنگ مطالعه می‌کردم. زمانی که موفقیت‌های نیاکان را می‌خواندم، تمام وجودم سرشار از شور و شغف می‌شد، ولی زمانی که به ناکامی و بی‌تدبیری سردمداران گذشته می‌رسیدم، قلبم متأثر می‌شد، خصوصاً بزرگ‌ترین برگ سیاه تاریخ را در زمان حکومت سلسله قاجار دیدم. چرا که قسمت‌های عظیمی از خاک ایران عزیز از مام وطن جدا شد و تا به امروز به آغوش میهن بازنگشت؛ تا اینکه باز هم تاریخ تکرار شد و ما درگیر جنگی نابرابر شدیم و در بحرانی‌ترین شرایط کشور قرار گرفتیم. البته این را باید یادآور شوم که کشور ما در طی قرن‌ها تاریخ کهن خود، مکرر با این وقایع تلخ مواجه گردیده، ولی به علت داشتن ریشه فرهنگی و تعصب ملی، میهنی با مشکلات کنار آمده و آن را در فرهنگ غنی خود حل نموده است. اگر نگاهی گذرا به تاریخ بیندازیم، متوجه می‌شویم که تاریخ همیشه در حال تکرار است، لیکن ابزار آن در طول زمان تغییر کرده است، ولی در کل، سیاست یکی بوده و خواسته‌های سیاسیون در جهت تأمین منافع خود بوده است. متأسفانه تاریخ قبل از اسلام را بیگانگان به رشته تحریر درآورده و آنچه را که مد نظر خود بوده بیان نموده‌اند، به طوری که هروقت و گِرِئِفون (مورخان یونانی) تا توانسته‌اند در مورد ملت خود غلو کرده‌اند و من بر خود تکلیف می‌دانم که دفاع از تاریخ و هویتمان را به نحو احسن و در حد توان انجام دهم. دشمنان ما نیز به این موضوع به خوبی واقف گردیده‌اند که ملتی شکست خواهد خورد که هویت او را مورد تهاجم قرار دهند.

رهبر معظم انقلاب در این رابطه، مطلب بسیار جامع و کاملی فرموده اند: "در طول تاریخ، هرگاه کسی غفلت کرده، ستایش و تحسین نشده است." حال ما باید در جهت اثبات بیانات ایشان غفلت نکنیم و اجازه ندهیم تا دیگران برای ما تصمیم بگیرند و برای ما تاریخ بنویسند.

جنگ هشت ساله ما، تنها یک جنگ خانمان سوز نبود، بلکه من تعبیر دیگری دارم که این جنگ ما را به خودمان شناساند و از طرف دیگر، جهانیان متوجه شدند کشوری با تاریخ هفت هزار ساله و تمدن و فرهنگ بسیار غنی را نمی توان به سادگی از بین برد و محو نمود.

دیک چنی وزیر دفاع گذشته آمریکا، گفته است ما ریشه ملت ایران را می خشکانیم! اما در پاسخ باید گفت آقای چنی! یک ملت ۳۰۰ ساله بدون هویت که از موزه متروکه یونان به دنبال پدرخوانده می گردد، چگونه می تواند ریشه یک کشور هفت هزار ساله را با آن فرهنگ غنی و مردمان سخت کوش بخشکند؟! تاریخ تاکنون به ما نشان داده که هر قوم و یا ملتی به کشور ما هجوم آورده، شاید در وهله اول موفق بوده، ولی دیری نپایید که در فرهنگ غنی و پر بار این مرز و بوم محو گردید و به موزه متروکه تاریخ پیوست.

نمونه های بارز آن حمله، اسکندر مقدونی، اعراب، مغول ها، تاتارها، افغان ها به ایران بود، ولی مردم با فرهنگ ما، شیرازه امور حکومت داری را به دست گرفتند و به مرور آنها را محو نمودند، تا اینکه فقط نامی از آنان در تاریخ باقی ماند. البته در اصل، وظیفه نسل آینده است که تاریخ عصر حاضر ما را به رشته تحریر درآورد و قضاوت نماید، ولی اسناد و مدارک و نوشته های امروز است که به آنان کمک می نماید تا در این امر خطیر گام بردارند.

خوشبختانه در طی این زمان سپری شده از انقلاب شکوهمند اسلامی، گام های مؤثر و خوبی، در جهت نگارش وقایع به عمل آمده است، ولی بر

خود وظیفه دانستم آنچه را که در بُعد نظامی با درجه ستوان دومی تا سرگردی در طی جنگ فراگرفتم بنویسم و بُعد سیاسی آن را به سیاسیون محول نمایم.

جنگ هشت ساله ما ثابت کرد که ارتش ایران در طی سال‌های دفاع مقدس، مظلومانه و مقتدرانه جنگید و شهدای گرانقدری را تقدیم ایران عزیز و اسلام نمود. دلاورانی که هرکدام سرمایه‌ای برای این کشور بودند، ولی متأسفانه در طی دوران دفاع مقدس، ارتش ایران مورد تهاجم عملیات روحی و روانی ناجوانمردانه دشمنان قرار گرفت، به طوری که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام راحل(ه)، در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود به صراحت به این نکته توجه کرده و بیان نموده‌اند که:

"نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است، به حق، چهره راستین و شکست‌ناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای گسترده کشورمان را نشان داد."

متأسفانه بنا به مسائل امنیتی و پاره‌ای از مسائل دیگر، اقدامات ارتش در طول دفاع مقدس به تصویر کشانده نشد و مستندسازان نیز به این موضوع کم‌توجهی نموده‌اند. البته ناگفته نماند حفظ مصالح امنیتی در طول جنگ، از واجبات است و یکی از روش‌های جمع‌آوری اخبار و اطلاعات صدا و سیما، جراید و رسانه‌های داخلی است، به طوری که اگر توجه نموده باشید، بر خلاف مصالح امنیتی، تصاویر پشت خاکریزها از طریق سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌گردید، ولی ارتش بنا به نظم و انضباط و حفظ اصول مسائل امنیتی مبادرت به چنین کاری نمی‌نمود.

مطلب دیگری که قابل بحث و تعمق می‌باشد، بیان مسائل جنگ از طریق تصاویر و مطالب عرضه‌شده به مردم است. بیشتر، در تصاویر و نوشته‌ها و بیانات، دشمن یک نیروی ضعیف و ناتوان مطرح گردیده، در

صورتی که من با ارائه این مطالب، نه تنها موافق نیستم، بلکه به شدت مخالفم. چرا که دشمن ما دارای لشکرهای بسیار منظم و آموزش دیده و مجهز به مدرن ترین سلاح های عصر حاضر بوده است. حال چگونه می توان تصور نمود که چنین ارتشی ضعیف و ناتوان باشد؟ اگر چنین بود، چرا ما نتوانستیم طی چند روز آن را شکست دهیم؟

ما در طول جنگ مشاهده کردیم که کشور ما تنها با یک کشور نمی جنگید، بلکه با کشورهای متعددی که از طریق تأمین نیروی انسانی و تجهیزات نظامی و غیره، کشور و ارتش عراق را حمایت می کردند، مواجه بودیم. در عملیات فتح المبین، به وضوح مشاهده نمودیم نیروهای سایر کشورها که به صورت مزدور در ارتش عراق خدمت می نمودند، به اسارت نیروهای ما درآمدند و از نظر تجهیزات، کشورهای بلوک شرق و غرب، مدرن ترین سلاح های کشتار جمعی را در اختیار این کشور قرار دادند که نه تنها از نظر تقویت بنیه تهاجمی دشمن، بلکه توان و کارایی تجهیزات آنان نیز مورد آزمایش قرار گرفت.

کشور عراق، هم از نظر تجهیزات زمینی و هم از نظر تجهیزات هوایی بر ما برتری نسبی داشت، به طوری که نیروی هوایی عراق تقریباً بر آسمان ایران تفوق داشته و هواپیماهای مدرن آن کشور اکثر مواقع می توانستند وارد آسمان ایران اسلامی شده و به منابع حیاتی ما حمله ور شوند. ارتش ایران در شرایطی پا به عرصه میدان نبرد گذاشت که در شمال درگیر غائله گنبد و در غرب درگیر عوامل مزدور بیگانگان بود. بنا به بی کفایتی و وجود دست های پشت پرده، خدمت مقدس سربازی از مدت دو سال به یک سال کاهش یافت و نیروهای پایور نیز به مناطق مورد نظر خود منتقل گردیدند؛ لذا یک نابسامانی خاصی در وضعیت ارتش به وجود آمده بود که نظم و

انضباط ارتش را مختل کرده بود، ولی با همت و تلاش کارکنان پایور مؤمن و متعهد، سازماندهی نیروها شکل گرفت. در مناطق غرب کشور، نیروهای سازمان‌یافته ارتش درگیر مسائل داخلی بودند و ارتش عراق بر خلاف ارتش ایران در پی آموزش، تجهیز، ساماندهی و تقویت سازمان خود به جدّ کوشیده بود.

ارتش عراق در دانشگاه‌های نظامی خود در بین دانشجویان طرح حمله به خرمشهر و آبادان را مطرح می‌کرد، تا از نظر آنان نیز استفاده کند. دولتمردان عراق می‌دانستند که چه کار می‌کنند و چه می‌خواهند بکنند. در صورتی که ما هنوز درگیر دغدغه طرح پاکسازی در ارتش بودیم.

بعد از تغییر در ساختار حکومت عراق و به دست گرفتن قدرت توسط شخص صدام حسین، فعالیت‌های نظامی عراق افزایش یافت و شدیداً به ساختار تشکیلات و افزایش بنیه نظامی عراق توجه شد. به بیان دیگر، می‌توان اظهار نمود، سرمایه ملی عراق در اختیار قسمت‌های نظامی قرار گرفت تا بتوانند مدرن‌ترین تجهیزات نظامی را تهیه نمایند. ما می‌دانستیم که این تجهیزات و سلاح‌ها هرگز علیه اسرائیل به کار گرفته نخواهند شد. با تغییر حکومت ایران به نظام جمهوری اسلامی در ساختار حکومت عراق نیز تغییراتی حاصل شد و شخص صدام حسین مهره مورد نظر شرق و غرب به حکومت رسید.

صدام حسین وقتی در سال ۱۹۷۵ میلادی، قرارداد الجزایر را امضاء کرد، در ظاهر لکه ننگی برای وی محسوب گردید. وقتی حکومت شاهنشاهی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی سقوط کرد و یک دولت و حکومت نوپا در ایران روی کار آمد، وی به تصور اینکه کشور ایران فاقد یک ارتش منظم و انسجام‌یافته گردیده و هم‌اکنون فرماندهان رده بالای آن دیگر بر مسند کار قرار ندارند و

بحران کردستان و پاره‌ای نقاط دیگر کشور مانند، گنبد کاووس و بلوچستان آنان را مشغول کرده؛ داعیه سردمداری جهان عرب را سر داد و مهیای یک حمله گسترده و همه‌جانبه به خاک کشورمان می‌گردید.

در اینجا قصد ندارم که نقطه نظرهای خود را به خوانندگان تحمیل کنم، بلکه بر خود لازم دانستم پس از سال‌های متمادی خدمت در راه میهن عزیزم، نسل جوان امروز و آیندگان از دیدگاه و تجربیات گذشتگان خود استفاده نموده و آنان را در راه تحقق آرمان‌های خود یاری نمایم. شما دانشجویان امروز دانشگاه افسری امام علی (ع)، فرماندهان آینده ارتش جمهوری اسلامی ایران خواهید بود. نیاز است از تجربه گران‌قیمت نیاکان خود نهایت استفاده را ببرید.

نکته قابل توجه و تعمق

خیلی‌ها تصور می‌کنند که دفاع در جنگ فاقد ارزش است و همیشه طالب آنند که ارتش حالت تهاجمی و آفندی داشته باشد. این طرز تفکر به هیچ وجه نمی‌تواند به عنوان یک ایده و نظر صحیح پذیرفته شود، زیرا هر حمله‌ای نیاز به دفاع دارد و بعد از هر دفاع نیز، بدل آفندی آن رو می‌شود تا طرف مقابل را از صحنه میدان کارزار خارج نماید. ارتش ایران در روزهای نخستین جنگ، به حق، چهره راستین و مردانه خود را در دفاع از کیان میهن اسلامی ایران به عرصه نمایش گذاشت و به خوبی هر چه تمام‌تر موفق شد ماشین جنگی آماده، قدرتمند و آموزش‌دیده و مجهز عراق را در کمتر از یک هفته متوقف کند و قدرتمندانه جلو پیشروی آنها را در جهت دستیابی به اهداف خود بگیرد.

جا دارد به صحبت‌های مطرح شده توسط ابراهیم یزدی نیز اشاره کنیم که بهتر بتوان به اقتدار و مظلومیت ارتش سرافراز ایران واقف گردید.

ابراهیم یزدی معاون نخست‌وزیر و نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌ای که با «ماهنامه مهرنامه شماره ۴۲، تیرماه ۱۳۹۴» به عمل آورد، مبادرت به اعتراف تکان‌دهنده‌ای نمود، وی اظهار داشت:

"پس از پیروزی انقلاب، رهبری، شورای انقلاب و دولت موقت تا مدت‌ها به فرماندهان ارتش اعتماد نداشتند. به عنوان مثال، هنگامی که ارتش عراق در اسفندماه ۱۳۵۷ به مرزهای ایران تجاوز نمود، مسئله اعزام ارتش برای مقابله با عراق در شورای امنیت ملی که من هم به عنوان معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب عضو آن بودم، پیشنهاد و مطرح شد، اما پذیرفته نشد. یکی از دلایل رد این پیشنهاد این بود که ارتش به انقلاب تسلیم شد، اما فرماندهی هنوز تصفیه نشده بود. این ارتش در مصاف با عراق به احتمال زیاد پیروز می‌شد، اما در آن صورت مناسبات و رابطه این فرماندهی با انقلاب و نهادهای برخاسته از آن، دگرگون می‌شد، به نحوی که به تناسب «یک ارتش ملی پیروزمند در جنگ با یک نیروی خارجی» موقعیت و توقعات به وجود می‌آمد.

با آغاز حملات سراسری ارتش عراق به خاک ایران اسلامی و نیاز به ارتش و صداقت نیروهای این نهاد پاک، بر همگان روشن شد. لذا دیدگاه‌های مسئولین کاملاً تغییر کرد."

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کتاب روزشمار جنگ ایران و عراق، هجوم سراسری ج ۴ ص ۶۱ می‌نویسد:

"رئیس جمهور و فرمانده کل قوا (بنی صدر) چنین گفته است: ما از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا این لحظه هیچ‌گاه خواهان درگیری نظامی با دولت بعث عراق نبودیم. اطلاعات ما از یک ماه و نیم پیش به این طرف واقعیت پیدا کرد و رژیم بعث تجاوز به مرزها را آغاز کرد. عراقی‌ها چند روز پیش توسط سفیر فلسطین گفته بودند که ما می‌خواهیم آنچه را قرارداد الجزایر به ما داده است، بازپس بگیریم و هدف دیگری نداریم.

وی در ادامه صحبت‌های خود می‌گوید: روزی که من از سوی امام به فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب شدم، صحبت از بین رفتن ارتش جمهوری اسلامی بود و صدام به خود نوید می‌داد که نیروی زمینی و نیروی هوایی ما دو سال طول می‌کشد تا نیروی زمینی و نیروی هوایی بشود. در این مدت کوشش من این بود که هم ارتش انسجام خود را بیابد و هم روحیه اسلامی پیدا کند و این روحیه در او تقویت و نیرومند شود. برای دفاع از مرزها، امروز مردم ما می‌توانند شاهد فداکاری ارتش باشند."

در کتاب تقویم تاریخ دفاع مقدس، جلد دوم، ص ۳۲ به مطلبی پیرامون سخنان نماینده امام در ارتش (آیت الله خامنه‌ای) پرداخته و از قول ایشان می‌نویسد:

"دولت دست‌نشانده و مزدور عراق، تجاوز هوایی را به حریم جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده و به چند پایگاه هوایی حمله نموده است. ما تاکنون نمی‌خواستیم حمله کنیم، اما ارتش جمهوری اسلامی ایران، تجاوز این بعثی‌های دست‌نشانده را تحمل نمی‌کند و درس تلخی به صدام خواهد داد."

از سوی دیگر رادیو آمریکا و نیویورک تایمز پیرامون وضعیت ارتش می‌گویند: (همان، ص ۳۳)

"نیروهای مسلح ایران در اثر اعدام‌ها، تصفیه‌ها، اخراج‌ها و استعفاها و فرار نفرات بسیار ناتوان شده و درگیری با کردها روحیه آنها را تضعیف کرده است، به علاوه دریافت نکردن لوازم یدکی و قطعات هواپیما و هلی کوپتر و نبود کارشناسان و افراد فنی نیز، بنیه دفاعی ارتش را از بین برده است."

روزنامه دیلی اکسپرس چاپ لندن این چنین می‌نویسد: (همان، ص ۳۳)
"به هم خوردن توازن قوا در خاورمیانه موجب شد عراق از فرصت استفاده کند، قرارداد الجزایر را باطل و از انزوای سیاسی ایران و ارتش آن برای جبران حقارت گذشته استفاده نماید."

در ادامه اظهار نظرهای رادیو و رسانه‌های خارجی، رادیو اسرائیل نیز می‌گوید: (همان، ص ۳۴)

"عراق به چند دلیل، زمان حاضر را برای تجاوز خود انتخاب کرده است. یکی ضعف ارتش ایران در اثر تیرباران و اعدام غالب سران ارتش و اینکه از یک فرماندهی مورد قبول محروم است. عده زیادی از ارتشی‌ها ایران را ترک کرده‌اند و فرماندهان امروز ارتش ایران اختیارات کافی ندارند و از تجربه فرماندهی بی‌بهره‌اند. سپاه نیز بدون تجربه نظامی است و با ارتش هماهنگی ندارد و مانعی در مقابل عملیات ارتش به حساب نمی‌آید. ۹۰ درصد تجهیزات و هواپیماهای جنگی ایران از کار افتاده‌اند، رادارها کار نمی‌کنند و متخصصانی برای راه‌اندازی آنها وجود ندارد. عراق موقعیت فعلی را انتخاب کرده تا شاید بتواند خوزستان را ضمیمه خود کند، تسلط

کامل بر شط العرب را به دست آورد و بر جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی مسلط شود و [می‌خواهد] بر تنگه هرمز، شاه‌رگ حیاتی خلیج فارس حاکم گردد.

اما نقش و عملکرد رهبر انقلاب باعث گردید که آب سردی بر پیکره دشمنان ارتش جمهوری اسلامی ایران ریخته و طی نامه‌ای در مورخه ۵۹/۷/۱ خطاب به رزمندگان جبهه‌های غرب کشور فرمودند:

"باید اطاعت از شورای فرماندهی بدون کوچک‌ترین تخلف انجام گردد و متخلفین با سرعت و قاطعیت تعیین و مجازات شوند. باید اشخاص و مقامات غیرمسئول از دخالت در امور فرماندهی خودداری کنند و [سید ابوالحسن بنی‌صدر] فرمانده کل قوا به نمایندگی اینجانب و شورای فرماندهی، مسئول امور جنگی هستند.

در شرایط فعلی دادگاه‌های ارتش در امور که شورای فرماندهی صلاح نمی‌داند، بدون اطلاع اینجانب ممنوع اعلام می‌گردد.

رادیو و تلویزیون موظفند اخباری را نقل کنند که ۱۰۰ درصد صحت آن ثابت می‌باشد و برای عدم اضطراب و تشویش اذهان، اخبار را از غیر منابع موثق نقل ننمایند.

نیروهای انتظامی موظف هستند کسانی را که دست به شایعه‌سازی می‌زنند از هر قشر و گروهی که باشند، فوراً دستگیر و به دادگاه‌های انقلاب تسلیم و دادگاه‌های مذکور آنان را در حد ضدانقلابیون مجازات نمایند. مردم مبارز ایران موظف هستند شایعه‌سازان را به دادگاه‌های انقلاب معرفی و با نیروهای انتظامی همکاری نمایند.

روزنامه‌ها در وضع فعلی موظفند از نشر مقالات و اخباری که قوای مسلح را تضعیف می‌نمایند، جداً خودداری نمایند، که امروز

تضعیف این قوا عقلاً و شرعاً حرام و کمک به ضدانقلاب است. من
کراً از نیروهای مسلح عزیز پشتیبانی نموده‌ام و امروز که آنان در
جبهه جنگ با صدام کافر هستند، تشکر می‌کنم و از زحمات آنان
قدردانی می‌نمایم و از خداوند متعال، توفیق و پیروزی برای آنان
طلب می‌نمایم. اکیداً همه قشرهای ملت و ارگان‌های دولتی موظف
شرعی هستند که دست از مخالفت‌های جزئی که دارند، بردارند و با
مخالفت خود کمک به دشمنان اسلام ننمایند." (همان، ص ۴۱)
و در نهایت با عنایت الهی و درایت رهبر کبیر انقلاب اسلامی، دشمنان
نتوانستند به اهداف خود دست یابند.

سرتیپ ۲ ستاد منوچهر کرباسی‌زاده

کلیات

استان خوزستان به مساحت ۶۶۵۳۲ کیلومتر مربع بین ۴۷ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۲۹ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۴ دقیقه عرض شمالی از خط استوا، در جنوب غربی ایران واقع گردیده است.

این استان از شمال غربی با استان ایلام، از شمال با استان لرستان، از شمال شرقی و شرق با استان های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد و از جنوب با خلیج فارس و از غرب نیز با کشور عراق هم مرز است. بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۵۷، این استان دارای ۱۵ شهرستان و ۳۵ بخش و ۱۳ دهستان و ۴۴۹۶ آبادی دارای سکنه می باشد. مرکز استان خوزستان، شهر اهواز می باشد. شمال و شرق خوزستان را سلسله جبال زاگرس فراگرفته است که ارتفاعات آن در جهت جنوب غربی کاهش می یابد. به طوری که در نواحی جنوبی به صورت تپه ماهورهایی نمایان می شود.

استان خوزستان را از نظر پستی و بلندی می توان به دو منطقه کوهستانی و جلگه ای تقسیم کرد. منطقه کوهستانی در شمال شرقی استان قرار گرفته است و منطقه جلگه ای آن از جنوب شهرستان های دزفول، مسجد سلیمان، رامهرمز، بهبهان آغاز گردیده و تا کرانه های خلیج فارس و اروندرود ادامه می یابد.

الف) آب و هوا

استان خوزستان دارای آب و هوای مختلف است.

۱. آب و هوای نیمه بیابانی: آب و هوای نیمه بیابانی شامل شهرهای آبادان، خرمشهر، ماهشهر، هندیجان، دشت آزادگان و نواحی دزفول، اندیمشک، بهبهان، رامهرمز، شوشتر و نواحی شمال اهواز می باشد.
۲. آب و هوای استپ گرم: این آب و هوا نواحی شمال دزفول، بهبهان، رامهرمز، شوشتر و شمال اهواز را دربرمی گیرد.

ب) بادهای

- استان خوزستان تحت تأثیر سه نوع باد قرار دارد:
۱. جریان باد سرد: جریان بادهای سرد، نواحی کوهستان استان را دربرمی گیرد.
 ۲. جریان باد شرجی: جریان باد شرجی که یک نوع جریان گرم و رطوبتی است از خلیج فارس به سوی مناطق جلگه ای می وزد و این نواحی را تحت تأثیر خود قرار می دهد.
 ۳. جریان باد گرم توأم با گرد و غبار و رطوبت: این جریان باد از سمت کشور عربستان سعودی وزیده و همیشه توأم با مقداری شن و خاک و رطوبت همراه می باشد.

ج) دمای هوا

بر اساس داده های ایستگاه سینوپتیک استان خوزستان در سال ۱۳۵۷، حداقل مطلق درجه حرارت $2/0^{\circ}$ - درجه سانتی گراد و حداکثر مطلق درجه حرارت 40° تا 50° درجه سانتی گراد در اهواز گزارش شده است.

د) عوارض طبیعی منطقه خوزستان

عوارض طبیعی منطقه شامل ارتفاعات و رودخانه ها می باشد. در استان خوزستان، رودخانه های منطقه اهمیت ویژه ای برای این سرزمین

گرم و سوزان داشته و باعث رونق کشاورزی در زمین‌های حاصلخیز استان گردیده است.

(۱) ارتفاعات منطقه

به علت شرایط جلگه خوزستان که مسطح می‌باشد، کوچک‌ترین ارتفاع طبیعی در منطقه برای کاربرد نظامی از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد. اکثر ارتفاعات مورد نظر و مورد بحث ما در شمال و شمال غربی استان واقع گردیده و به تدریج که به سمت جنوب استان حرکت کنیم، در حوالی شمال غرب اهواز به صورت تپه‌های کوتاه و پراکنده مشاهده می‌گردد.

در شمال استان و در سمت غرب رودخانه کرخه، ارتفاعات اسکندر خندان، تپه چشمه، علی‌گره زد، سپتون، تپه ۳۵۰، تپه شاوریه، کمرسرخ و پاره‌ای دیگر از ارتفاعات وجود دارد و در ادامه دامنه‌های جنوبی، ارتفاعات کبیرکوه می‌باشد.

در سمت شمال غربی، تقریباً جنوب دهلران و غرب موسیان، رشته ارتفاعات حمیرین در مرز دو کشور ایران و عراق قرار داشته که این ارتفاعات تا پاسگاه فکه ادامه پیدا می‌کنند.

در ادامه ارتفاعات حمیرین به سمت جنوب، ارتفاعات تینه قرار گرفته‌اند که در شمال آن، منطقه عین‌خوش و انتهای جنوبی آن تپه‌های برقازه و دوسلک واقع گردیده‌اند.

در جنوب تپه برقازه، یک رشته ارتفاع از سمت شمال به جنوب قرار دارد که به ارتفاعات میشداغ معروف می‌باشند و در نهایت، به سمت جنوب به تپه‌های شنی (رملی) منطقه بستان متصل می‌گردند.

در غرب شوش و یا مسیر حرکت از سه‌راه قهوه‌خانه به سمت فکه، تعدادی تپه وجود دارد که این تپه‌ها معروف به تپه ابوصلیبی‌خات

می‌باشند. در روی این ارتفاعات، سایت‌های ۴ و ۵ پدافند هوایی ایران واقع گردیده و در اصطلاح عام، معروف به تپه‌های رادار گردیده‌اند. اما در مسیر به سمت جنوب و یا شمال غرب اهواز و حوالی سوسنگرد، تعدادی تپه‌های پراکنده وجود دارد که به تپه‌های فولی آباد و الله اکبر شهرت دارند.

۲. رودهای منطقه

در شمال استان خوزستان و یا در اصل جنوب استان ایلام، سه رودخانه فصلی میمه، دویرج و چیخواب در جریان می‌باشند.

الف) رودخانه میمه

از شمال دشت دهلران، رودخانه میمه وارد دشت حاصلخیز دهلران گردیده و مسیر آن به سوی جنوب جریان می‌یابد. این رودخانه پس از عبور از حوالی منطقه پاسگاه مرزی بیات وارد کشور عراق می‌گردد. رودخانه میمه پس از ورود به خاک کشور عراق به نام رودخانه طیب نامیده می‌شود.

ب) رودخانه دویرج

این رودخانه از منطقه شرقی وارد دشت دهلران می‌گردد. این رودخانه در منطقه موسیان تغییر مسیر داده و به سمت جنوب به طرف نهر عنبر، چم‌سری، ربوط و چم هندی و فکه سرازیر می‌گردد و سپس در حوالی شمال فکه وارد خاک کشور عراق می‌گردد.

ج) رودخانه چیخواب

این رودخانه نیز تقریباً به موازات رودخانه دویرج از شرق دشت دهلران به سمت جنوب تغییر مسیر داده و در منطقه چم‌سری به رودخانه دویرج ریخته و با آن ادغام می‌گردد و سپس از طریق رودخانه دویرج به سمت خاک عراق ادامه پیدا می‌کند.

د) رودخانه کرخه (به علت نام بردن این رودخانه در حین عملیات، لازم است درباره این رودخانه نیز توضیحاتی داده شود)

در قسمت میانی و یا مرکزی استان خوزستان، رودخانه بزرگ کرخه وجود دارد. این رودخانه در بخش کشاورزی استان خوزستان، نقش حیاتی و اساسی دارد. رودخانه کرخه از شمال خوزستان وارد می‌گردد. مسیر جریان این رودخانه از شمال به جنوب بوده که پس از ورود به منطقه حمیدیه در نزدیکی آبادی الحائی تغییر مسیر داده و به سمت غرب استان جریان پیدا می‌کند و پس از مشروب ساختن دشت آزادگان، شاخه اصلی کرخه با عبور از شمال شهر سوسنگرد و بستان، در نزدیکی چزابه به سمت هورالعظیم سرازیر می‌گردد. با جدا شدن نهر کرخه‌کور از کرخه در منطقه حمیدیه به موازات با رودخانه کرخه به طول ۱۵ کیلومتر طی مسیر کرده و سپس همانند رودخانه کرخه به هورالعظیم می‌ریزد. در غرب شهرستان سوسنگرد و در جنوب چزابه و سوبله شاخه‌هایی متعدد به صورت نهر، از رودخانه کرخه منشعب می‌شوند. این نهرها شامل نهرهای مالکیه، رمیم، سابله، نهر عنبر، آل عباس، نیسان و مُعرز می‌باشند. این نهرها از سمت شرق به غرب و به موازات هم جریان دارند که در نهایت به هورالعظیم می‌ریزند.

رودخانه کرخه یک رودخانه غیرقابل عبور است، در نتیجه ساخت پل جهت عبور و مرور مردم و وسائط نقلیه امری ضروری می‌باشد و به همین منظور بر روی این رودخانه سه پل ساخته شده است. در هر صورت، با تخریب و یا از بین رفتن این سه پل، به ناچار می‌بایست با ایجاد پل‌های نظامی بر روی رودخانه از آن برای تردد استفاده گردد. در نتیجه، پل‌های ساخته شده بر روی رودخانه کرخه برای منطقه امری حیاتی می‌باشد.

۳. مرز مشترک ایران در منطقه عملیاتی فتح المبین با کشور عراق

مرز مشترک خاکی ایران و عراق از پاسگاه سوبله واقع در شمال بستان آغاز و تا پاسگاه فکه واقع در منطقه فکه به طول تقریبی ۳۵ کیلومتر ادامه داشته و از پاسگاه فکه تا پاسگاه چیلان واقع در غرب دهلران، به طول حدود ۱۲۲ کیلومتر ادامه می‌یابد و سپس از آن به بعد به مرز مشترک استان شمالی خوزستان، استان ایلام می‌پیوندد و مرز ۴۳۱ کیلومتری بین دو کشور در استان خوزستان در پاسگاه چیلان خاتمه می‌یابد.

موقعیت شهرستان‌های منطقه عملیاتی فتح المبین

۱. دزفول

شهرستان دزفول در فاصله ۷۷۱ کیلومتری از پایتخت کشور، تهران، واقع شده است. از شمال غربی به اندیمشک، از شرق به مسجد سلیمان و شوشتر، از جنوب به اهواز و از غرب به شوش محدود است. مرکز آن دارای ۳۲ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی است. شهر دزفول در دشت واقع شده، قسمت شمالی آن کوهستانی و قسمت مرکزی و جنوبی آن دشت است. آب و هوای آن گرم است. رودخانه دز که از کوه‌های لرستان سرچشمه گرفته، پس از عبور از کنار شهر دزفول به رودخانه کارون متصل می‌گردد. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۲۰ متر است.

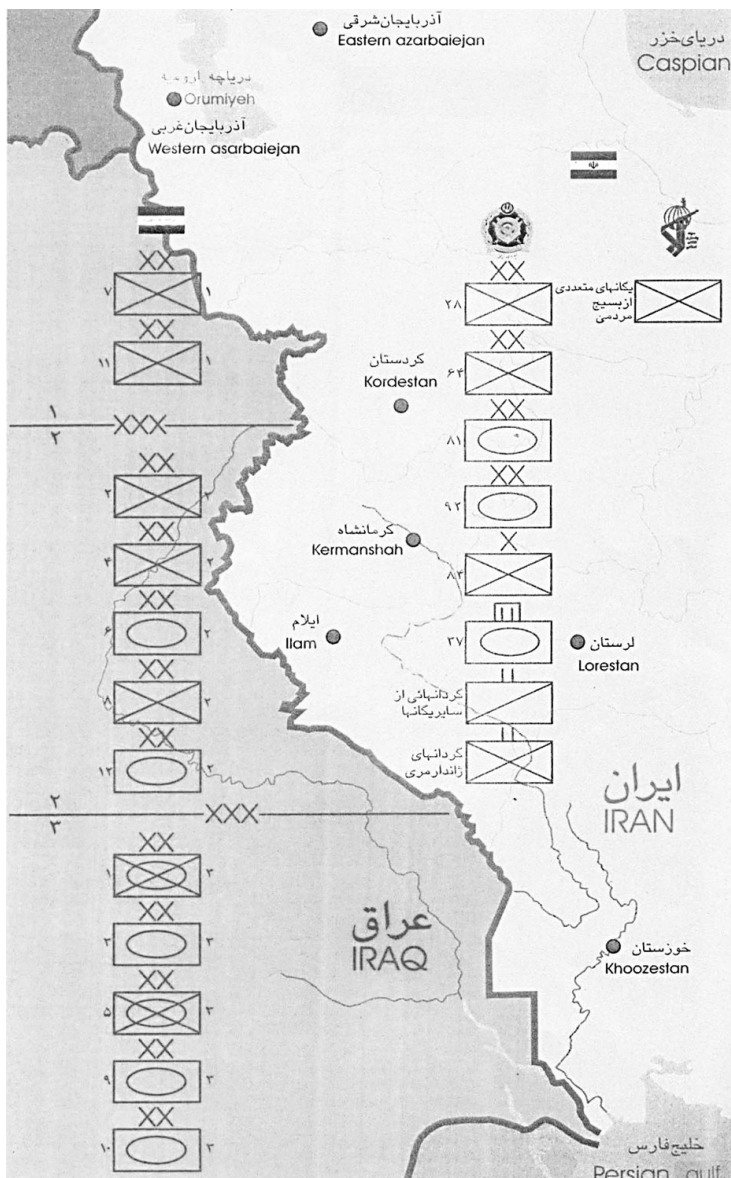
۲. شوش

شهرستان شوش در شمال غربی استان خوزستان و در مجاورت استان ایلام و در مغرب شهرستان‌های اندیمشک و دزفول قرار گرفته است. ارتفاع شوش از سطح دریا ۸۷ متر است. نام باستانی آن سوس یا دشت سوسیان بوده و سپس به نام شوش معروف شده است.

تهاجم سراسری ارتش عراق به خاک ایران در ۱۳۵۹/۰۶/۳۱

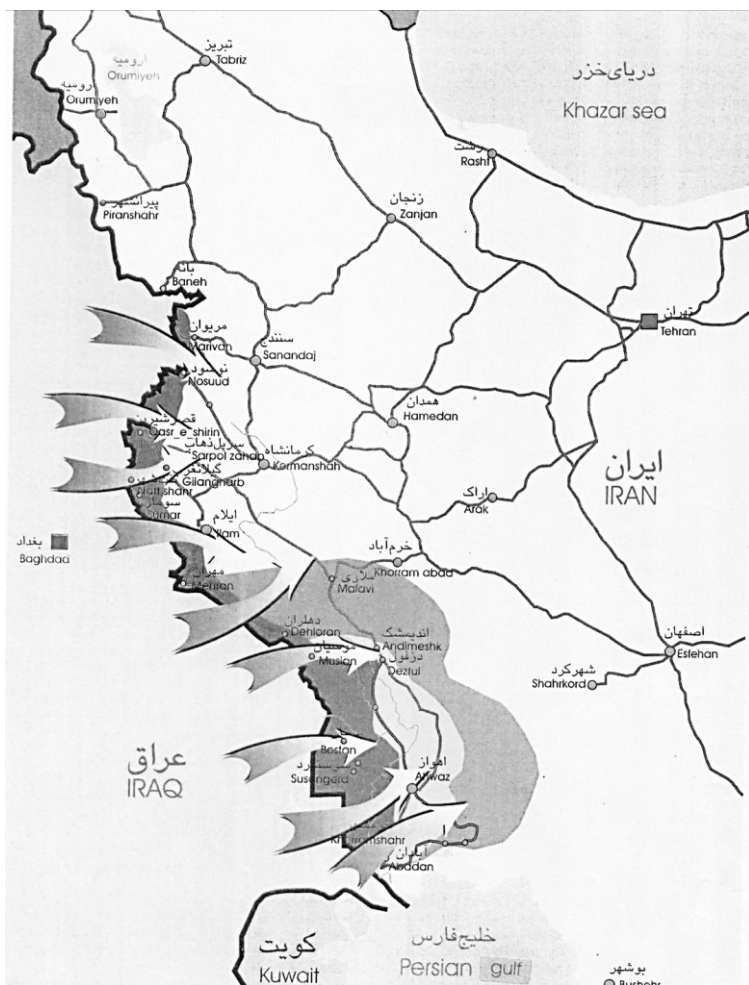
منطقه غرب و شمال غربی خوزستان (دزفول)؛ آغاز عملیات سراسری

ارتش بعث عراق تنهاجم گسترده و همه‌جانبه خود را در تاریخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ به خاک ایران آغاز نمود. نیروهای ارتش بعث در این منطقه، شامل پنج لشکر زرهی و مکانیزه و دو تیپ مستقل و ده‌ها گردان تانک و مکانیزه و سوارزرهی و گردان توپخانه صحرایی بود. در کنار این ارتش مجهز و منظم، نیروهای مردمی به نام جیش الشعبی و گروهان‌های کماندو نیز قرار داشتند. این ارتش از نظر آمادگی رزمی و بویژه آموزش، به طور کلی قابل قیاس با نیروهای ایرانی نبود. در مقابل این ارتش و با این استعداد، تنها لشکر ۹۲ زرهی خوزستان، آن هم با استعداد ناکافی و یک تیپ ناقص و چندین گردان تانک و مکانیزه و سوارزرهی و گردان توپخانه صحرایی با عناصری از نیروهای ژاندارمری و نیروهای مردمی قرار داشتند. ارتش عراق از شمال و جنوب، استان خوزستان را مورد تنهاجم گسترده خود قرار داد. نیروهای ایرانی فاقد استعداد کافی و آمادگی رزمی و آموزش بودند. ارتشی که تا چندی پیش دستخوش تغییرات گسترده و بی‌نظمی خاصی بود، چگونه می‌توانست در کوتاه‌ترین زمان ممکن استعداد خود را تکمیل و آمادگی رزمی خود را به حد قابل قبولی برساند. هرچند نیروهای ایرانی که در مقابل لشکرهای مجهز عراقی مقاومت می‌کردند، قابل مقایسه نبودند، ولی روح سلحشوری و ایستادگی و انگیزه مقاومت نیروهای ایرانی بر نیروهای عراقی برتری داشت.

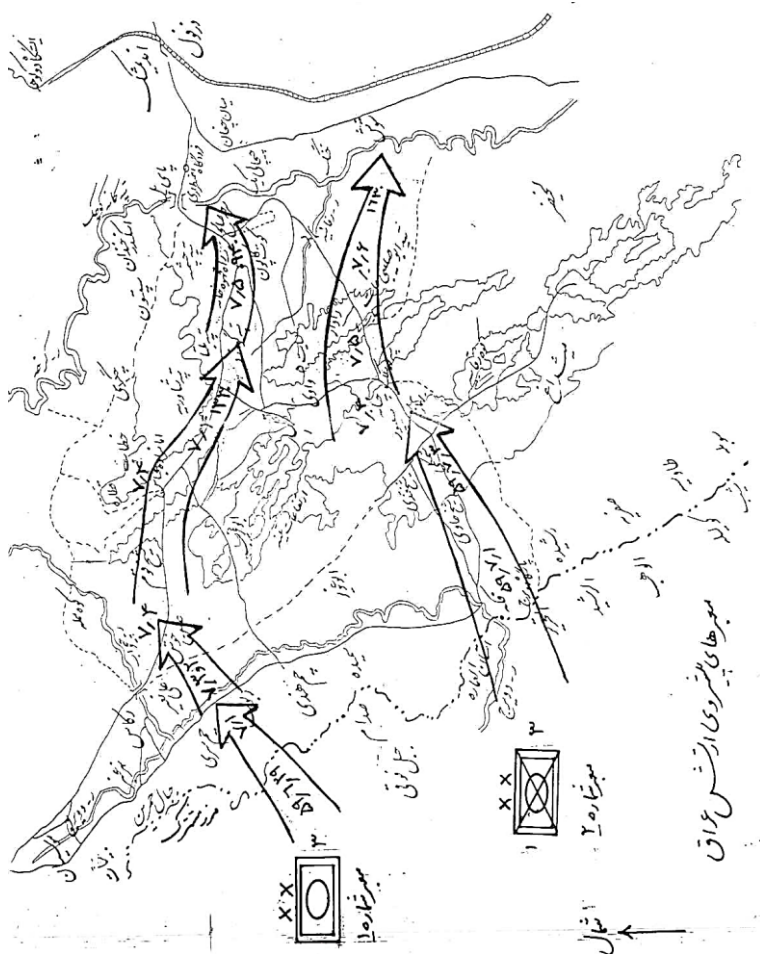


آرایش نیروهای عراقی در شروع تجاوز و آرایش نیروهای ایران در آغاز دفاع

تهاجم سراسری ارتش عراق به خاک ایران در ۳۱/۰۶/۱۳۵۹ / ۲۱



وضعیت طرح کلی عراق در تهاجم به ایران



عملیات پدافندی کرخه - شوش ۱۳۵۹/۶/۳۱

سپاه سوم ارتش عراق به فرماندهی سرلشکر ستاد اسمعیل تایه النعیمی در محور شمالی یا غرب رودخانه کرخه، لشکر ۱ مکانیزه به فرماندهی سرتیپ ستاد ناصر حمد المحمود و لشکر ۱۰ زرهی به فرماندهی سرتیپ ستاد هشام صباح الفخری را به پای کار آورد. دو لشکر عراقی با مقاومت و پایداری یگان‌های نیروی زمینی ارتش، هرگز موفق نشدند که از رودخانه کرخه عبور کرده و به پیشروی خود به سمت دزفول ادامه دهند. فرمانده سپاه سوم ارتش بعث عراق، سقوط بلاشرط استان خوزستان را در تصرف شهر دزفول، که دارای یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نیروی هوایی ارتش ایران بود و همچنین، راه مواصلاتی استان خوزستان با مرکز می‌باشد، می‌دانست. لشکرهای عراقی با تمام تلاش خود هرگز موفق نشدند با حملات و فشار پیاپی به نیروهای ایرانی که تعداد یگان‌هایش چند برابر کمتر نسبت به دشمن بود، به رویای تصرف و فتح دزفول دست یابند، به ناچار لشکرهای مجهز و آماده ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی به لاک دفاعی رفته و در حوالی ۵ کیلومتری پل نادری زمین گیر شدند.

سرلشکر ستاد اسمعیل تایه النعیمی فرمانده سپاه سوم که فرماندهی مهم‌ترین محور عملیاتی را در دست داشت، با توجه به اطلاعات در دست داشته، برآورد کرده بود که برای تصرف خوزستان و مقابله با لشکر ۹۲ زرهی خوزستان، که در آغاز تهاجم، فاقد استعداد سازمان و آمادگی رزمی بود، دو لشکر ۱۰ زرهی و لشکر ۱ مکانیزه را در نظر گرفته بود. وی در طرح خود لشکر ۱۰ زرهی را برای محور شمالی و لشکر ۱ مکانیزه را برای محور جنوبی منظور نموده بود. فرمانده سپاه سوم تصور می‌کرد که این دو لشکر زرهی و مکانیزه با توجه به قدرت آتش و تحرک خود، راه مواصلاتی استان خوزستان را با یک مانور احاطه‌ای یا گازانبری مسدود و پس از موفقیت دو لشکر، عناصری از احتیاط این دو لشکر با پیشروی به سمت اهواز، مرکز استان

خوزستان را نیز به تصرف درآورده و به طور کل، استان خوزستان سقوط کرده و از پیکره ایران اسلامی جدا خواهد شد.

شرایط زمانی، شک فرماندهان عراقی را به باور تبدیل کرده بود، آنها انهدام نیروهای ایرانی را در همان ساعات اولیه تصور می کردند و حرکت نیروهای خود را در قالب یک راهپیمایی تاکتیکی متکی به جاده های ایران می دانستند، هرچند اطلاعات سپاه سوم ارتش عراق از وضعیت لشکر ۹۲ زرهی خوزستان، که یگان سرزمینی آن منطقه می باشد صحیح بود، ولی هرگز فکر نمی کردند که این لشکر با یگان های مأور به آن، که وضعیت نه چندان بهتری نسبت به آنها داشتند، معادلات آنها را کاملاً بر هم بزنند. دولتمردان عراقی می پنداشتند که چنین لشکری هرگز تاب مقاومت در برابر نیروهای آماده آنها را ندارد و نیروهای عراقی به سرعت به اهداف پیش تعیین شده خود دست یافته و دولت ایران با شکست نیروهایش، شرایط عراق را به ناچار پذیرفته و جنگ در همان روزهای اولیه به آتش بس منتهی خواهد شد. ولی مقاومت گردان های ۱۳۸ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده حمزه، گروه رزمی تیپ ۳۷ زرهی، تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی و گردان ۲۸۳ سوارزرهی لشکر ۹۲ زرهی در همان روزهای اولیه سبب شد، ضمن برهم زدن برآورد معادلات نیروهای عراقی، سپاه سوم هرگز موفق به عبور از پل نادری واقع بر رودخانه کرخه نشده و نتواند و شهر دزفول را به تصرف خود درآورد.

روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۷ آغاز تهاجم سراسری ارتش عراق به خاک ایران بود. در این روز، ارتش عراق با به پرواز درآوردن جنگنده ها و بمب افکن های خود، سعی و تلاش نمود که اماکن و تأسیسات حساس و حیاتی ایران را نابود نماید. عمده عملیات ارتش عراق در این روز به جنگ هوایی منتهی می گردید. آنها منتظر بودند که با آغاز روشنایی اول مهر، حملات زمینی

خود را به سرعت آغاز کنند و با توجه به یگان‌های زرهی و مکانیزه خود با استفاده از تحرک آنها به اهداف از پیش تعیین‌شده خود دست یابند و خوزستان را از پیکره ایران جدا نمایند.

آغاز عملیات عراق در خاک ایران، منطقه غرب دزفول

بالأخره درگیری‌های مرزی ایران و عراق به یک جنگ سراسری در تمام مرزهای دو کشور انجامید. نیروهای هوایی عراق از روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۷ به شدت منابع حیاتی ایران را مورد حمله قرار دادند. نیروی زمینی ارتش عراق در ساعت ۱۳۰۰ حرکت اولیه خود را به داخل خاک ایران آغاز کرد. نیروهای عراقی بر این باور بودند که با بمباران تأسیسات ایران در عقب، وحشت خاصی در بین مردم ایجاد شده و نیروهای نه‌چندان آماده ارتش و ژاندارمری نیز با مشاهده وضعیت موجود و آتش بی‌امان نیروهای عراقی، تاب و تحمل نیاورده و در همان ساعات اولیه متواری و شیرازه نیروهای موجود از هم گسسته خواهد شد.

صدای انفجار مهیب توپخانه و حرکت ادوات زرهی، منطقه خوزستان را به لرزه درآورده بود. صدام حسین لحظه‌شماری می‌کرد تا به خاک ایران حمله نموده و قدرت نظامی ارتش بعث عراق را به رخ سردمداران عرب منطقه بکشد. او به فکر آن بود تا از طریق حمله نظامی به خاک ایران، عظمت آشور، گلدۀ و بابل را زنده نماید. فرماندهان عراقی سر از پا نمی‌شناختند. فتح خوزستان آرزوی دیرینه آنها بود. دیدن خاک خوزستان برای آنها رویایی بود که سال‌ها در دل می‌پروراندند. به علت کمبود نیرو در این جبهه، نیروهای عراقی تصور می‌کردند که در یک رزمایش یک‌طرفه شرکت نموده‌اند.

سپاه سوم ارتش عراق با دو لشکر مجهز و آماده ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه وارد میدان شد. آنها تک اصلی خود را بر روی دو محور اصلی طرح‌ریزی و متمرکز نموده بودند:

محور یکم: از پل رمیله واقع بر رودخانه طیب در خاک عراق، پاسگاه شرفانی واقع در ارتفاعات حمیرین به سمت مواضع پدافندی عین‌خوش و سپس ادامه آن به سمت پل نادری واقع بر رودخانه کرخه.

محور دوم: از عماره، پاسگاه فکه به سمت مواضع پدافندی دوسلک در شرق فکه و سپس ادامه آن به سمت ارتفاعات ابوصلیبی خات و شهر شوش واقع در کرانه غربی رودخانه کرخه.

هنوز دقایقی از ظهر نگذشته بود که جنگنده بمبافکن‌های عراقی بخش بزرگی از قلمرو هوایی ایران را مورد حمله قرار دادند. منطقه دزفول و غرب آن نیز از این تهاجم در امان نبود. پادگان‌های نظامی در این منطقه شامل: تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی، پایگاه هوایی دزفول و پادگان دوکوهه توسط هواپیماهای عراقی بمباران شدند. از سوی دیگر، با آغاز حمله هوایی، مقدمات تک زمینی نیز آغاز گردید و یگان‌های سپاه سوم ارتش عراق پاسگاه‌های مرزی ایران را مورد حمله قرار دادند.

سپاه سوم ارتش عراق به فرماندهی سرلشکر ستاد اسمعیل تایه النعمی با دو لشکر ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی که در منطقه عمومی نیسان عراق استقرار یافته بود، آماده حرکت به سمت هدف‌های از پیش تعیین شده بودند. سرتیپ ستاد هشام صباح الفخری فرمانده لشکر ۱۰ زرهی عراق با دریافت دستور زمان عملیات از فرماندهی سپاه سوم مأموریت لشکر تحت امرش را چنین اعلام نمود:

«حمله هوایی عراق از ساعت ۱۲۰۰ آغاز و ساعت شروع حمله زمینی نیروهای عراقی ساعت ۱۶۰۰ روز ۲۲ سپتامبر (۳۱ شهریور) خواهد بود.

تیپ ۱۷ زرهی به عنوان جلودار لشکر به پاسگاه‌های مرزی ایران حمله می‌کند، گردان شناسایی النصر جلودار عمومی لشکر می‌باشد.»
با صدور این دستور از طرف فرمانده لشکر ۱۰ زرهی، وضعیت مأموریت نیروهای تحت امرش مشخص شد.

وضعیت و نحوه عملکرد نیروهای عراقی در محورهای عملیاتی

در محور یکم: یگان‌های تیپ ۱۷ زرهی که به عنوان جلودار لشکر ۱۰ زرهی تعیین گردیدند، تا پایان روز ۳۱ شهریورماه، خود را به دامنه‌های غربی ارتفاعات حمزین رساندند و با استفاده از تاریکی شب از آن عبور کردند و در نهایت، در ساعت ۰۵۳۰ بامداد روز اول مهرماه موفق شدند پاسگاه ربوط ایران را به تصرف درآورند. نیروهای حاضر ایرانی در این پاسگاه‌ها شهید و یا اسیر گشتند. از سوی دیگر، یک واحد دیگر از همین تیپ در این روز به پاسگاه چمسری ایران که در قسمت شمال پاسگاه ربوط قرار دارد یورش برده و آن را به تصرف درآورد. در نهایت، در طی یک نبرد نابرابر، تیپ ۱۷ زرهی در این محور موفق شد پاسگاه‌های ربوط، چمسری و نهر عنبر را که در غرب رودخانه دویرج قرار داشت، به تصرف درآورد.

گردان ۲۸۳ سوارزرهی که در غرب رودخانه دویرج مأموریت پوشش را داشت، در تمام روز اول مهرماه با نیروهای عراقی در حال نبرد شدید بود و علیرغم کمبود پشتیبانی آتش و استعداد کم و عرض زیاد منطقه واگذاری، با شجاعت هرچه تمام‌تر توانست ضمن ارسال اطلاعات لازم از نیروهای عراقی، حرکت نیروهای مهاجم را کند کرده و لشکر ۱۰ زرهی عراق را وادار به گسترش کند و در نتیجه، یک روز عملیات تهاجمی آن لشکر را به تأخیر اندازد. لشکر ۱۰ زرهی عراق که مأموریت داشت در روز اول مهرماه، مواضع عین‌خوش را تصرف کرده و تک خود را به سمت پل نادری ادامه دهد، با

فداکاری و ایثار و از خودگذشتگی گردان ۲۸۳ سوارزره‌ی نتوانست به اهداف از پیش تعیین‌شده خود دست یابد، ولی به دلیل عدم برابری همه‌جانبه نیروهای عراقی با نیروهای ایرانی، بالأخره نیروهای عراقی توانستند با تصرف غرب رودخانه دویرج، توپخانه خود را به جلو کشیده و بدین ترتیب، حجم آتش توپخانه نیروهای عراقی بر روی مواضع عین‌خوش افزایش یابد، به طوری که در پایان اولین روز نبرد، خسارات زیادی به تیپ ۲ زرهی، که فرماندهی آن را یک سرهنگ مخابرات بر عهده داشت، وارد شد و رادیو رله تیپ نیز منهدم گردید که نتیجه آن قطع ارتباط تیپ با فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی گردید.

در محور دوم: لشکر ۱ مکانیزه با برخورد شدید مقاومت گروه رزمی ۳۷ زرهی مواجه گردید و موفق نشد پاسگاه‌های مرزی را به تصرف درآورد؛ لذا فرماندهی لشکر تصمیم گرفت با دور زدن پاسگاه‌های فکه و دویرج، پاسگاه‌های مزبور را از طریق جنوب‌شرقی محور فکه محاصره و پس از آن، با استفاده از جاده اصلی فکه - شوش، خود را به مواضع دوسلک، واقع در ارتفاعات چنانه برساند.

شرایط زمین در منطقه پاسگاه فکه به علت دارا بودن تپه‌های کم‌ارتفاع پدافندی، موقعیت مناسب‌تری نسبت به محور یکم داشت. گروه رزمی تیپ ۳۷ زرهی با بهره‌گیری مناسب از زمین، توانسته بود مقاومت خود را افزایش دهد و پیشروی دشمن را کند نماید، اما استعداد این گروه رزمی به هیچ وجه قابل مقایسه با لشکر ۱ مکانیزه ارتش عراق نبود. این گروه با توجه به استعداد کم خود، از نظر نیروی انسانی و تجهیزات، در منطقه‌ای به عرض ۴۰ کیلومتر گسترش یافته بود؛ لذا از فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی درخواست نمود، گردان ۱۳۸ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه را که به عنوان احتیاط لشکر در ارتفاعات دوسلک استقرار یافته بود، به منطقه فکه اعزام و زیر امر آن گروه

قرار دهد، تا آن گردان را در قسمت جنوب پاسگاه فکه جهت جلوگیری از محاصره شدن توسط نیروهای عراقی به کار گیرد. اما لشکر ۹۲ زرهی در شرایطی قرار نداشت که بتواند با درخواست فرمانده گروه رزمی ۳۷ زرهی موافقت نماید، ولی به گروه رزمی آزادی عمل داد تا به هر نحوی که شرایط ایجاب می‌نماید، مقاومت و یا عقب‌نشینی کند.

با افزایش لحظه به لحظه، فشار و حملات نیروهای عراقی به مدافعین ایرانی، فرمانده گروه رزمی به اجبار تصمیم گرفت به مواضعی که حدود ۵۰۰ متر عقب‌تر از مواضع مرزی بود، عقب‌نشینی نماید، تا شاید با این کار بتواند از تلفات و ضایعات بیشتر جلوگیری نماید. اما با این اقدام، تمام پاسگاه‌های مرزی در منطقه مسئولیت آن گروه، از جمله پاسگاه‌های فکه و دویرج به تصرف نیروهای عراقی درآمد.

نیروی هوایی ارتش ایران تنها پشتیبان موجود برای یگان‌های نیروی زمینی، در تمامی منطقه نبرد بود. با فشار همه‌جانبه نیروهای عراقی به گروه رزمی، درخواست پشتیبانی هوایی هر آن افزایش می‌یافت. بالاخره درخواست‌های پی در پی گروه رزمی ۳۷ زرهی از لشکر ۹۲ زرهی، باعث شد تا فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی، در شب اول مهرماه، گردان ۱۳۸ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه را که تنها احتیاط لشکر بود، در اختیار گروه رزمی ۳۷ قرار دهد، تا آن یگان را در مواضع مناسبی جهت پدافند از منطقه در روز دوم مستقر نماید.

پس از یک روز نبرد سخت و جانانه، بالاخره نیروهای عراقی موفق شدند نیروهای ایرانی مستقر در مرز را مجبور به عقب‌نشینی نمایند و آماده تک به مواضع عین‌خوش و دوسلک گردند. گردان ۲۸۳ سوارزرهی نیز به غرب رودخانه دویرج عقب‌نشینی کرده و سایر نیروها در محور فکه به یک موضع پدافندی جدید عقب‌نشینی کردند.

با پایان یافتن اولین روز نبرد، نیروهای عراقی موفق شدند نیروهای مدافع ما را در مرز بین دو کشور وادار به عقب‌نشینی نمایند و آماده ادامه حملات خود در روز بعد گردند. ارتش عراق تصمیم گرفته بود در این منطقه به مواضع نیروهای ایران در عین‌خوش و دوسلک حمله نماید. با عقب‌نشینی گردان ۲۸۳ سوارزهی به غرب رودخانه دویرج و عقب‌نشینی گروه رزمی ۳۷ زرهی در محور فکه و اشغال مواضع جدید، بایستی آماده مقابله با حملات مجدد نیروهای عراقی گردند، با عقب‌نشینی گردان ۲۸۳ سوارزهی به غرب رودخانه دویرج، نیروهای عراقی نیز خسته از این کارزار اولیه بودند؛ لذا از طرف سپاه سوم به لشکر ۱۰ زرهی مأموریت داده می‌شود که یک واحد از لشکر ۱۰ زرهی به موسیان و دهلران تغییر مسیر داده و جاده عین‌خوش به دهلران را زیر حمله آتش سنگین توپخانه قرار دهد تا از تردد نیروهای ایرانی به سمت دهلران جلوگیری نماید. به علت عدم داشتن اطلاعات کافی از مسائل نظامی، مسئولین مربوطه به سرعت اخبار خام واصله را، که صحت و سقم آنها بررسی نشده بود، به بالا گزارش می‌دادند؛ به طوری که استاندار ایلام به ستاد مشترک ارتش اعلام می‌نماید که عین‌خوش سقوط کرده و شهر موسیان نیز در حال سقوط است و یگان‌های ارتش از آن منطقه عقب‌نشینی نموده‌اند. با ابلاغ این خبر به لشکر ۹۲ زرهی، لشکر این خبر را تأیید نکرده و پاسخ می‌دهد که فقط گردان ۲۸۳ سوارزهی به موضع جانبی تغییر موضع داده تا در محاصره نیروهای عراقی قرار نگیرد.^۱

فرماندهی تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی با امکانات بسیار کم خود و گستردگی منطقه و برتری نیروهای مهاجم عراقی نسبت به نیروهای مدافع ایرانی چه

۱. جوادپور، محمد (۱۳۹۴)، *ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس* (جلد ۱)،

نبردهای غرب دزفول، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی اجا، ص ۸۳

تصمیمی می‌توانست بگیرد؟ لشکر ۹۲ زرهی نیز به هیچ وجه قادر نبود که تیپ ۲ زرهی را تقویت نماید. فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی تصمیم گرفت اختیار عمل را به فرماندهی تیپ ۲ واگذار نماید، تا به هر نحوی که برای آن یگان مقدور می‌باشد، نسبت به تقویت منطقه دهلران اقدام نماید، ولی با بسته شدن راه مواصلاتی از عین‌خوش به دهلران، چگونه امکان داشت که این دستور را اجرا نماید؟

باید اذعان نمود آنهایی که با نیش زبان و قلم به ارتش ایران هجوم می‌آوردند، افراد غافلی بودند که نمی‌دانستند هر اقدام در جنگ، شکست نیست.

روز دوم مهرماه فرارسید. نیروهای طرفین، شب سختی را سپری کردند، ولی با آغاز روشنایی، دومین روز نبرد نیز آغاز گردید. اجرای آتش سنگین توپخانه ارتش عراق بر روی مواضع گردان ۲۸۳ سوارزرهی و تیپ ۲ زرهی باریدن گرفت. آتشی نابرابر در مقابل نیروهای ایرانی قرار داشت. لشکر ۱۰ زرهی به تیپ ۱۷ لشکر مأموریت می‌دهد که نیروهای تیپ ۲ زرهی مستقر در عین‌خوش و گردان ۲۸۳ سوارزرهی را از مواضع خود در عین‌خوش و ارتفاعات جناحین آن به عقب براند. آنها تصمیم داشتند با استفاده از آتش پشتیبانی توپخانه و اجرای یک مانور احاطه دوطرفه، این حمله را اجرا نمایند.

بالآخره روشنایی روز آغاز شد. توپخانه نیروهای عراقی آتش خود را بر روی مواضع نیروهای ایرانی گشودند. نیروهای مدافع ایرانی به خوبی توانسته بودند با تمام کاستی‌ها، سرعت عمل ماشین جنگی عراق را کم کنند و این بازدارندگی برای ارتش ایران باز هم یک موفقیت بود، زیرا ارتش عراق به خوبی می‌توانست از تحرک یگان‌های زرهی و مکانیزه خود به بهترین وجه استفاده نماید. همین تأخیر در روند سرعت حرکت نیروهای عراقی، یک دلگرمی و روزنه امیدی بود برای فرماندهان و سربازان ایرانی که

حس ملی، میهنی و دینی آنها را تهییج نماید. دشمنی که بر این باور بود می‌تواند به سهولت بر نیروهای ایرانی پیروز گردد، حال با مقاومت سرسختانه آنها روبه‌رو گردید.

عدم برابری نیروها، خستگی ناشی از درگیری چند روز گذشته، عدم پشتیبانی‌های لازم برای مقابله با ارتش عراق، تصمیم و تدبیر را برای فرمانده تیپ ۲ زرهی بسیار سخت کرده بود. فرمانده تیپ از هر طرف با در بسته روبه‌رو می‌شد. نه لشکر ۹۲ زرهی قادر بود که از آنها پشتیبانی نماید و نه مسئولین استان. آنها چاره‌ای نداشتند جز توکل به خداوند و ایستادگی در مقابل تهاجم ارتش عراق تا آخرین قطره خون خود.

تهاجم ارتش عراق آغاز شد. نبردی سخت بین نیروهای حمله‌کننده عراقی و مدافعان ایرانی درگرفت. غباری از آتش و دود و خاک توپخانه‌های طرفین و حرکت تانک‌ها و نفربرها با صدای مهیشان سراسر منطقه را فراگرفت. نیروهای ایرانی دلاورانه مبارزه را شروع کردند. هیجان خاصی در بین سربازان ایجاد شده بود. با انهدام اولین تانک عراقی، نیرویی دیگر به وجود آنان سرازیر گشت. دومین و سومین تانک نیز زده شد. نیروهای عراقی هرگز باور نمی‌کردند که این نیروی اندک، چنین جسورانه تا پای مرگ ایستادگی کنند. هر آن، تعداد تانک‌های انهدامی عراق زیادتر می‌شد. سربازان ایرانی در کمال ناباوری موفق شدند یک تانک عراقی را سالم به غنیمت خود درآورند. هر لحظه انگیزه مقاومت و ایستادگی و روحیه جنگندگی آنان افزایش می‌یافت. رزمی نزدیک و تن به تن آغاز گردیده بود. بنا بر آخرین اخبار بدست آمده، تا حوالی ظهر همان روز، فرماندهان ارتش عراق در کمال ناباوری، ۱۲ دستگاه تانک خود را منهدم شده و یک دستگاه را به غنیمت گرفته شده دیدند؛ ولی این موفقیت خودی، دلیل بر موفقیت کامل نیست، زیرا دشمن به سرعت در حال راه چاره بود. وضعیت نیروها و اوضاع

منطقه به لشکر گزارش می‌شد، ولی متأسفانه لشکر ۹۲ زرهی نیز قادر نبود، کوچکترین کمک را به تیپ برساند؛ لذا تدبیر و تصمیم فرماندهی لشکر بر این گردید، که اختیار عمل را به دست فرماندهی تیپ ۲ زرهی واگذار نماید، با این تفویض اختیار حالا فرمانده تیپ بایستی به دنبال راهکار مناسب می‌بود.

فرماندهی تیپ ۱۷ زرهی ارتش عراق در عین ناباوری، موفق نشد مواضع عین خوش را به تصرف درآورد. خستگی نیروهای طرفین و فرارسیدن غروب آفتاب و محدودیت یگان‌های زرهی، چاره‌ای جز گرفتن لاک دفاعی برای طرفین نداشت. سرپرست تیپ ۲ زرهی در برهه‌ای حساس از زمان و مکان و موقعیت بود که تصمیم‌گیری برای وی سخت بوده و نگران از عواقب آن بود، ولی به لشکر اعلام می‌نماید، تیپ در رده‌ای نیست که در این مورد تصمیم‌گیری نماید؛ لذا تا وصول دستور، به مقاومت و پایداری در مواضع عین خوش ادامه خواهد داد، ولی این اقدام منجر به انهدام و نابودی کامل تیپ خواهد شد.

اما در محور دوم، یعنی ارتفاعات دوسلک، فشار نیروهای عمل‌کننده عراقی بر روی گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه شدت گرفت. افزایش و شدت حملات ارتش عراق در روز دوم مهرماه در این منطقه باعث اختلال و درهم ریختگی در ساختار سازمان گروه رزمی ۳۷ زرهی به فرماندهی سرگرد اسدزاده و گردان ۱۳۸ پیاده به فرماندهی سرگرد پیاده سید حسین شرفه گردید.

فرمانده گروه رزمی خطر را به خوبی احساس می‌کرد، لذا چاره‌ای جز درخواست نیروی کمکی و پشتیبانی توپخانه و آتش هوایی نداشت. در نتیجه، به صراحت اعلام نمود که اگر به یگان تحت امرش کمکی واصل نگردد، چاره‌ای جز عقب‌نشینی نخواهد داشت، ولی ایستادگی و مردانگی نیروهای مدافع ارتش ایران در این روز نیز اجازه پیشروی به نیروهای لشکر ۱

مکانیزه عراق را نداد و نیروهای لشکر ۱ مکانیزه با تحمل تلفات و ضایعات زیادی روبه‌رو شده بود و برخلاف برآودهای به عمل آمده، آنها نتوانستند موفق به تصرف عین‌خوش و دوسلک در هر دو محور شوند.

هرچند نیروهای عراقی در محور یکم موفق شدند شرق رودخانه دویرج را به تصرف درآورند، ولی در دامنه ارتفاعات عین‌خوش و حوالی آن که در برد سلاح‌های با تیر مستقیم بود، چاره‌ای جز توقف نداشتند. اما در محور دوم، منطقه عمل گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه، نیروهای عمل‌کننده ارتش عراق در دامنه ارتفاعات برغازه - دوسلک زمین‌گیر شدند. فقط توانسته بودند نیروهای مدافع ایرانی را در این محور با یک روز تأخیر نسبت به محور یکم عین‌خوش به عمق ۵ کیلومتر به عقب برانند؛ لذا خط عمومی پدافندی نیروهای ایران در پایان روز دوم مهرماه، امتداد ارتفاعات تینه و از شمال عین‌خوش به سمت جنوب بود و در نتیجه، این رشته ارتفاع دومین موضع پدافندی در مقابل محورهای پیشروی از سمت عراق به ایران محسوب می‌شد. با فرارسیدن تاریکی شب، نیروهای طرفین به شدت خسته شده بودند و خستگی بر چهره فرد فرد نیروهای طرفین مشاهده می‌گردید. آنها چاره‌ای جز استراحت و آماده شدن برای نبردی دیگر در روز سوم مهرماه نداشتند.

روایای سه‌روزه قادسیه صدام حسین نیز به یقین نرسید، زیرا نیروهای عمل‌کننده ارتش عراق هنوز در تمام محورها با مقاومت و ایستادگی ارتش ایران روبه‌رو بوند. سپاه سوم هرگز تصور نمی‌کرد که نیروهای ارتش ایران با همه کاستی‌ها، این‌طور دو لشکر آماده و مجهز آنها را وادار به توقف کنند و اجازه ندهند که آنها خود را به پل نادری برسانند و جلو پیشروی آنها به طرف دزفول را سد نمایند. رمز موفقیت یگان‌های سپاه سوم عراق، در پیشروی

لشکر ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی و تصرف دزفول و قطع شاهراه اساسی خوزستان به مرکز ایران بود.

طلوع روز سوم مهر آغاز گردید. سپاه سوم عراق تمام توان لشکر ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی را به پای کار آورد. در محور عین خوش و دوسلک تمام توان دو لشکر دشمن، آماده حمله به مواضع پدافندی ارتش ایران گردید. لشکر ۱۰ زرهی با دو تیپ زرهی در خط و تیپ ۲۴ مکانیزه در احتیاط لشکر، در محور یکم عین خوش و لشکر ۱ مکانیزه با دو تیپ مکانیزه در خط و یک تیپ زرهی در احتیاط در منطقه دوسلک آماده اجرای تک گردیدند. نیروهای ایرانی در هر دو محور مجموعاً بیش از دو گردان تقویت شده نبودند، لذا نبرد سخت و خونباری را آغاز نمودند. در سوم مهرماه، با تمام از خودگذشتگی و ایثار نیروهای ارتش ایران، نیروهای عراقی موفق شدند که با برتری مطلق، تیپ ۲ زرهی دزفول و گردان ۲۸۳ سوارزرهی را از مواضع پدافندی خود در عین خوش به عقب برانند و عناصر باقیمانده از آنها به ناچار با ۲۰ کیلومتر عقب‌نشینی در تپه‌های علی گره‌زد واقع در شرق دشت عباس مواضع جدیدی را اشغال کردند و در محور فکه - دوسلک نیز عناصر باقیمانده گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده نیز وضعیتی مشابه محور یکم در عین خوش داشتند و آنها نیز مواضع خود را در این منطقه از دست داده و به عقب رانده شدند.

از سوی دیگر، در روز سوم مهرماه، تحولاتی در امر هدایت میدان نبرد در منطقه در حال اتفاق بود. در لشکر ۹۲ زرهی، جابه‌جایی فرماندهی لشکر در حال رخ دادن بود. با ورود و انتصاب فرمانده جدید، سرهنگ قاسمی نو، در اولین اقدام، یک قرارگاه فرماندهی برای غرب دزفول تشکیل داد؛ زیرا تا به آن روز یگان‌های مستقر در منطقه غرب دزفول که شامل تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی، گردان ۲۸۳ سوارزرهی لشکر ۹۲ زرهی، گروه رزمی تیپ ۳۷

زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ بودند، حمزه هرکدام به تنهایی با لشکر در تماس بوده و هدایت می‌گردیدند. اما تشکیل یک فرماندهی مستقل در غرب دزفول برای هدایت و رهبری نیروها لازم و ضروری به نظر می‌رسید. معاون لشکر ۹۲ زرهی سرهنگ زرهی ستاد ملک‌نژاد که تا آن روز سِمَت سرپرستی لشکر را به عهده داشت، به سمت فرماندهی یگان‌های غرب دزفول منصوب و مشغول به کار شد. گسترده‌ی منطقه و پراکندگی یگان‌های در طول میدان نبرد، هدایت و رهبری نیروهای مدافع ارتش ایران را با مشکل مواجه نموده بود و تمام چشم امید مسئولین و مردم ایران به نحوه عملکرد نیروها در خوزستان دوخته شده بود. سپاه سوم که تمام هدف خود را برای پیشروی به سمت دزفول معطوف کرده بود، بدون کوچکترین توجهی، نیروهای بجامانده ایرانی را در عقبه خود رها کرده بودند. نیروهای بعضی از پاسگاه‌های مرزی، از جمله سمیده و پیچ‌انگیزه و نیروهای مستقر در منطقه دهلران و موسیان، از جمله این عناصر بودند که در عقب دشمن به جا مانده و محاصره شده بودند. در شهر دهلران نیز کارکنان دولتی غیرنظامی هنوز مشغول انجام وظیفه بودند و مرکز گروهان ژاندارمری موسیان نیز مشغول به فعالیت بود.

در پایان روز سوم مهرماه، نیروها، شب سختی را پیش رو داشتند. ایجاد مواضع پدافندی و آمادگی مقابله با حملات مجدد ارتش عراق که برای پیشروی به سمت پل نادری و در نهایت، تصرف دزفول تلاش می‌نمودند، تمام فکر نیروها را مشغول کرده بود. اما شایان توجه است که در آن ساعات سرنوشت‌ساز، تمام مقامات کشوری و لشکری نمی‌توانستند بپذیرند که قسمتی از خاک ایران عزیز به دست نیروهای متجاوز عراقی افتاده است. تمایل همگی آن بود که تا پیشروی دشمن به عمق مناطق نرسیده است، یگان‌های ارتش، با حمله متقابل، نیروهای عراقی را متوقف کرده و یا به

عقب برانند. اما این تصور تماماً ناشی از احساسات آنها بود. در آن برهه از زمان، نمی‌شد با احساسات، مشکلات منطقه نبرد را حل کرد. از سوی دیگر، فرماندهان و سربازان ارتش ایران با همه کاستی‌ها نمی‌توانستند اجازه دهند که نیروهای عراقی به سادگی و راحتی هرچه تمام‌تر، به عمق خاک ایران رخنه و پیشروی نمایند. هرچند متأسفانه از هر طرف، ارتش ایران هنوز مورد اعتماد نبود، ولی تعداد قلیلی از مسئولین به این نکته واقف بودند که ارتش ایران فعلاً تنها نیروی بازدارنده و از طرف دیگر که مهم است، این ارتش از دل آحاد مردم این مرز و بوم می‌باشد و تاریخ ایران زمین نیز ثابت کرده که ارتش این کشور در برابر نیروهای بیگانه که به حریم کشورشان تجاوز نموده‌اند روی خوش نشان نداده و با دشمن همکاری نکرده، بلکه در سخت‌ترین شرایط، دست از مقاومت و ایستادگی در برابر متجاوزین برنداشته و تا پای جان در دفاع از آب و خاک خود جانفشانی کرده است. در طی این چند روز، حقیقتاً مقاومت و ایستادگی یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران دور از انتظار و تصور فرماندهان و طراحان ارتش عراق بود.

بالاخره صبح روز چهارم مهرماه ۱۳۵۹ نیز فرا رسید. هنوز، زردی آفتاب بر خاک منطقه گسترده نشده بود که نیروهای عراقی در دو محور عین‌خوش و فکه حرکت خود را برای پیشروی به سمت شرق ادامه دادند. حوالی ساعت ۰۵۳۰ روز چهارم مهرماه، در محور یکم تیپ‌های ۱۷ و ۴۲ زرهی از لشکر ۱۰ زرهی عراق در شمال و جنوب جاده عین‌خوش - دزفول گسترش یافتند تا پیشروی خود را آغاز نمایند. منطقه مسطح دشت عباس، زمین خوبی برای مانور تانک‌های طرفین بود. در حوالی سه‌راهی دچه واقع در دشت عباس، نبرد سخت ادوات زرهی آغاز گردید.

دو تیپ ۱۷ و ۴۲ زرهی با گسترش در عرض هرچند با مقاومت‌های پراکنده مواجه بودند، ولی توانستند با کنار زدن آنها به پیشروی خود ادامه دهند. از سوی دیگر، تیپ ۲۴ مکانیزه که در احتیاط لشکر ۱۰ زرهی قرار داشت، مأموریت یافت که نسبت به انهدام نیروهای باقیمانده ارتش ایران اقدام نماید. تیپ ۲۴ مکانیزه وارد کارزار شد. در حوالی سهراب دچه از تیپ‌های زرهی در خط عبور کرد تا با انهدام نیروهای ارتش ایران، راه را برای ادامه پیشروی نیروهای عراقی باز نماید. اما ناگفته نماند که در طی این چند روز از آغاز درگیری، به حق، نیروهای مدافع ارتش ایران، چهره راستین خود را به رخ ارتش عراق کشیدند. آنان با کمترین امکانات موجود، با سلاح‌های ضدتانک خود، از قبیل آرپی جی ۷، تفنگ ۵۷م م و تفنگ ۱۰۶م م به کرات نیروهای متجاوز عراقی را وادار به توقف نمودند. در این صحنه نابرابر نیز، هجمه آتش تیراندازهای سلاح‌های ضدتانک، عرصه را در میدان برای تانک‌ها و نفربرهای عراقی تنگ کرده بودند. باید اذعان نمود که از نحوه عملکرد و اجرای مأموریت یگان‌های عراقی متوجه خواهیم شد که ارتش عراق به خاطر وضعیت نابسامان نیروهای نظامی ایران در آن برهه از زمان، تا اندازه‌ای نسبت به تکمیل اطلاعات و شناسایی‌های مورد نظر بی‌توجهی کرده بود، چون در بررسی برآوردهای اطلاعاتی و عملیاتی چنین استنباط می‌گردد که هرگز پیش‌بینی چنین مقاومتی را از طرف نیروهای ارتش ایران در مقابل نیروهایشان پیش‌بینی نکرده بود، بلکه فقط به قدرت تحرک خود متکی شده بود. ولی عملاً در میدان نبرد، قدرت تحرک برتر عراق نسبت به نیروهای ایرانی، زیاد کارساز نشد و بار دیگر صفحات تاریخ افتخارآفرین مقاومت و دلاورمردی نیروهای ایران، در سال ۱۳۵۹ گشوده شد.

با آغاز جنگ، در کاربرد بعضی از تجهیزات جنگ نیز تغییراتی ایجاد گردید. خلبانان نیروی هوایی ارتش ایران، با جنگنده‌های اف ۴ و اف ۵ خود

به سمت هدف‌های متحرک ارتش عراق یورش بردند و نسبت به انهدام تانک‌ها و زره‌پوش‌های عراقی اقدام می‌نمودند، ولی با تمام تلاش‌ها، موفق نشدیم پیشروی نیروهای لشکر ۱۰ زرهی را سد نماییم و ارتش عراق پس از یک نبرد، موفق شد که از سواره دچه واقع در غرب تپه‌های علی گره‌زد تا حدود ۲۰ کیلومتر پیشروی کند. از سوی دیگر، مقاومت نیروهای ایرانی در این منطقه‌ها فرماندهان عراقی را بر این داشت که تصور نمایند آنها با مواضع از پیش ساخته مواجه گردیده‌اند و این نیز یکی از دلایل کمی اطلاعات ارتش عراق از وضعیت زمین منطقه نبرد بود و در نتیجه به ناچار متوقف می‌شدند.

نقش و عملکرد گردان ۲۸۳ سوارزرهی لشکر ۹۲ زرهی در اجرای عملیات تأخیری در مقابل نیروهای مجهز عراق بر هیچ‌کس پوشیده نیست و این گردان که مأموریت داشت تأمین جناح چپ تیپ ۲ زرهی را برقرار نماید، با دادن تلفات زیاد دیگر قادر نبود بتواند در صحنه نبرد تغییری ایجاد نماید. در نتیجه، بنا به دستور لشکر ۹۲ زرهی، گردان ۲۸۳ سوارزرهی زیر امر تیپ ۲ زرهی دزفول قرار گرفت.

اما در محور دوم منطقه عملیاتی غرب کرخه وضعیت چگونه بود؟ آیا لشکر ۱ مکانیزه قادر شد سد دفاعی گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه را بشکند و به پیشروی خود به طرف پل نادری از سهراهی قهوه‌خانه بشود یا خیر؟

در این محور، یعنی محور فکه، لشکر ۱ مکانیزه از سپاه سوم ارتش عراق با زیر آتش قرار دادن مواضع گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده می‌خواست که با عقب زدن و یا انهدام آنها یگان‌های خود را به سرعت به سمت ارتفاعات ابوصلیبی‌خات برساند. فرمانده لشکر ۱ مکانیزه عراق می‌دانست که تصرف ارتفاعات ابوصلیبی‌خات، از نظر نظامی یک کلید

حیاتی نظامی برای دارنده آن محسوب می‌گردد، ولی ایستادگی و مقاومت نیروی ایرانی برای آنها قابل پیش‌بینی و تصور نبود. هرچند هر دو نیرو هنوز بر اوضاع منطقه کاملاً مسلط نبودند، ولی در نهایت، گروه رزمی ۳۷ و گردان ۱۳۸ پیاده از رسیدن و دستیابی نیروهای عراقی به مواضع دوسلک و چنانچه جلوگیری کردند.

باید دانست که ایستادگی این نیروها در محور فکه، ناجیان نیروهای ایرانی در محور دهلران به پل نادری نیز بودند، زیرا اگر لشکر ۱ مکانیزه موفق می‌شد که مواضع نیروهای ایرانی در دوسلک را به تصرف درآورد، به کوتاهترین راه به کرانه غرب رودخانه کرخه دست یافته بود. در نتیجه، سریعاً می‌توانست از دشت واقع در جنوب ارتفاعات علی گره‌زد، نیروهای تیپ ۲ زرهی و گردان ۲۸۳ سوارزرهی را که در حال اجرای عملیات تأخیری بودند به محاصره درآورد و راه پیشروی لشکر ۱۰ زرهی را به سمت دزفول آسان نماید.

خستگی بر نیروهای طرفین درگیری مستولی گردیده بود، تلفات و ضایعات نیروهای مدافع ارتش ایران در طی این چند روز زیاد بود، ولی در کمال تأسف هیچ‌گونه جایگزین نیروی انسانی و تسلیحاتی برای آنها وجود نداشت، ولی غیرت و شرف نیروهای مدافع ایران به خود اجازه نمی‌داد که این کمبودها و نواقص بر روحیه ایثارگری آنها تأثیر بگذارد. با فرارسیدن تاریکی شب، نبرد روز چهارم مهرماه در دو محور غرب رودخانه کرخه نیز به توقف رسید و باید دید که فردای روز نبرد چه خواهد شد.

بالآخره روز پنجم مهرماه نیز فرارسید. همان‌گونه که گفته شد ضعف عناصر اطلاعاتی ارتش عراق در برآورد از نیروهای ایرانی در منطقه نبرد غرب رودخانه کرخه، فرماندهان عراقی را در تصمیم‌گیری‌ها با مشکل مواجه کرده بود. نیروهای ایرانی با استقرار بر روی ارتفاعات علی گره‌زد و شاوریه بر دشت

غربی خود تسلط داشتند و نیروهای عراقی به سادگی نمی‌توانستند در این محور به سمت پل نادری پیشروی نمایند. به همین دلیل، فرمانده لشکر ۱۰ زرهی به دنبال راه چاره برای عبور از این محور افتاد. بنا بر اطلاعات به‌دست‌آمده از مدارک اغتنامی از ارتش عراق، فرمانده لشکر ۱۰ زرهی با تشکیل یک شور ستادی در روز چهارم مهرماه، پس از استماع مطالب عناصر ستادی لشکر، تدبیر و تصمیم خود را چنین ابلاغ کرد:

«لشکر ۱۰ زرهی برای تصرف ارتفاعات علی‌گره‌زد و شاوریه اقدام به یک مانور احاطه دوطرفه می‌نماید. تک اصلی با تیپ ۱۷ زرهی از جناح راست (جنوب) و تک فرعی با تیپ ۴۲ زرهی از جناح چپ (شمال)، بعد از احاطه نیروهای ایران در ارتفاعات فوق، تیپ ۲۴ مکانیزه نسبت به پاکسازی منطقه اقدام و به سمت شرق پدافند می‌نماید. در این نبرد، توپخانه لشکری به صورت تمرکزی اجرای آتش علیه نیروهای ایرانی می‌نماید، پدافند هوایی لشکر فعالیت نیروی هوایی ایران را خنثی و نیروی هوایی عراق پشتیبانی نزدیک هوایی را انجام می‌دهد.»

پس از پایان شور ستادی و ابلاغ دستور فرماندهی لشکر ۱۰ زرهی، یگان‌های تحت امرش آماده گردیدند که با آغاز روشنایی روز پنجم مهرماه ۱۳۵۹، حمله خود را آغاز نمایند. با آغاز روشنایی در منطقه، حجم آتش تهیه توپخانه لشکری نیروهای عراقی آغاز و تیپ ۲ زرهی دزفول نیز حوالی ساعت ۰۶۲۰ بامداد اعلام نمود که لشکر ۱۰ زرهی مبادرت به تک نموده است. نیروهای عراقی از دو طرف تک خود را آغاز و مبادرت به پیشروی نمودند، ولی یگان‌های پدافندکننده تیپ ۲ زرهی، به سادگی حاضر به از دست دادن مواضع خود نمی‌گردیدند و نیروهای عراقی قریب به سه ساعت در حال درگیری با نیروهای مدافع ایرانی بودند که موفق نشدند، ولی ارتش آماده و حاضر به جنگ عراق با آمادگی کامل وارد کارزار

شده بود، پس با اعزام نیروهای کمکی مبادرت به تقویت یگان‌های عمل‌کننده نمودند. ارتش عراق از زمین و هوا منطقه پدافندی تیپ ۲ زرهی را زیر آتش قرار داد تا ضمن گرفتن تلفات از نیروهای ایرانی آتش توپخانه آنها را خاموش کند. با نزدیک شدن نیروهای عراقی به مواضع پدافندی تیپ ۲ زرهی، رزم نزدیک نیروها شدت گرفت. ارتش عراق با رسیدن نیروهای کمکی تقویت و نیروهای ایرانی با دادن تلفات و ضایعات زیاد، بیشتر توان رزمی خود را از دست می‌دادند و لشکر ۹۲ زرهی و یایگان‌های دیگر قادر به اعزام نیروی کمکی به منطقه نبودند فرمانده تیپ ۲ زرهی کراراً وضعیت تیپ را به لشکر گزارش و به منظور جلوگیری از تلفات و ضایعات بیشتر درخواست عقب‌نشینی به شرق رودخانه کرخه را داشت، ولی فرماندهی لشکر دستور به مقاومت و ایستادگی می‌داد، در نهایت، پس از گذشت قریب به ۱۰ ساعت رزم نزدیک و دفاع جانانه، بالأخره بر اثر فشار حملات و آتش فراوان، نیروهای عراقی مبادرت به عقب‌نشینی نمودند. در نتیجه، با عقب‌نشینی به ارتفاعات حوالی رودخانه کرخه، به صورت پراکنده در امتداد محور اندیمشک به عین‌خوش مستقر شدند. نیروهای عراقی موفق به تصرف ارتفاعات علی‌گره‌زد و شاوریه شدند. ارتش عراق که تصور می‌کرد سه روزه خوزستان را از مام وطن جدا می‌کند، بعد از گذشت پنج روز، هنوز موفق به دستیابی به اهداف خود نگردید. ملت ایران این را مرهون دلاوری و از جان‌گذشتگی فرزندان خود می‌دانند. اما در محور فکه، گروه رزمی تیپ ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده حمزه هنوز در مواضع ارتفاعات دوسلک مستقر بودند و نیروهای عراقی موفق به عقب‌راندن آنها و تصرف ارتفاعات دوسلک نشده بودند. با اعزام گردان ۱۴۱ پیاده تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه در تاریخ ۵۹/۷/۱ به فرماندهی سرهنگ ۲ پیاده احد مهدی‌پور به منطقه، فرماندهی محور عملیاتی غرب رودخانه کرخه تصمیم گرفت که این

گردان را جهت تقویت گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده به منطقه نبرد اعزام نماید.

پس از پنج روز عملیات مداوم و پی در پی و حملات شدید نیروهای عراقی، آنها هنوز موفق به پیشروی در محور فکه نشده بودند. نیروهای ایرانی با تمام وجود مقاومت می کردند، ولی فرمانده گروه رزمی ۳۷ زرهی با اطلاع از وضعیت محور یکم و عقب نشینی نیروها در آن محور به شدت احساس خطر کرد، زیرا وی به این موضوع واقف بود که با از دست دادن مواضع پدافندی در محور عین خوش - اندیمشک، احتمال بسته شدن عقبه یگان متصور است، زیرا پل نادری تنها راه تدارکاتی و معبر عبور از رودخانه کرخه بود. با از دست دادن آن و تصرف پل توسط نیروهای عراقی قادر نخواهند بود از رودخانه کرخه عبور کنند، پس چاره ای نداشت جز اینکه از فرمانده منطقه کسب تکلیف نماید. درخواست نمود به نحوی اقدام گردد که تا پایان عقب نشینی نیروها از محور فکه، پل نادری تخریب و منهدم نگردد و تا حد امکان توسط عناصر باقیمانده محور یکم حفظ گردد.

حال باید دید که در سپاه سوم چه می گذرد و برای چاره اندیشی در جهت عقب راندن نیروهای ایرانی چه اقدام باید نمایند. برابر اطلاعات و اسناد و مدارک به دست آمده که نیروهای ایرانی از عراقی ها به غنیمت گرفتند، چنین استخراج شده که در ساعت ۱۶۳۰ روز پنجم مهرماه، فرمانده سپاه سوم عراق با حضور در قرارگاه تاکتیکی لشکر ۱۰ زرهی، در جریان عملیات قرار گرفت و سپس دستور تداوم تک را در شب صادر کرد. فرمانده سپاه سوم با به کارگیری از اصل استفاده از موفقیت می خواست که سریعاً یگان های خود را به رودخانه کرخه برساند.

در پی دستور صادره، ستاد لشکر ۱۰ زرهی سریعاً اقدام به تهیه طرح تک شبانه نمود. با انجام یک شور ستادی در کمترین زمان، طرح تک شبانه تهیه

و ارائه گردید. برابر طرح، یک گروه رزمی از تیپ ۲۴ مکانیزه در امتداد محور عین خوش به اندیمشک و یک گروه رزمی از تیپ ۱۷ زرهی در جناح راست محور مزبور در ساعت ۲۰۰۰ پیشروی خود را آغاز می نمود و بقیه یگان های تیپ، گروه های رزمی مقدم را دنبال می کردند. در این عملیات، تیپ ۴۲ زرهی در احتیاط لشکر بوده و آماده می شد که در صبح روز بعد وارد عمل گردد. گردان های تک کننده، وسایل و تجهیزات عبور از رودخانه کرخه را با خود به همراه داشتند و گردان ۱۰ مهندسی لشکر ۱۰ زرهی نیز برای احداث پل وسایل عبور از رودخانه را به جلو حرکت داد.

دیگر توانی برای نیروهای ایرانی باقی نمانده بود و هیچ امیدی نیز به رسیدن کمک به آنها وجود نداشت؛ لذا نیروهای عراقی در این شب موفق شدند، پس از مقاومت های سبک مدافعین ایرانی، خود را به رودخانه کرخه برسانند. در نهایت، روستاهای سرخه فلیه، سرخه صالح و سرخه مشطط را به تصرف خود درآورند، ولی موفق نشدند که خود را به پل کرخه و سرخه نادری برسانند.

در این شرایط بحرانی، ضرورت بر این دیده شد که فرمانده جدید تیپ ۲ زرهی تعیین و معرفی گردد. حال باید دید، این فرمانده می تواند تغییری در اوضاع منطقه ایجاد نماید. فرمانده جدید تیپ ۲ زرهی - سرهنگ شهبازی - در اولین اقدام، در انسجام نیروها و اجتناب از پراکندگی و تفرقه نیروها و متمرکز نمودن آنها مبادرت ورزید و این ضرورت اولیه برای اجرای مأموریت های بعدی، اصلی اساسی بود.

خطر به خوبی احساس می شد و با موفقیت نیروهای عراقی، پل نادری برای هر دو طرف از اهمیت ویژه ای برخوردار شد. این پل در شمال آبادی سرخه نادری ارتباط شرق و غرب رودخانه کرخه را برقرار می کند و محور اصلی اندیمشک به دهلران از آن می گذرد و عبور خودروهای سبک و سنگین

از روی آن مقدور، ولی برای خودروهای زرهی و تانک قابل استفاده نمی‌باشد. چنانچه این پل به دست نیروهای عراقی می‌افتاد و کنترل آن را به دست می‌گرفتند، ضمن از دست دادن نیروهای مدافع در غرب کرخه و به اسارت درآمدن آنان، خطر جدی و تهدیدی بزرگ برای اندیمشک و دزفول محسوب می‌گردید.

فرمانده تیپ ۲ زرهی می‌دید، چنانچه دشمن بخواهد پس از استفاده از اصل موفقیت به تعاقب نیروهای ایرانی بپردازد، باید این اقدام با استفاده از پل نادری انجام پذیرد. هدف عراقی‌ها رسیدن به شهرهای دزفول و اندیمشک و قطع ارتباط خطوط جاده‌ای و ریلی و در نهایت، قطع ارتباط خوزستان از شمال با مرکز کشور بود.

بالأخره در روز ششم مهرماه نیروهای عراقی موفق شدند در آبادی‌های کنار رودخانه کرخه مستقر شوند و عناصر باقیمانده تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی به ناچار در ارتفاعات غربی متصل به رودخانه کرخه، یعنی ارتفاعات خرولی و پل نادری و روستای سرخه نادری استقرار یافتند، هرچند این ارتفاعات از نظر پدافندی، دید و تیر خوب و عمیقی را به دشت مقابل داشت، ولی فاقد عمق لازم برای هدایت پدافندی مؤثر بود و در صورت حمله نیروهای عراقی و فشار بیشتر بر نیروهای پدافندی ما، مطمئناً عناصر باقیمانده نیز تار و مار می‌گردیدند و پل نادری نیز به دست نیروهای عراقی می‌افتاد.

روز گذشته لشکر ۱۰ زرهی عراق، تیپ ۴۲ زرهی را در احتیاط لشکر قرار داده بود. امروز جهت تصرف ساحل غربی کرخه و عبور از رودخانه، این تیپ را به جلو حرکت داد. لشکر ۱۰ زرهی گردان حماد شهاب را که یکی از گردان‌های زده و مستقل بود، زیر امر تیپ ۴۲ زرهی قرار داد.

در نتیجه، در این روز، یعنی ششم مهرماه، درگیری سختی بین نیروهای طرفین در منطقه پل نادری و آبادی‌های سرخه صالح، سرخه فلیه و سرخه نادری درگرفت. با وارد آوردن تلفات و ضایعاتی به یگان‌های ارتش ایران، توانستند در منطقه سهراهی قهوه‌خانه مستقر شوند. لشکر ۱۰ زرهی با سه تیپ برای تصرف ارتفاعات غربی رودخانه کرخه، یعنی ارتفاعات خرولی و اسکندر خندان تک خود را ادامه داد، ولی با مقاومت و ایستادگی و از جان گذشتگی نیروهای ایرانی مستقر در ارتفاعات سرکوب در منطقه روبه‌رو گردید. همچنین عملیاتی که عناصر تیپ ۸۴ پیاده در بدو ورود به منطقه دهلران علیه قرارگاه لشکر ۱۰ زرهی در منطقه عین‌خوش انجام دادند، باعث شد که لشکر ۱۰ زرهی به اهداف خود دست نیابد و در نهایت، نیروهای عراقی در حدود ۸ کیلومتری پل کرخه واقع در بین ارتفاعات غربی پل و سهراهی قهوه‌خانه زمین‌گیر شدند و وادار به تهیه مواضع پدافندی گردید و ارتش ایران موفق شد سرپل نسبتاً مناسبی را که در غرب رودخانه کرخه داشت، توسعه دهد.

در ساعت ۱۶۰۰ روز ششم مهرماه ۱۳۵۹، تیپ ۲۴ مکانیزه از لشکر ۱۰ زرهی مأموریت یافت که با اعزام یک گردان مکانیزه در محور اندیمشک به چنانه به تپه ابوصلیبی‌خات حمله نموده و ایستگاه رادار را تصرف نماید. اگر در این حمله موفق و نیروهای عراقی تپه ابوصلیبی‌خات را به تصرف درمی‌آوردند، نیروهای مستقر در محور دوم هیچ‌گونه راهی برای عقب‌نشینی به رودخانه کرخه نداشتند، ولی فرمانده تیپ ۲۴ مکانیزه عراق پس از ساعاتی اعلام می‌نماید که به علت نداشتن نیروی احتیاط قادر به تصرف ارتفاع ابوصلیبی‌خات نمی‌باشد.

در اینجا به خوبی می‌توانیم، به از خودگذشتگی یگان‌های ایرانی پی ببریم، زیرا توان نیروهای ارتش ایران که در مقابل دو لشکر ۱ مکانیزه و ۱۰

زرهی عراق پایداری و ایستادگی می نمودند، بیش از دو گروه رزمی نبود. پس از شش روز نبرد سرسختانه، استعداد تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی در حد یک گروهان تانک تقویت شده بود، در حالی که فقط لشکر ۱۰ زرهی عراق با ۷ گردان تانک و ۵ گردان مکانیزه، و پشتیبانی حداقل ۴ گردان توپخانه در مقابل نیروهای ایرانی، عملاً ناتوان بود و با مقاومت نیروهای ایرانی نتوانست به اهداف خود در طی سه روز دست یابد.

پس از شش روز نبرد جانانه، محور یکم دهلران به اندیمشک به دست نیروهای عراقی افتاد و توانستند کرانه غربی رودخانه کرخه را تا حدود ۸ کیلومتری پل نادری به تصرف خود درآورند. ولی در محور دوم فکه - چنانه - اندیمشک گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده تیپ ۱ و گردان ۱۴۱ پیاده تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه تا به امروز موفق شده بودند که در مواضع دوسلک جلو پیشروی لشکر ۱ مکانیزه و یک تیپ مستقل عراق را سد نمایند و اجازه پیشروی را به آنها ندادند.

فرماندهی این محور، به خوبی می دانست که جناح راست آنها سقوط کرده و راه عقب نشینی به طرف پل نادری مسدود شده است؛ لذا تصمیم گرفتند که تا آخرین توان به مقاومت ادامه دهند. این وضع برای ارتش آماده و مجهز عراق، سخت و ناگوار بود. جالب است که شرح عملیات ارتش عراق در این محور که از بولتن ها و مدارک اغتنامی به دست آمده، از ارتش عراق نقل گردد.

این گزارش تحت عنوان عملیات چنانه به وسیله تیپ زرهی ابن الولید و با امضای ماهر عبدالرشید به سپاه ۳ ارسال گردیده است:

«مأموریت در این عملیات، این بود که لشکر ۱ مکانیزه عراق، نیروهای ایرانی را در دشت چنانه منهدم نماید. در ساعت ۵ روز ۱۹۸۰/۹/۲۷ [برابر با پنجم مهرماه ۱۳۵۹]، به تیپ ابن الولید که در احتیاط سپاه عراق و در

منطقه کوت العماره مستقر بود، دستور داده شد به منطقه غزیه در شهر العماره حرکت کند. این راهپیمایی تا ساعت ۱۸۰۰ خاتمه یافت. به تیپ ابن الولید دستور داده شد زیر امر لشکر ۱ مکانیزه قرار گیرد.

در ساعت ۲۲۳۰ همان روز، فرمانده تیپ بعد از مراجعت از قرارگاه لشکر ۱ مکانیزه، فرماندهان یگان‌های تیپ را به مأموریت ارجاعی از طرف لشکر ۱ مکانیزه آگاه کرد. به علت کمبود وقت در جهت تهیه و صدور دستورهای کتبی به یگان‌های تحت امر، دستورها به صورت شفاهی صادر و ابلاغ گردید. عناصر تیپ از ساعت ۱ بامداد روز ۱۹۸۰/۹/۲۸ [برابر با ۱۳۵۹/۷/۶]، از منطقه غزیه به طرف دشت چنانه در محور فکه حرکت کردند و در ساعت ۸ صبح، در منطقه چنانه گسترش یافتند. در ساعت ۹ صبح، آخرین دستورهای هماهنگی که از طرف لشکر ۱ مکانیزه صادر شده بود، به یگان‌های تیپ ابلاغ شد. مأموریت تیپ عبارت بود از اینکه چنانه سریعاً اشغال گردد. در ساعت ۰۹۳۰، یگان شناسایی تیپ الولید شروع به حرکت و پیشروی کرد و چون یگان‌های تانک هنوز به موضع نرسیده بودند، تک تیپ به وسیله یگان‌های پیاده مکانیزه آغاز شد. محور پیشروی تیپ الولید در سمت جنوب دشت چنانه بود. بالأخره تیپ الولید موفق شد تا ساعت ۱۷۰۰ نیروهای ایرانی (گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان‌های ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده) را تا حوالی پل نادری به عقب براند و ارتفاعات حوالی چنانه را به تصرف درآورد. در اجرای این حمله، تیپ ۱ مکانیزه و تیپ ۳۴ زرهی لشکر ۱ مکانیزه در جناح شمالی تیپ ابن الولید حمله کردند و توانستند نیروهای ایرانی را تا پل نادری عقب برانند. در جریان این عملیات، تأسیسات ایستگاه رادار ایران به دست نیروهای ما (عراقی) افتاد، ولی دستور داده شد برای ایجاد هماهنگی در سرعت پیشروی، از اشغال آن خودداری گردد. در این عملیات، تیپ ابن الولید تلفات و خسارت جزئی دید، در حالی که

توانست ضربات سختی بر نیروهای ایرانی وارد آورد. در ساعت ۲۳۰۰ همان روز و بعد از تکمیل اجرای مأموریت و تصرف و تأمین منطقه جنوب پل نادری، از طرف سپاه ۳ به تیپ ابن الولید دستور داده شد به منطقه بند بازرگان در خاک عراق (حدود ۲۰ کیلومتری غرب مرز) تغییر مکان دهد و در منطقه تجمع فارس در احتیاط سپاه سوم قرار گیرد.»

با مطالعه این سند، مشخص می‌شود که نیروهای عراقی در محور دوم فکه - چنانه - اندیمشک تا چه حد با مشکل روبه‌رو بوده و در نهایت، با وارد عمل کردن یک تیپ احتیاط از سپاه سوم، لشکر ۱ مکانیزه را تقویت نمودند. در مقایسه توان رزمی بین نیروهای ایران و عراق در محور فکه - چنانه - اندیمشک، به این نتیجه می‌رسیم که توان رزمی نیروهای عراقی ۱۵ برابر نیروهای ایرانی بوده است و نیروهای ایرانی شامل گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده و در روزهای آخر، گردان ۱۴۱ پیاده توانسته بودند، مدت ۷ روز در مقابل لشکر ۱ مکانیزه با نیرویی با ۱۵ برابر توان رزمی خود مقاومت نمایند. در صورتی که در برآوردها، معمولاً توان رزمی نیروی حمله‌کننده حداکثر سه برابر نیروهای پدافندکننده می‌باشد. نیروهای ایرانی، هنگامی به عقب‌نشینی مبادرت کردند که راهی جز آن برایشان باقی نمانده بود. گردان ۱۳۸ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه که در بخش جنوبی چنانه مستقر شده بود، پس از حمله تیپ ابن الولید از ساعت ۰۶۰۰ الی ۱۵۰۰ روز ششم مهرماه، نبرد سخت و جانانه‌ای را با نیروی عراقی ادامه داد و توانست در آن ساعت، خود را به غرب رودخانه کرخه در مقابل شهر شوش برساند و با استفاده از گذارهای موجود، تمامیت یگان را حفظ کرده و در شرق رودخانه کرخه مستقر گردد.

از سوی دیگر، گروه رزمی ۳۷ زرهی نیز به همان ترتیب در مقابل لشکر ۱ مکانیزه با انجام عملیات تأخیری توانست تا ساعت ۱۶۰۰ از محور چنانه -

ابوصلیبی خات - سهراب قهوه‌خانه، پل نادری، آن هم در مقابل نیروهای عراقی، خود را به شرق رودخانه کرخه برساند.

نکته مهم و قابل توجه این است که گروه رزمی ۳۷ زرهی در حالی از تپه‌های ابوصلیبی خات به طرف پل نادری عقب‌نشینی نمود که نیروهای عراقی در حوالی سهراب قهوه‌خانه مستقر بودند؛ لذا ضمن آنکه نیروهای لشکر ۱ مکانیزه عراق مستقیماً به این گروه رزمی فشار وارد می‌آوردند، راه عقب‌نشینی گروه رزمی نیز ناامن بوده و هر آن امکان بسته شدن عقبه آن توسط لشکر ۱۰ زرهی وجود داشت؛ ولی به یاری خدا توانست در ساعت ۱۷۰۰ روز ۱۳۵۹/۷/۶ از پل نادری به شرق رودخانه عبور نماید. به این ترتیب، سپاه سوم عراق با دو لشکر مجهز و آماده (ده زرهی و یک مکانیزه) در خط، در طی مدت شش روز فقط توانست تا رودخانه کرخه پیشروی نماید و از آن پس، با همان دو لشکر مسئولیت پدافند از منطقه را به عهده گرفت.

به دنبال راهکار برای عقب راندن نیروهای عراقی از منطقه غرب کرخه

با گذشت یک هفته از آغاز حملات ارتش عراق در این منطقه و اتخاذ مواضع پدافندی توسط لشکر ۱۰ زرهی و لشکر ۱ مکانیزه در غرب رودخانه کرخه و نابسامانی و کمبودهای موجود در یگان‌های ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حال مسئولین به فکر چاره‌اندیشی افتادند. سیاسیون مملکت که کوچکترین اطلاعی از مسائل نظامی تاکتیک نداشتند، فقط همه چیز را در حمله به نیروهای عراقی می‌دیدند، ولی در برآوردهای خود، به هیچ وجه توان رزمی، کارایی، آموزش و بالأخص نیروی انسانی را با ارتش عراق مقایسه نمی‌کردند؛ فلذا در آن ایام، تمام توجه مسئولان نظامی نیز بر بیرون راندن نیروهای متجاوز عراقی از خاک کشور بود، و در نتیجه، به عدم آمادگی و سایر کمبودهای ارتش ایران به هیچ وجه توجه نمی‌کردند. آنان

نمی دانستند که با کدام نیرو و تجهیزات، باید در مقابل یگان‌های آماده ارتش عراق مبادرت به تک نمود. آنان بر این باور بودند که با حمله می‌توان نیروهای عراقی را از منطقه بیرون راند. عدم پیشروی ارتش عراق به طرف دزفول را نیز ناشی از خستگی و ضعف ارتش عراق می‌پنداشتند. مجموع نیروهای ارتش ایران، شامل تیپ ۲ زرهی، و گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده و گردان ۱۴۱ پیاده بود و این نیروها در طی هفت روز نبرد دلاورانه و جانانه، به خوبی توانسته بودند بزرگترین و اساسی‌ترین عملیات تأخیری را در مقابل دو لشکر مجهز عراق و سایر نیروهای تحت امرش اجرا نمایند، استعداد و توان رزمی هر کدام نیز به سبب تلفات و خسارات زیاد به شدت کاهش یافته بود. اگر از خودگذشتگی و ایثار آنها نبود، نیروهای عراقی به راحتی شهرهای دزفول و اندیمشک و شوش را به تصرف درمی‌آوردند و شاهراه حیاتی خوزستان را از شمال با مرکز کشور می‌بستند و آن وقت عمق فاجعه خارج از تصور بود.

با توجه به نیاز به امکانات برای هدایت عملیات‌های آتی، به تدریج تغییراتی در ساختار فرماندهی ایجاد و به تدریج نیروهای کمکی وارد میدان شدند. در این رابطه، با تمام کمبودها و فقط با امکانات موجود در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۳، به لشکر ۲۱ حمزه که در روزهای اخیر یگان‌های آن وارد منطقه شده بودند و تعدادی هم در شرف ورود به منطقه بودند، مأموریت داده شد که به نیروهای عراقی حمله کرده و لشکرهای متجاوز عراقی را به عقب برانند، که به اختصار به عملیات‌های اجرا شده در این منطقه می‌پردازیم.

عملیات آفندی پای پل کرخه، ۱۳۵۹/۷/۲۳

کمتر از ۲ هفته از آغاز حمله سراسری ارتش عراق به خاک ایران می‌گذرد. فرماندهان عالی‌رتبه ارتش به دنبال راهکار منطقی برای بیرون راندن ارتش عراق از خاک ایران بودند. به همین منظور در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۳ قرارگاه مقدم نزاچا در دزفول تشکیل و عملاً از ۱۳۵۹/۷/۱۴ کار خود را آغاز نمود. این قرارگاه با حضور سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی ارتش شروع به فعالیت نمود. نظارت این قرارگاه، فقط معطوف بر صحنه‌های عملیاتی غرب رودخانه کرخه بود.

تمام توجه و هدف مسئولین سیاسی و نظامی بر بیرون راندن نیروهای عراقی از خاک کشور متمرکز گردیده بود، ولی هرگز آنها عدم آمادگی رزمی و کمبودها برای اجرای تک را مورد توجه و مدنظر قرار نمی‌دادند. از هر سو فشار بیش از حد مسئولین برای اجرای یک عملیات آفندی و بیرون راندن نیروهای دشمن، فرماندهان را بر آن داشت که در این منطقه مبادرت به اجرای یک تک گسترده نمایند. مقاومت و پایداری تیپ ۲ زرهی دزفول و گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز و گردان‌های ۱۳۸ پیاده و ۱۴۱ پیاده لشکر ۲۱ پیاده حمزه در برابر نیروهای عراقی و وادار کردن لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق به اتخاذ مواضع پدافندی در سہ‌راهی قهوه‌خانه، چنین تصور گردید که دشمن دیگر تاب و توان مقاومت خود را از دست داده است. به همین انگیزه زمان ضربه زدن به نیروهای عراقی فرا رسیده است.

لشکر ۲۱ پیاده حمزه با داشتن نیروهایی در شهر بانه کردستان و درگیر بودن آنها با عناصر ضدانقلاب، به شدت با کمبود نیروی سازمانی مواجه بود، ولی در نهایت با ورود ناقص لشکر ۲۱ پیاده حمزه به این منطقه، اولین عملیات گسترده آفندی با هدف به عقب راندن نیروهای دشمن تا نوار مرزی

در ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ با عنوان عملیات پل نادری در دستور کار قرار گرفت. این عملیات علاوه بر بیرون راندن دشمن، با خارج کردن شهرهای دزفول و اندیمشک از برد توپخانه ارتش عراق نیز طرح‌ریزی گردید. در این طرح‌ریزی که به فرماندهی نیروی زمینی ارتش قرار شد اجرا شود، پیش‌بینی شده بود با بیرون راندن نیروهای عراقی از غرب رودخانه کرخه، مرز بین‌المللی تأمین شود. سپس با پیشروی به سمت العماره و چزابه، عقبه نیروهای عراقی مستقر در منطقه عمومی بستان و سوسنگرد بسته شود تا به محاصره نیروهای ایرانی درآیند و آن منطقه نیز آزاد گردد.

با وارد شدن لشکر ۲۱ پیاده حمزه به فرماندهی سرهنگ پیاده ستاد زین‌العابدین ورشوساز به منطقه، قرار گردید که لشکر با اتکاء به جاده پل نادری به دهلران، حملات خود را علیه نیروهای عراقی مستقر در حوالی سهراهی قهوه‌خانه اجرا نماید. شرایط زمین منطقه عمل که جناح چپ آن، رودخانه کرخه و جناح راست آن، ارتفاعات موجود در منطقه بود، قدرت مانور عمل لشکر ۲۱ پیاده حمزه را به شدت کم کرد، ولی در آن برهه از زمان و شرایط حاکم، تلاش همه‌جانبه فرماندهان وقت به بیرون راندن ارتش بعث عراق از خاک ایران بود، ولی باید به حقیقت اذعان داشت که برابری توان لشکر ۲۱ پیاده حمزه با دو لشکر مجهز و آماده به رزم ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق قابل قیاس نبود. به هر حال تصمیم و تدبیر فرماندهی نیروی زمینی در آن شرایط سخت این بود که لشکر ۲۱ پیاده مبادرت به اجرای تک نماید. از سوی دیگر، نیروهای عراقی هنوز استحکامات کامل در منطقه پدافندی خود نداشتند، زیرا آنها نیز بر این باور بودند که شاید مقاومت و سد دفاعی نیروهای ایرانی در منطقه شکسته شود و نیروهای عراقی موفق شوند با گذشتن از پل نادری پیشروی خود را به سمت شهرهای دزفول و اندیمشک ادامه داده و راه زمینی و ریلی خوزستان را با مرکز کشور قطع نمایند.

فرمانده سپاه سوم ارتش عراق با کسب اخبار و اطلاعات از عناصر ستون پنجم خود در منطقه و حرکات و جابه‌جایی نیروهای ایرانی به وضوح می‌دانست که ایرانیان آماده اجرای یک تک‌گسترده هستند، لذا لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی مأموریت یافتند تا در روز ۱۳۵۹/۷/۲۲ درست یک روز قبل از اجرای تک لشکر ۲۱ پیاده حمزه مبادرت به تک نمایند. در هر صورت برای سپاه سوم اجرای این تک لازم بود، زیرا در صورت اینکه نیروهای آنها موفق هم نشوند، لااقل آرایش حمله نیروهای ایرانی را برهم خواهند زد. بالأخره نیروهای عراقی در روز ۵۹/۷/۲۲ مبادرت به تک نمودند، ولی با مقاومت و ایستادگی نیروهای ایرانی با دادن تلفات و ضایعات در ساعت ۲۲:۰۰ به ناچار عقب‌نشینی نمودند.

در نهایت قرارگاه مقدم نزاجا به لشکر ۲۱ پیاده حمزه ابلاغ می‌نماید، یگان اعزامی به پای پل کرخه، باید به نحوی مستقر شود که کرانه غربی رودخانه کرخه را کاملاً پوشش داده و طوری در طرفین جاده اصلی استقرار یابد تا هم از پل‌های موجود حفاظت نموده و هم از عبور احتمالی خودروهای شناور عراقی از رودخانه کرخه جلوگیری به عمل آورد. با توجه به تهدید همه جانبه دشمن در منطقه سرپل غرب رودخانه کرخه، لشکر ضمن ابلاغ مأموریت تک روز ۲۳ مهرماه، در منطقه سرپل غرب رودخانه کرخه و صدور دستورات تکمیلی به کلیه یگان‌ها اعلام می‌نماید، آمادگی به کار رفتن آتی در منطقه سرپل را داشته باشند. تیپ ۳ لشکر ۲۱، عناصر تک‌ور خود را روز ۵۹/۷/۲۲ برای کمک به تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی خوزستان از رودخانه عبور دهد و تیپ‌های ۱ و ۲ لشکر ۲۱ پیاده حمزه نیز هر کدام دو گروهان برای حمله متقابل در منطقه سرپل آماده نمایند.

در اجرای دستور صادره از قرارگاه مقدم نیروی زمینی، لشکر ۲۱ پیاده حمزه در تاریخ ۵۹/۷/۲۲ به یگان‌های تک‌ور اعلام می‌نماید، عملیات عبور

از رودخانه را، برابر برنامه ابلاغی به یگان‌ها به مورد اجرا گذارند. به گردان ۱۳۸ تیپ ۱ پیاده مستقر در شوش ابلاغ می‌نماید، با وسایل موجود و در دسترس از کرخه عبور نماید.

روز ۲۳ مهرماه فرا رسید. یگان‌های تک‌ور با کمی تأخیر از سرپل گذشتند، زیرا گذشتن از پل نادری به علت عرض کم آن، حرکت نیروها را کند کرده بود. گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز مستقر در غرب رودخانه کرخه، گزارش داد که وضع نیروهای عبور کننده از خط رضایت‌بخش نیست، همچنین توپخانه کمک مستقیم گروه رزمی ۳۷ زرهی، کمک مستقیم گروه رزمی ۲۹۱ تانک لشکر ۷۷ پیاده خراسان قرار گرفته است.

نکته‌ای که قابل تفکر و تعمق است، نمی‌توان قضاوت نمود که اجرای این عملیات درست بود یا خیر، زیرا شرایط حاکم بر مملکت و ارتش در آن زمان بسیار سخت بود و این تک‌بنا به دلایل زیر می‌بایست اجرا می‌شد:

۱- گرفتن ابتکار عمل از فرمانده سپاه سوم ارتش عراق و فرماندهان عمل‌کننده لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی عراق از ادامه حمله در حساس‌ترین جبهه نبرد.

۲- ممانعت از پیشروی نیروهای عراقی به منظور جلوگیری از سقوط احتمالی شهرهای شوش، اندیمشک و دزفول و بستن گلوگاه خوزستان در منطقه دوکوهه.

۳- منحرف کردن توجه فرماندهان عالی‌رتبه عراق بالأخص فرمانده سپاه سوم سرلشکر ستاد اسمعیل تایه النعیمی از سایر مناطق عملیاتی سپاه سوم در خوزستان بویژه بندر مهم و استراتژیک خرمشهر.

۴- به دست آوردن زمان کافی برای فراخوانی و اعزام نیروهای خودی به منطقه خوزستان.

۵- تجدید سازمان برای یگان‌هایی که از زمان آغاز حملات ارتش عراق به خاک میهن اسلامی دلاورانه تا این روز در مقابل نیروهای عراقی مقاومت و ایستادگی کرده و مانع پیشروی سریع نیروهای عراقی گردیده و آنها را در سهرای قهوه‌خانه وادار به اخذ مواضع پدافندی نمودند.

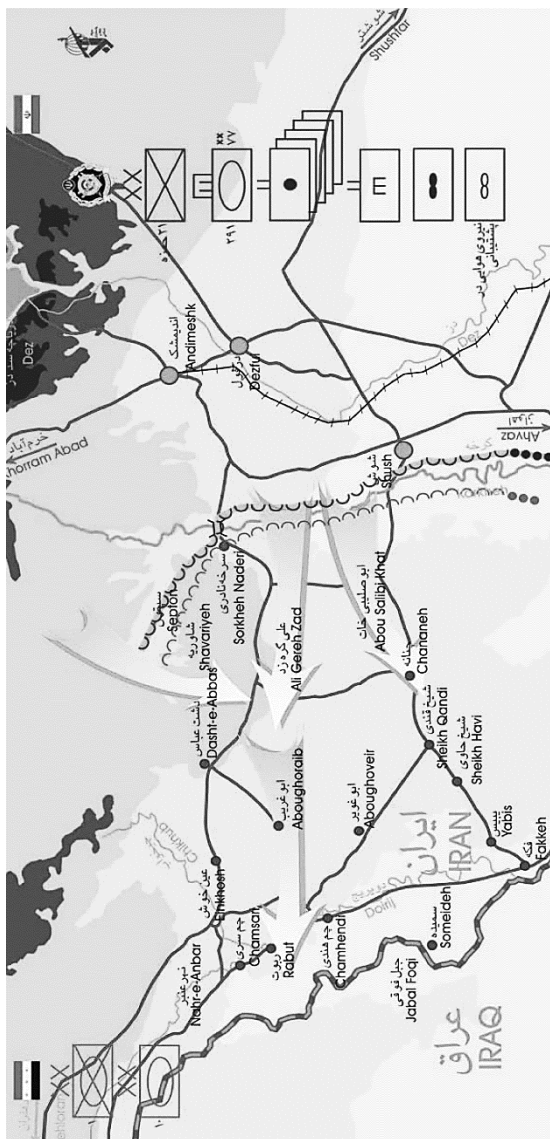
۶- زمین‌گیر کردن ارتش عراق و سازماندهی نیروهای خودی برای ایجاد مواضع پدافندی در مقابل پیشروی نیروهای متجاوز تا اخذ آمادگی لازم برای بیرون راندن نیروهای ارتش بعثی عراق از خاک ایران.

۷- ایجاد روحیه و انگیزه در نفرات یگان‌های درگیر ارتش برای ادامه مقاومت تا ایجاد آمادگی لارم برای اجرای حملات سراسری.

حال اگر این حمله جهت سیر مراحل لازم، غیرقابل اجرا اعلام می‌گردید، ارتش ایران را از هر سو متهم به کم‌کاری و طفره رفتن از اجرای مأموریت می‌نمودند.

روز ۲۳ مهرماه، حرکت تانک‌ها و نفربرها و خودروهای سنگین با اتکاء به جاده آغاز گردید. غرش حرکت و شلیک تانک‌ها و صدای انفجار مهیب توپخانه نیروهای طرفین، منطقه را به لرزه درآورده بود. دود ناشی از حرکت تانک‌ها و غبار خاک، منطقه نبرد را فراگرفته بود. نیروهای تازه‌وارد به منطقه، تجربه یگان‌های مستقر در آنجا، مانند یگان‌های گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز، تیپ ۲ زرهی دزفول و گردان‌های ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده را نداشتند. با به حرکت درآمدن تانک‌ها و نفربرهای خودی به سمت مواضع نیروهای دشمن، ادوات زرهی لشکر ۲۱ پیاده مورد آماج سلاح‌های ضدتانک و توپخانه سنگین ارتش عراق قرار گرفتند. تانک‌های چيفتن ارتش ایران با جثه بزرگ خود، بهترین هدف برای سلاح‌های ضدتانک دشمن گردیدند. صدای مهیب تانک‌ها و نفربرها و انفجار گلوله‌های سنگین خمپاره‌اندازها و توپخانه، وحشت شدیدی ایجاد کرده بود. هدف قرارگرفتن تعدادی از

تانک‌های نیروهای خودی، در روحیه سربازان پیاده تأثیر بسزایی گذاشته بود. از سوی دیگر، ایجاد سنگرهای پدافندی توسط ارتش عراق، آنها را در موضع برتری نسبت به نفرات تک‌کننده نیروهای خودی قرار داده بود. انهدام تانک‌ها و نفربرهای لشکر ۲۱ پیاده در مسیر جاده آسفالت، حرکت سایر ادوات و نیروها را مختل نمود. به علت محدودیت زمین منطقه نبرد و مسیر پیشروی، آمار تلفات و ضایعات نیروهای خودی بالا رفت و پس از ساعت‌ها نبرد جانانه، نهایتاً نیروهای لشکر ۲۱ پیاده حمزه با دادن تلفات و ضایعات زیاد، موفق به اجرای کامل عملیات نشده و در نهایت به مواضع اولیه خود عقب‌نشینی نمودند. چاره‌ای جز ایجاد مواضع پدافندی نبود، ولی به دست آوردن زمان برای ارتش در آن برهه از زمان، امری حیاتی و اساسی بود و با جرأت هرچه تمام‌تر می‌توان ادعا کرد، اجرای عملیات آفندی ۲۳ مهر ۱۳۵۹ توسط نیروی زمینی ارتش، نیروهای خودی را بر آن داشت که به سرعت به نقاط ضعف خود آگاه شده و نسبت به رفع آنها اقدام تا بتوانند در اولین فرصت ممکن نیروهای ارتش عراق را از خاک میهن عزیزمان ایران بیرون برانند.



عملیات پدافندی پای پل کرخه، ۱۳۵۹/۸/۹

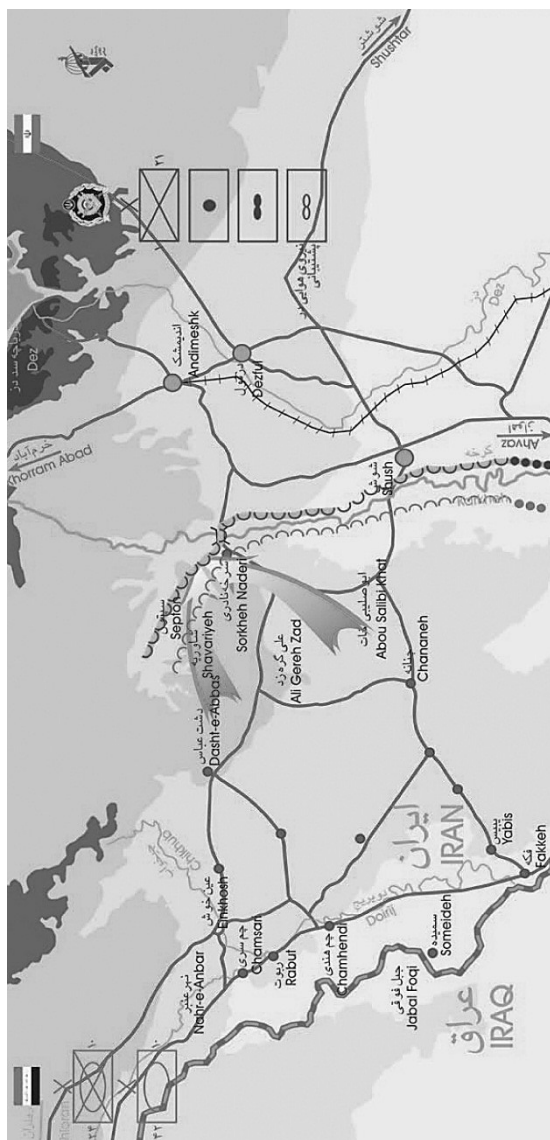
با عدم موفقیت تک یگان‌های لشکر ۲۱ حمزه در ۲۳ مهرماه، این لشکر در شرق رودخانه کرخه مستقر و عناصری از باقیمانده تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی در سرپل غرب رودخانه کرخه مستقر شدند. حفظ سرپل اشغالی از هر نظر برای ارتش ایران حائز اهمیت بود، زیرا با از دست دادن این سرپل، به سادگی گرفتن سرپل دیگری برای نیروهای ایرانی امکان‌پذیر نبود، زیرا حفظ این سرپل بزرگترین کلید موفقیت برای عملیات فتح‌المبین محسوب شد. از سوی دیگر، اجرای چند عملیات توسط نیروهای ایرانی باعث شد که این سرپل توسعه و گسترش یابد.

لشکر ۲۱ پیاده حمزه که در حمله ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ آسیب جدی دیده بود، پس از تجدید سازمان، مأموریت یافت تا پدافند از منطقه را از تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی تحویل بگیرد. با تحویل گرفتن خط پدافندی توسط لشکر ۲۱ پیاده حمزه، فرماندهان ارتش عراق بر این باور شدند که نیروهای ایرانی تاب مقاومت خود را در برابر ارتش عراق از دست داده‌اند؛ لذا به دنبال اجرای یک عملیات آفندی افتادند تا بتوانند ضمن به دست آوردن سرپل از دست نیروهای لشکر ۲۱ حمزه، مأموریت خود را برای تصرف دزفول آسان سازند.

بالآخره نیروهای عراقی در حوالی نیمه‌شب ۱۳۵۹/۸/۹، مواضع نیروهای ایرانی را زیر شدیدترین آتش سلاح‌های سبک و سنگین خود قرار دادند، ولی این حمله با مقاومت سرسختانه نیروهای تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده حمزه به فرماندهی سرهنگ ستاد بهروز سلیمانجاء مواجه شدند و گردان‌های ۱۳۱ و ۱۳۸ پیاده تیپ به خوبی و با رشادت هرچه تمام‌تر پس از ۱۱ ساعت حملات سنگین و سرسختانه نیروهای عراقی، نه تنها اجازه

پیشروی به نیروهای عراقی ندادند، بلکه موفق شدند ضمن وارد آوردن تلفات سنگین، تعدادی از نیروهای مهاجم عراقی را به اسارت درآورند. این موفقیت باعث شد که سرپل غرب رودخانه حفظ و نیروهای عراقی با دادن تلفات سنگین مبادرت به عقب‌نشینی نمایند. این ایستادگی خود در جهت بالا بردن روحیه سربازان ایرانی بسیار مثمر بود، زیرا روحیه در توان رزمی همیشه دوسوم قوت تعریف شده است.

عملیات پدافندی پای پل کرخه، ۹/۸/۱۳۵۹ / ۶۱



عملیات پدافندی پای پل کرخه - ۱۳۵۹/۸/۹

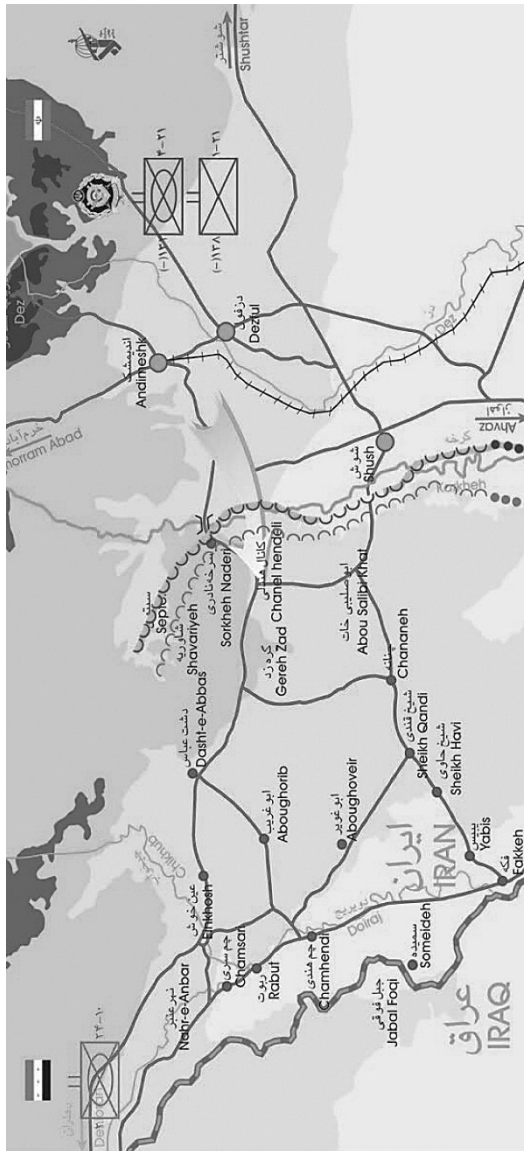
عملیات آفندی کانال هندلی، ۱۳۶۰/۱/۱۵

قریب به هفت ماه از حمله همه‌جانبه ارتش عراق به خاک ایران اسلامی می‌گذشت. با گذشت این مدت، نیروهای عراقی نیز به شدت در لاک دفاعی فرو رفته بودند. ارتش ایران توانسته بود در طی این مدت، ماشین جنگی مجهز و آماده ارتش عراق را از کار انداخته، تا با خسته کردن نیروهای عراقی در مواضع پدافندی، با اجرای عملیات‌های آفندی، در روحیه آنان تزلزل ایجاد نمایند. با سازمان یافتن سیستم فرماندهی در مناطق عملیاتی و تصمیم‌گیری‌های بجا و منطقی در کوتاهترین زمان در فرماندهی میدان نبرد، ارتش ایران به زودی توانست بر مشکلات اولیه خود غلبه کند و راه موفقیت در مقابل ماشین جنگی مجهز و آماده عراق را بگشاید.

فرماندهان یگان‌های ارتش ایران در طی مقابله با نیروهای عراقی، به سرعت به نقاط ضعف و برجسته یگان خود واقف شدند و در دانشگاه واقعی جنگ، به خوبی توانستند ضمن تقویت نقاط برجسته یگان خود، نسبت به رفع نقاط ضعف یگان‌های تحت امر نیز اقدام نمایند. حال نوبت آن رسیده است که با اجرای عملیات آفندی، دشمن را در منگنه قرار داده و سپس آنها را از خاک ایران خارج نماییم. بر این اساس، در فروردین‌ماه ۱۳۶۰، طراحی چند سری عملیات آفندی به صورت شناسایی با رزم، طرح‌ریزی و اجرا گردید.

یکی از این اقدامات در غرب رودخانه کرخه به منظور توسعه منطقه سرپل غرب رودخانه کرخه، کاهش اثرات آتش توپخانه نیروهای عراقی بر روی شهر شوش، تسهیل در اجرای عملیات‌های آفندی آینده، انهدام نیروهای دشمن، افزایش روحیه نیروهای خودی، کسب اطلاعات از نیروهای عراقی و کسب موقعیت برتر از نظر استقرار در زمین توسط تیپ ۱

لشکر ۲۱ حمزه به مورد اجرا گذاشته شد. این عملیات در سحرگاه پانزدهم فروردین ماه ۱۳۶۰، در منطقه جنوب غربی پل کرخه توسط یگان های تیپ ۱ [گردان (-) ۱۳۱ و گردان (-) ۱۳۸] لشکر ۲۱ حمزه آغاز گردید تا بتوانند کانال هندلی را در این منطقه تصرف نمایند. کانال هندلی یک خاکریز به شکل هندل بود که قبل از انقلاب تهیه شده بود. مقداری از آب رودخانه کرخه به وسیله پمپاژ به داخل این کانال ریخته می شد تا به مصرف زمین های کشاورزی اطراف برسد. در این عملیات، تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه موفق شد تلفات و ضایعاتی به دشمن وارد نماید و ضمن انهدام نفرات و تجهیزات آنها، تعداد ۵۷ نفر را به اسارت و تعداد ۵ دستگاه تانک و ۵ دستگاه نفربر، به همراه سلاح و تجهیزات سبک دیگر را به غنیمت بگیرند.

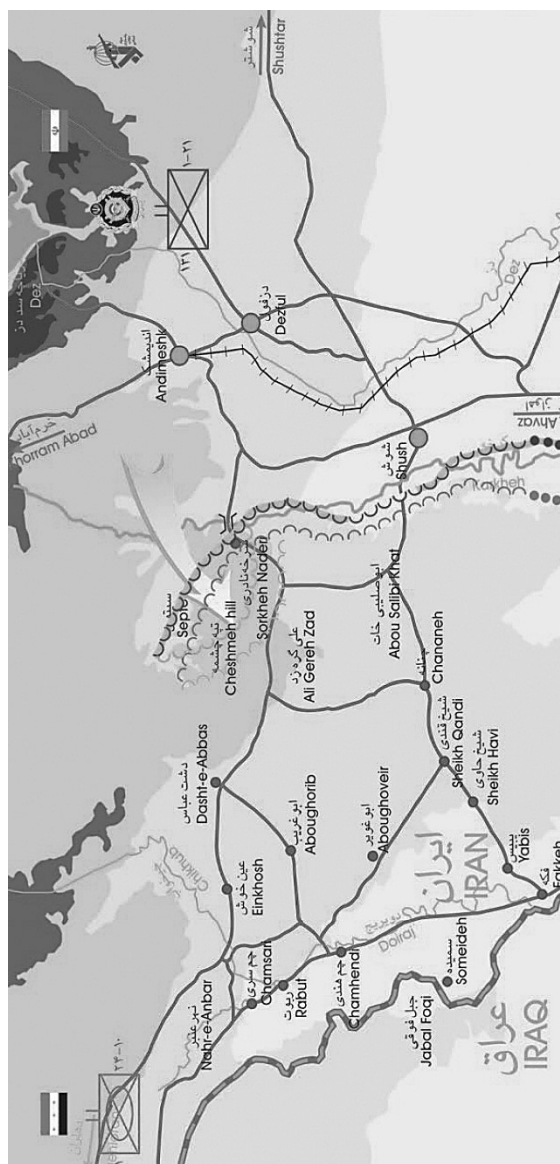


عملیات آفندی کانال هندلی - ۱۳۶۰/۱/۱۵

عملیات آفندی تپه چشمه (۱)، ۱۳۶۰/۱/۱۵

همزمان با انجام عملیات کانال هندلی در جنوب غربی رودخانه کرخه توسط نیروهای ایرانی، گردان ۱۳۱ از تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه در منطقه غرب رودخانه جهت توسعه سرپل تا جاده پل کرخه - عین خوش وارد عمل شد و نیروهای ایرانی پس از یک روز نبرد سنگین، توانستند اهداف تعیین شده را تصرف نموده و نیروهای عراقی را به عقب برانند. این عملیات توسعه چشمگیری به سرپل غرب رودخانه کرخه داد. این موفقیت باعث شد تا ارتش ایران نیروی بیشتری در منطقه سرپل مستقر نماید.

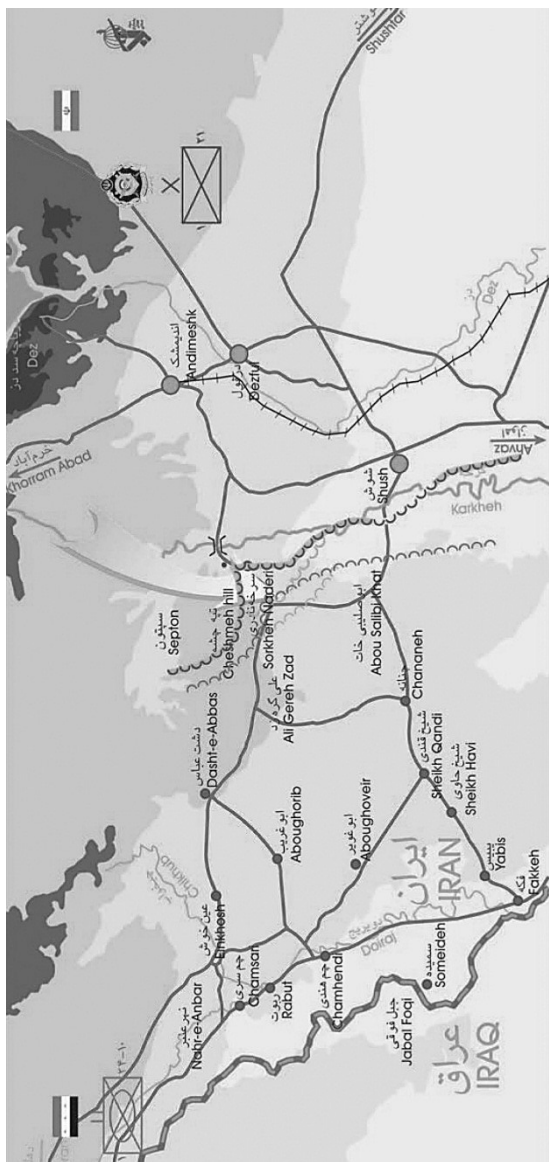
در این عملیات، نیروهای لشکر ۲۱ حمزه موفق شدند، بخشی از تپه مشرف به دشت جنوبی در منطقه غرب رودخانه کرخه به نام تپه چشمه را به تصرف خود درآوردند و قسمتی از جاده پل نادری به عین خوش را در کنترل خود قرار دهند. از سوی دیگر، آنها موفق شدند ضمن انهدام ۲۰ دستگاه تانک و ۵ دستگاه نفربر به میزان ۳۰٪ گردان یکم پیاده مکانیزه تیپ ۲۴ زرهی را منهدم و تعداد ۷ نفر از نیروهای عراقی را به اسارت خود درآورند.



عملیات آفندی تپه چشمه (۱) - ۱۳۶۰/۱/۱۵

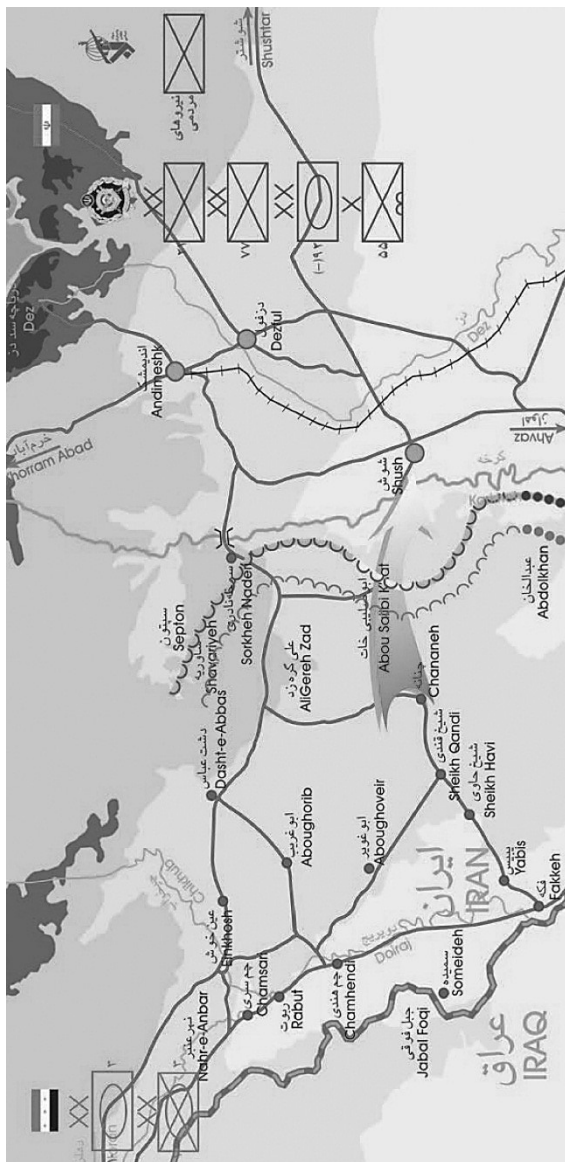
عملیات آفندی تپه چشمه (۲)، ۱۱/۲/۱۳۶۰

با آغاز سال ۱۳۶۰، در طی کمتر از یک ماه، سومین عملیات آفندی لشکر ۲۱ حمزه در ارتفاعات تپه چشمه صورت گرفت. حفظ سرپل در غرب رودخانه کرخه و تداوم حضور نیروها در این مناطق باعث گردید تا فرماندهان ارتش به گسترش سرپل در این منطقه توجه ویژه نمایند. ارتش عراق هرگز نتوانست به خوبی از موفقیت خود استفاده نماید، زیرا استفاده از اصل موفقیت برای ادامه عملیات، امری حیاتی و واجب می باشد. ارتش عراق نتوانست در اصل بهره ببرد، زیرا اشتباه آنها در توقف و عدم اتکاء به رودخانه کرخه بود که از نظر نظامی یک اشتباه تاکتیکی می باشد. به همین منظور لشکر ۲۱ حمزه به خوبی توانست از این ضعف لشکرهای مستقر در این منطقه بهره ببرد و در جهت گسترش سرپل به خوبی عمل نماید. تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه به فرماندهی سرهنگ ستاد بهروز سلیمانجاء، که در این منطقه پدافند می کرد، مأموریت یافت تا با اجرای یک تک محدود، مجدداً به تپه چشمه حمله نماید. بالأخره در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، تیپ ۱ موفق شد ارتفاع مهم ۲۴۲ در ارتفاعات تپه چشمه را به تصرف درآورد. آنها در این عملیات ضمن وارد آوردن تلفات و ضایعات سنگین به نیروهای لشکر ۱۰ زرهی عراق، مقادیر بسیاری از تجهیزات و سایر اقلام جنگی نیروهای عراقی را به غنیمت گرفته و تعداد ۴۶ نفر از نیروهای آنها را نیز به اسارت درآوردند. این عملیات یکی از موفق ترین عملیات های محدود نیروهای ایرانی بود که ضمن تأثیرگذاری در افزایش روحیه سربازان ایرانی، کلید موفقیت در عملیات بزرگ و غرورآفرین فتح المبین گردید.



عملیات پدافندی شوش، ۱۳۶۰/۱۲/۲۹

ارتش عراق بعد از شکست سنگین در بستان، احتمال داد که نیروهای ایرانی در منطقه غرب پل کرخه و یا در منطقه شوش مبادرت به یک حمله گسترده نمایند؛ لذا آنها با تحکیم استحکامات و مواضع پدافندی خود و تقویت نیروهایشان با یگان‌های توپخانه، مبادرت به انجام عملیات محدود نمودند تا از این طریق، سازمان متمرکز شده نیروهای ایرانی را در اجرای عملیات آتی برهم بزنند. در منطقه شوش، دقیقاً ۴۸ ساعت قبل از اجرای عملیات بزرگ و غرورآفرین فتح‌المبین، ارتش عراق با اطمینان کامل از حمله قریب‌الوقوع ایران، اقدام به حمله کرد تا بتواند ضمن برهم زدن سازمان رزم نیروهای ایرانی، منطقه سرپل را در جنوب شوش و دشت رقابیه بازپس گرفته و برای رسیدن به یک خط محکم پدافندی به ساحل غربی رودخانه کرخه متکی شود. در آن روز، یک لشکر عراقی حمله را آغاز نمود. هرچند به دلیل مقاومت و ایستادگی نیروهای ایرانی با شکست مواجه شد، ولی با کشف معابر نفوذی و محورهای عملیاتی، مشکلات عدیده‌ای را در اجرای عملیات فتح‌المبین برای نیروهای ایرانی به وجود آورد.



عملیات پدافندی شوش - ۱۳۶۰/۱۲/۲۹

بررسی و نگرشی به وضعیت ارتش ایران قبل از آغاز تهاجم ارتش عراق و ۱۸ ماه پدافند در منطقه غرب رودخانه کرخه تا آغاز عملیات فتح‌المبین

ارتش ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از تهاجم همه‌جانبه ارتش بعث عراق به خاک کشورمان به شدت با مشکلاتی مواجه گردید، که به طور کل، سیستم فرماندهی را با مشکل مواجه کرده بود. از جمله:

۱. از هم پاشیده شدن ساختار سازمانی یگان‌های ارتش، بالأخص نیروی زمینی.

۲. حاضرین نبودن اکثر تجهیزات، ادوات زرهی و وسایل ترابری.

۳. پایین آمدن سطح انضباط در کلیه سطوح ارتش.

۴. تنزل جایگاه آموزش نظامی در تمام سطوح به علت تقلیل خدمت سربازی به یک سال.

۵. بالا رفتن آمار غیبت و فرار، بالأخص در بین سربازان وظیفه به علت عدم وجود مرجع رسیدگی کننده به وضعیت فراریان.

۶. احساس سرخوردگی در بین افسران و درجه‌داران پایور.

۷. نقل و انتقالات بی‌رویه و غیراصولی کارکنان پایور و وظیفه و استفاده از وجود آنان در مشاغل غیرتخصصی خود.

۸. دخالت‌های بی‌رویه و غیرمنطقی در امر فرماندهی که باعث تضعیف قدرت فرماندهی و در نتیجه، تزلزل در تصمیم فرماندهی داشت.

۹. گرایشات قبل از ورود به خدمت سربازان وظیفه به گروهک‌ها.

۱۰. انحلال ضداطلاعات در ارتش و عدم اجرای شناسایی افراد وابسته به گروهک‌ها.

۱۱. متهم کردن کارکنان پایور به رژیم شاهنشاهی در صورت برقراری انضباط و نظم دادن به سازمان یگان.

۱۲. به غارت رفتن وسایل و تجهیزات ارتش (نیروی زمینی) در زمان پیروزی انقلاب توسط افراد فرصت طلب و گروهک‌های وابسته.

۱۳. از بین رفتن باطری، خودروهای ترابری و ادوات زرهی و بی‌سیم‌ها به علت عدم تعمیر و نگهداری در درازمدت.

و پاره‌ای موارد دیگر.

اما ارتش عراق نیز بعد از عدم دستیابی به اهداف خود، ارتش ایران را بزرگترین سد راه خود دانست. آنها در برآورد خود هرگز به روحیه و خصلت سربازان ارتش ایران توجه نکرده بودند. تحلیلگران سیاسی و طراحان نظامی عراق قبل از حمله همه‌جانبه به خاک ایران، می‌بایست شناخت کافی از فرهنگ مردم ایران زمین پیدا می‌کردند. در نهایت، ایستادگی و مقاومت یگان‌های ارتش ایران حقیقتاً دور از انتظار و تصور فرماندهان و طراحان ارتش عراق بود.

فرماندهان وقت ارتش ایران به شدت تحت فشار بودند، زیرا سیاستمداران فقط به حمله و بیرون راندن نیروهای عراقی از خاک ایران توجه داشتند. اجرای عملیات ۲۳ مهرماه که به لشکر ۲۱ حمزه واگذار شد، خارج از توان لشکر در آن برهه از زمان بود و ما نمی‌بایست عملیات ۲۳ مهرماه را اجرا می‌کردیم؛ زیرا نیروی ما با نیروی عراق برابری نمی‌کرد و لشکر ۲۱ حمزه در این عملیات به شدت آسیب دید. به طوری که علاوه بر از دست دادن افسران و درجه‌داران زبده، لشکر تجهیزات زیادی را نیز از دست داد. اجرای عملیات‌های محدود به هیچ وجه مناسب نبود. ما در طرح‌های خود می‌بایست به منطقه عملیات، عمق و پهنا می‌دادیم و در دادن عمق و پهنا، آتش سلاح‌های سنگین ارتش عراق را پراکنده می‌کردیم،

ولی در عملیات‌های محدود، حجم آتش سلاح‌های سبک و سنگین ارتش عراق را بر روی یک نقطه و بر سر نیروهای آفندی خود متمرکز می‌کردیم. البته بر فرماندهان وقت نیز به هیچ وجه نمی‌توان خرده و یا ایراد گرفت که این کار جفا بر آنان می‌باشد. ارتش از هر سو در مظان اتهام به کم‌کاری و عدم تمایل به جنگیدن قرار گرفته بود و این طرز فکر غلط متأسفانه از فکر دست اندرکاران مملکت که به هیچ وجه به اصول نظامی و روش تاکتیک واقف نبودند، تراوش می‌کرد و در جلسات شورای عالی امنیت ملی کشور به کرات از ارتش ایران می‌خواستند که عملیات آفندی اجرا کند. در صورتی که هر روز که از جنگ می‌گذشت، تجهیزات و ادوات ارتش ایران علاوه بر خسارت وارده از آتش دشمن، خراب و فرسوده شده و هیچ جایگزینی هم نداشت. دولت وقت هم، حتی قادر نبود گونی جهت ساخت سنگر عناصر نیروی زمینی را تأمین نماید و فقط بسنده به گونی‌های اهدایی مردم بود که این گونی‌ها به علت غیراستاندارد بودن و حجم زیاد، قابل جابه‌جایی نبود و سقف سنگرهای سربازان مدافع ایرانی غیراستاندارد ساخته می‌شد. در صورتی که طرف مقابل ما، یعنی ارتش عراق، از گونی و پلیت و تراورس مناسب برای ساخت یک موضع پدافندی استفاده می‌کرد.

در تاکتیک، یک نکته اساسی و مهم به نام روحیه وجود دارد و تمام تئوری‌پردازان جهان اذعان می‌دارند که دوسوم قواست؛ ولی در جهت افزایش ساختار روحیه ارتش، به دقت توجه نمی‌گردید. با چشم غیرقابل اعتماد به آن می‌نگریستند. اکثر سخنرانی سخنرانان و دولتمردان، پیرامون ارتش طاغوتی شاه و غیره بود، در صورتی که بیش از ۹۵٪ از ساختار یک گروهان را سربازان وظیفه تشکیل می‌دادند که و همه آنها از بطن ملت ایران آمده بودند.

در مناطق عملیاتی، به علت کمبودهای اساسی، اصول پدافندی را درست نمی‌توانستیم اجرا کنیم و در اکثر مواقع، تمام نیروهای ارتش ایران در یک خط گسترده و زنجیری مبادرت به پدافند می‌کردند و نیروی احتیاط معنی و مفهوم خود را از دست داده بود و همان یگان پدافندکننده به سرعت می‌بایست روحیه آفندی اتخاذ می‌نمود و آماده اجرای عملیات آفندی و یا پاتک می‌گردید، که همه این مسائل جای بحث در مسائل تاکتیکی دارد. اما برعکس، ارتش عراق به دقت اصول را رعایت می‌کرد که آن هم دلیل بر وجود امکانات همه‌جانبه آن بود.

نکته‌ای که قابل توجه است نقش ارتش در بازدارندگی ماشین جنگی ارتش عراق بود. ارتش عراق در منطقه عملیاتی سپاه سوم خود در استان خوزستان با وارد عمل نمودن ۵ لشکر زرهی و مکانیزه و چندین تیپ مستقل نتوانست خوزستان را به تصرف درآورد، ولی با مدیریت صحیح فرماندهان وقت ارتش ایران و از جان گذشتگی افسران، درجه‌داران و سربازان جان بر کف ارتش، سپاه سوم عراق با چالش بزرگی مواجه شد. در نهایت، موفق شدند کنترل عملیات را در دست گیرند تا در فرصت مناسب با وارد کردن ضربات مهلک بر پیکره لشکرهای عراقی، آنان را از خاک ایران بیرون برانند. از سوی دیگر، در یک عملیات، عوامل متعددی برای موفقیت و پیروزی و یا شکست وجود دارد. یک فرمانده باید با دیدی باز به جوانب خود بنگرد و به این حقیقت نیز آگاه باشد که تنها صرف برتری سلاح و تجهیزات نیست که باعث موفقیت می‌شود. وی هرگاه احساس کند که نیروهای دشمن با توجه به سلاح و تجهیزات مدرن روز و توان رزمی بالا بر وی برتری دارند، به این مسئله نیز می‌توان فکر کرد که او نیز در مقابل نیروهای دشمن دارای یک برتری‌های دیگری می‌باشد که دشمن از آن بی‌بهره است. ایمان، انگیزه، روحیه عالی، جسارت و شجاعت، شهامت، عدم ترس از مرگ، روحیه ایثار و

شهادت‌طلبی عواملی هستند که می‌تواند فرمانده را در امر هدایت یگان در عملیات‌ها کمک نماید، تا در فرصتی مناسب، با زیرکی و هوشیاری و تدبیر، بر ماشین قدرتمند جنگی دشمن غلبه نماید و باعث تضعیف روحیه و عدم میل به رزم نیروهای دشمن گردد.

فرماندهان ارتش به این نکته واقف بودند که اگر یگانی روحیه آفندی خود را از دست دهد، در پدافند نیز شکست خواهد خورد. شاخص‌ترین اقدام ارتش ایران همین بود که ضمن سد پیشروی نیروهای دشمن، به خوبی توانستند آنها را در لاک دفاعی فرو برده و روحیه آفندی را از آنان گرفته و مدت‌ها در حالت پدافند به سر ببرد تا توان آفندیش پایین آمده و شکست‌های پی در پی را بپذیرا شود. اکنون زمان آن رسیده بود که با اجرای عملیات‌های گسترده، نیروهای عراقی را وادار به عقب‌نشینی نماییم.

طرح‌ریزی برای اجرای عملیات فتح‌المبین

بعد از تغییرات در سیستم فرماندهی ارتش، یعنی پس از شهادت فرماندهان عالی رتبه آن در مهرماه ۱۳۶۰ و انتصاب سرهنگ توپخانه علی صیادشیرازی به سمت فرماندهی نیروی زمینی، با تجارب به‌دست‌آمده از موفقیت در عملیات ثامن‌الائمه(ع)، روند اجرای عملیات‌های گسترده برنامه‌ریزی گردید. با ادغام نیروهای مردمی تحت امر سپاه پاسداران در ساختار سازمانی بسیج و یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران، طرح عملیاتی کربلا ۲ برنامه‌ریزی گردید. به منظور هدایت عملیات، با توجه به وسعت منطقه، چهار قرارگاه عملیاتی در نظر گرفته شد، که به ترتیب به اسامی «قرارگاه قدس»، «قرارگاه نصر»، «قرارگاه فجر» و «قرارگاه فتح» نامگذاری گردید. قرارگاه فرماندهی کربلا ۲ شامل قرارگاه نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران، سازمان رزم عملیات کربلا ۲ را بدین شرح اعلام نمود:

۱. قرارگاه قدس شامل: تیپ ۸۴ پیاده، تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی، تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، تیپ ۴۱ ثارالله، تیپ ایلام، گردان مستقل علی اکبر (ع)
 ۲. قرارگاه نصر شامل: لشکر ۲۱ پیاده حمزه، تیپ ۵۸ ذوالفقار، تیپ ولیعصر دزفول، تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص)
 ۳. قرارگاه فجر شامل: لشکر ۷۷ پیاده، تیپ ۳۳ المهدی، تیپ ۱۷ قم، تیپ ۳۵ امام سجاد (ع)
 ۴. قرارگاه فتح شامل: لشکر ۹۲ زرهی، تیپ ۵۵ هوابرد، تیپ ۲۵ کربلا، تیپ ۴۶ فجر، تیپ ۸ نجف
- تیپ ۳۷ زرهی شیراز در کنترل قرارگاه کربلا ۲
- گروه ۳۳ توپخانه
- یگان هوانیروز

مانور طرح عملیاتی کربلا ۲

در بند مانور طرح عملیاتی کربلا ۲، مأموریت فرماندهی عملیات بدین شرح اعلام گردید:

فرماندهی عملیات کربلا ۲ با قرارگاه‌های قدس، نصر، فجر و فتح با استفاده از تاریکی شب تک نموده، هدف‌های استقلال، توفیق، آزادی، پیروز، ظفر، تنگ رقابیه، خط سبز و هدف فتح را تأمین و در امتداد خط سرخ پدافند می‌نماید و خط سرخ ادامه غربی ارتفاعات تینه و دوسلک و میشداغ می‌باشد.^۱

۱. قرارگاه قدس در شمال، دشت عباس و عین‌خوش، ابتدا هدف استقلال (عین‌خوش) و مسیر ابوغریب را تأمین و از ورود دشمن از سمت

۱. ارتفاعات مهم منطقه به نام هدف‌های یادشده تعیین گردیده بود.

جنوب‌شرقی به منطقه دشت عباس جلوگیری نموده و سپس در امتداد خط سرخ (ارتفاعات تینه و میشداغ) پدافند می‌نماید.

۲. قرارگاه نصر در شمال‌شرق، ابتدا هدف‌های توفیق (شاوریه) و آزادی (علی‌گره‌زد) را تأمین و سپس با ادامه تک، مقاومت‌های باقیمانده دشمن را در منطقه منهدم و در امتداد خط سرخ (ارتفاعات تینه و میشداغ) پدافند می‌نماید.

۳. قرارگاه فجر در مشرق، ابتدا هدف پیروز (تپه ابوصلیبی‌خات) را تأمین می‌کند و سپس با ادامه تک هدف ظفر (تپه رادار) را تصرف و احتیاط فرماندهی عملیات کربلا ۲ را تشکیل می‌دهد.

۴. قرارگاه فتح در جنوب‌شرقی، ابتدا تنگ رقابیه و خط سبز را تأمین و سپس با ادامه تک هدف فتح (تپه دوسلک) را تصرف و در امتداد خط سرخ پدافند می‌نماید.

۵. تیپ ۳۷ زرهی احتیاط فرماندهی عملیات کربلا ۲ را در منطقه جنوب تشکیل می‌دهد.

آغاز عملیات فتح‌المبین

نوروز ۱۳۶۱ فرارسید و اولین روز بهار، طبیعت منطقه خوزستان را سرسبز نموده بود. با غروب اولین روز سال جدید، هیجان خاصی در بین نیروهای ایرانی به وجود آمد. در ساعت ۱۹۰۰ مورخه ۱۳۶۱/۱/۱، بدین شرح مأموریت قرارگاه‌های چهارگانه ابلاغ گردید:

«از کربلا ۲ به قرارگاه‌های قدس، فجر، نصر و فتح. ساعت «س» روز «ر» ساعت ۰۰۳۰ روز ۱۳۶۱/۱/۲ تعیین و شروع عملیات با رمز «بسم الله القاصم الجبارین، یا زهرا علیها السلام» خواهد بود.

بدین ترتیب، با پایان مرحله طرح ریزی عملیات کربلا ۲، عملیات بزرگ فتح المبین وارد مرحله اجرایی نبرد گردید.

طبق دستورهای ابلاغی، یورش سراسری نیروهای ایران اسلامی به سنگرهای نیروهای متجاوز عراق در منطقه در حال آغاز بود و یگان‌های توپخانه آماده شدند در سراسر میدان نبرد از عین‌خوش در شمال غربی تا رقابیه و میشداغ در جنوب غربی منطقه در خط تماسی قوسی شکل به طول نزدیک به یکصد کیلومتر، سنگین‌ترین آتش مقدور را بر مواضع و سنگرهای دشمن فروریزند.

(ساعت ۰۰۳۰ بامداد مورخه ۱۳۶۱/۱/۲)

با صدور فرمان از قرارگاه مرکزی کربلا ۲ به چهار قرارگاه عمده اجرایی، عملیات بزرگ فتح المبین آغاز گردید. شروع عملیات با استفاده از تاریکی شب و توأم با غافلگیری بود؛ لذا نیروهای عمل‌کننده سعی نمودند بدون استفاده از آتش، خود را به مواضع نیروهای عراقی نزدیک سازند تا بتوانند با یک یورش سریع، ضربات اولیه را بر پیکره نیروهای عراقی وارد سازند و در اولین گام، ضربه کاری و مهلک را بر نیروهای دشمن وارد آورند. مأموریت قرارگاه قدس حمله به عقبه نیروهای عراقی و تصرف عین‌خوش بود، زیرا با فتح عین‌خوش، راه مواصلاتی آنها کاملاً بسته می‌شد و لشکر ۱۰ زرهی که در اطراف این محور گسترش یافته بود، نمی‌توانست مبادرت به عقب‌نشینی نماید.

نقش و عملکرد لشکر ۲۱ حمزه در عملیات فتح المبین

یگان‌های قرارگاه نصر متشکل از لشکر ۲۱ حمزه، تیپ ۵۸ ذوالفقار، تیپ ۷ ولیعصر دزفول، تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) حوالی ساعت ۰۳۰۰ الی ۰۵۰۰ بامداد ۱۳۶۱/۱/۲ موفق شدند نیروهای عراقی را از شمال به جنوب و از شرق به غرب در منطقه عملیاتی مربوطه عقب برانند یا آنها را منهدم نمایند، به نحوی که در حدود ساعت ۰۳۰۰ مواضع اصلی پدافندی نیروهای ارتش عراق در شمال محور پل نادری به عین‌خوش در حوالی کانال هندلی شکل و سرخه فلیه و سرخه صالح و تپه چشمه و کوت کاپون سقوط کرد و یگان‌های تحت فرماندهی قرارگاه نصر موفق شدند کنترل جاده اصلی پل نادری به عین‌خوش و پل نادری به ایستگاه رادار را در منطقه عملیاتی مربوطه در دست خود گیرند و سهراهی قهوه‌خانه را متصرف و نگهداری کردند. به طور کلی، آرایش پدافندی نیروهای عراقی به صورت آرایش در عمق بود و نظر به اینکه منطقه اصلی پدافندی نیروهای دشمن از تپه‌های علی‌گره‌زد و ابوصلیبی‌خات در غرب تا نزدیکی کرانه روخانه کرخه در شرق بود، نیروهای ایرانی در این منطقه مجبور بودند در مواضع پدافندی متوالی با نیروهای عراقی نبرد کنند. در صورتی که این وضعیت عراقی‌ها در شمال عین‌خوش و همچنین در جنوب تپه‌های ابوصلیبی‌خات، یعنی در منطقه عملیاتی قرارگاه قدس و فتح بدین ترتیب نبود. بنابراین، یگان‌های تحت امر قرارگاه نصر و فجر (شامل لشکر ۲۱ حمزه و ۷۷ پیروز خراسان و یگان‌های بسیجی تحت امر سپاه پاسداران) مجبور بودند نبردهای سنگینی را با نیروهای عراقی داشته باشند و این یگان‌ها هر قدر به سمت غرب پیشروی می‌کردند، با مقاومت سنگین‌تر دشمن مواجه می‌شدند و توپخانه عراقی‌ها نیز فعال‌تر می‌شد و در نتیجه، آتش سنگین‌تری بر روی یگان‌های ایرانی

می‌ریخت. به همین جهت، یگان‌های قرارگاه نصر بعد از موفقیت سریع اولیه در غرب سه‌راهی قهوه‌خانه با مقاومت جدی یگان‌های عراقی در تپه جوفینه و جنوب جاده اصلی مواجه شدند و از سرعت پیشروی آنها نیز کاسته شد، ولی تعدادی از یگان‌های قرارگاه نصر توانستند به یکی از اهداف اولیه که همانا تپه‌های شاوریه بود، نزدیک شوند و در جنوب جاده اصلی نیز پیشروی با سرعت کمتر به طرف تپه علی گره‌زد ادامه یافت، به نحوی که قبل از ساعت ۴ بامداد روز دوم فروردین ماه ۱۳۶۱، عناصر قرارگاه نصر به دو هدف اولیه خود، که تپه‌های شاوریه و کوت کاپون در طرفین محور اصلی عین‌خوش بودند، نزدیک شدند، ولی هنوز تک یگان‌های قرارگاه فجر و فتح دور نگرفته بود و پیشروی بسیار کند بود.

یگان‌های قرارگاه نصر با روشن شدن هوا تلاش کردند تا فشار وارده بر دشمن را افزایش دهند تا هرچه سریع‌تر به اهداف اصلی خود که تپه‌های شاوریه و علی گره‌زد در طرفین محور اصلی بود رسیده و اهداف مربوطه را اشغال نمایند.

اما از سوی دیگر، نیروهای عراقی به سادگی، تن به تسلیم نمی‌دادند و به شدت به مقاومت خود می‌افزودند و در پی این مقاومت، پیشروی عناصر قرارگاه نصر در تپه جوفینه را متوقف نمودند. فرماندهی لشکر ۲۱ حمزه سرهنگ پیاده حسین حسینی‌سعدی به ناچار یگان احتیاط لشکر را برای اشغال تپه جوفینه وارد کارزار نمود. عناصر سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی که از سمت شمال غربی منطقه عملیات قرارگاه به طرف تپه‌های شاوریه و علی گره‌زد پیشروی می‌کردند، در ساعت ۰۵۰۰ موفق شدند خود را به مواضع توپخانه نیروهای عراقی، که در دامنه غربی این ارتفاعات موضع گرفته بودند برسانند و ضرباتی به یگان‌های عراقی وارد آورند و باعث انهدام

ادوت و نیروهای آنها گردیدند. این را باید دانست، هنگامی که نیروهای یک یگان تک‌کننده به موضع توپخانه نیروهای مدافع برسند، نیروهای مقابل مجبورند که یا خود را تسلیم نیروهای حمله‌کننده نمایند و یا از منطقه نبرد فرار کنند. پس از این اقدام، از حوالی ساعت ۵ بامداد اولین روز نبرد با تهدید مواضع یگان‌های عراقی در عین‌خوش و شاوریه و علی‌گره‌زد وضعیت پدافندی نیروهای عراقی که در اطراف محور پل نادری - عین‌خوش گسترش داشتند، به سختی وخیم شد، به نحوی که به بعضی از یگان‌های عراقی دستور عقب‌نشینی داده شد.

از ساعت ۵ به بعد، شرایط کلی میدان کارزار تا حدودی مشخص شد. مقاومت نیروهای عراقی در قسمت شمالی منطقه کارزار واقع در شمال رودخانه رفائیه تا دامنه جنوبی ارتفاعات شمالی محور اصلی عین‌خوش رو به ضعف گذاشت و به تدریج، مقاومت آنها در هم شکسته شد، ولی بالعکس در قسمت جنوبی منطقه، نیروهای عراقی به شدت مقاومت می‌کردند. در نتیجه، یگان‌های قرارگاه‌های قدس و نصر، که در شمال منطقه نبرد پیشروی می‌کردند، موفقیت‌های چشمگیری به دست آوردند. این در حالی بود که در قسمت جنوبی، یگان‌های قرارگاه فجر و قرارگاه فتح با مقاومت جدی نیروهای عراقی مواجه شدند.

از ساعت ۰۷۰۰ به بعد، پیشروی یگان‌های تحت امر قرارگاه نصر نیز از دور افتاد، ولی باعث توقف آنها نگردید. یگان‌هایی که از سمت شرق به طرف غرب و در جنوب محور اصلی پل نادری عین‌خوش پیشروی می‌کردند، هنوز موفق نشدند مناطق تصرف‌شده در اطراف کوت کاپون بین جاده و نهر رفائیه را از وجود دشمن پاکسازی کنند، ولی نیروهای عراقی هنوز به صورت پراکنده مقاومت می‌کردند. مضاف بر اینکه آتش‌های زمینی

و هوایی ارتش عراق این منطقه را زیر آتش گرفته بود و تا حدودی سبب نگرانی آنها می شد.

در همان زمان، از قرارگاه فرماندهی تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه گزارش رسید که یک واحد تانک تحت امر آن یگان در محاصره نیروهای عراقی قرار گرفته است، که احتمال می رود این یگان که سریع تر از یگان های عمل کننده همجوار به جلو پیشروی کرده بود و چون نیروهای عراقی در مواضع واقع در جناحین محور پیشروی این یگان تانک، هنوز در حال مقاومت بودند، در نتیجه، این یگان از جناحین مورد تهدید قرار گرفت. اما در قسمت شمال جاده اصلی نیز با وجود اینکه عناصری از یگان های قرارگاه نصر توانسته بودند از سمت غرب تپه شاوریه مواضع یگان های عراقی را دور بزنند و به مواضع توپخانه آنها، در عقب منطقه دفاعی نیروهای عراقی حمله کنند، ولی یگان هایی که مستقیماً از شمال به جنوب در حال پیشروی بودند، هنوز موفق نشده بودند تمام مناطق شمال جاده را از وجود نیروهای عراقی پاک کنند. در هر صورت، فشار بر نیروهای مقاومت کننده را ادامه می دادند و نفرات آنها را به صورت پراکنده به اسارت می گرفتند. با افزایش آمار اسرا، تخلیه آنها برای نیروهای ایرانی مشکلاتی را ایجاد کرده بود.

سرانجام از حدود ساعت ۰۸۰۰ در اولین روز نبرد، مقاومت و سرسختی نیروهای عراقی، که در حوالی محور اصلی، یعنی از غرب رودخانه کرخه تا تپه علی گره زد گسترش داشتند در هم شکسته شد و به خوبی آثار فروپاشی نیروهای منظم ارتش عراق مشاهده گردید. هر لحظه آمار اسرا و غنائم به دست آمده از ارتش عراق افزایش می یافت، اما نیروهای عراقی که در شمال جاده اصلی بودند، تسلیم شده و یا مبادرت به فرار نمودند.

در جبهه جنوبی نیز، یگان‌های عراقی سرسختانه در برابر تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه مقاومت می‌کردند و به سادگی حاضر به پذیرفتن شکست و از دست دادن مواضع خود نبودند. تپه کوت کاپون تا ساعت ۰۹۰۰ هنوز در دست نیروهای عراقی بود، این مقاومت و ایستادگی سرسختانه، نشان از اهمیت ویژه ارتفاعات ابوصلیبی خات و زمین‌های اطراف آن برای عراقی‌ها بود. به همین منظور، مقاومت نیروهای عراقی در شمال رفائیه، از جمله کوت کاپون زیاد بود. در حقیقت، خط اصلی مقاومت آنها در غرب دزفول - شوش متکی به ارتفاعات ابوصلیبی خات و علی گره‌زد و ایجاد مواضع مناسب و مشرف به آنها بود. به این دلیل نیروهای قرارگاه‌های قدس و نصر در شمال محور اصلی، پیشروی سریعی داشتند، اما در جنوب آن محور، عملاً تا ساعت ۰۹۰۰ پیشروی چندانی صورت نگرفته بود. آخرین مواضع دفاعی و ایستادگی نیروهای عراقی که در شمال محور اصلی سقوط کرد، تپه ۳۵۰ و ارتفاعات مشرف به آن بود که در حوالی ساعت ۰۸۴۵ توسط تیپ ۵۸ ذوالفقار به تصرف درآمد و باقیمانده نیروهای مدافع آن نیز به اسارت درآمدند. به علت مقاومت یگان‌های عراقی در سمت شمال و شرق منطقه عملیات قرارگاه نصر، هماهنگی پیشروی نیروهای این قرارگاه برهم خورد. در حالی که تیپ‌های ۱ و ۲ لشکر ۲۱ حمزه تحت امر قرارگاه نصر در شمال جاده پیشروی سریع کرده بودند، تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه در محور شرقی غربی به علت عدم پیشروی تیپ ۳ لشکر ۷۷ پیروز خراسان در جناح چپ، نتوانست پیشروی خود را با سایر یگان‌های تحت امر قرارگاه نصر هماهنگ نماید. برای حفظ دور تک و ایجاد هماهنگی در پیشروی کلیه یگان‌های تابعه قرارگاه نصر، در ساعت ۰۹۰۰ به قرارگاه‌های تیپ ۱ و ۲ ابلاغ گردید در مناطق تصرف شده در شمال جاده، آرایش پدافند تعجیلی بگیرند

تا نیروهای عمل کننده تیپ ۳ بتوانند نیروهای عراقی را در جنوب جاده منهدم و یا وادار به عقب نشینی نمایند. آنگاه تمام یگان های تحت امر فرماندهی قرارگاه نصر هماهنگ با یکدیگر پیشروی خود را به سمت غرب ادامه دهند. در اولین روز نبرد، با اتخاذ آرایش پدافند تعجیلی تغییری در وضعیت یگان های قرارگاه نصر ایجاد نگردید. بدین طریق یگان هایی که در شمال جاده اصلی از شمال به جنوب تک کردند، موفق شدند ارتفاعات شمال جاده را از غرب رودخانه کرخه تا شمال دشت عباس از وجود نیروهای عراقی پاکسازی کنند و تعداد زیادی از سربازان عراقی را به اسارت خود درآورند و آمار اسرای عراقی از مرز ۳۰۰۰ نفر فراتر رفت و در میان اسرا تعدادی از افسران جزء و ارشد عراقی نیز مشاهده می گردید.

اما در محور پیشروی جنوب جاده، بین جاده و نهر رفائیه مقاومت نیروهای عراقی به شدت بالا گرفت. به همین دلیل، در اولین روز نبرد، یگان های عمل کننده قرارگاه نصر موفق نشدند منطقه بین غرب رودخانه کرخه تا ارتفاعات علی گره زده را از وجود نیروهای عراقی پاکسازی کنند، هرچند مواضع توپخانه لشکرهای عراقی در غرب تپه علی گره زده به تصرف نیروهای ایرانی درآمده بود و از نظر کلیات جنگ، بایستی دیگر مواضع آنها در جلو توپخانه نیز سریعاً سقوط نمایند، ولی با مقاومت نیروهای عراقی این اتفاق رخ نداد، بلکه فرماندهی سپاه عراق تصمیم به اجرای پاتک به طرف شرق ارتفاعات علی گره زده گرفت. قرارگاه نصر احتمال پاتک عراقی ها را به صورت جنوب غرب به شمال شرق و از سمت جنوب نهر رفائیه به سمت شمال شرقی می داد؛ لذا با مشاهده قرائن و شواهد موجود در منطقه نبرد و حرکت نیروهای عراقی به سمت شمال نهر رفائیه، احتمال پاتک بیشتر متصور می شد. فرماندهی قرارگاه نصر به ناچار برای مقابله با هرگونه پاتک

احتمالی نیروهای عراقی به یگان‌های تابعه و تحت امر خود ابلاغ کرد تا نسبت به اقدامات تأمینی لازم مبادرت ورزند. پس فعلاً تلاش اصلی فرماندهی قرارگاه متوجه دفع پاتک احتمالی ارتش عراق گردید. حوالی ساعت ۱۵۰۰ روز اول نبرد، اجرای پاتک نیروهای عراقی قطعی شد و مسلماً ارتش عراق نمی‌توانست با یگان‌های موجود در منطقه که تار و مار شده بودند، دست به پاتک بزند. پس با وارد عمل نمودن احتیاط از رده بالا، تصمیم بر اجرای پاتک گردید. بنا بر اطلاعات واصله، دو تیپ از عناصر لشکر ۱۴ پیاده عراق وارد ارتفاعات رادار شده است، که احتمال می‌رود این یگان‌ها در منطقه بین محور اصلی در شمال و نهر رفائیه در جنوب وارد عمل گردند. با توجه به اینکه عملاً تیپ ۳ لشکر ۲۱ پیاده حمزه به علت بازماندن جناح چپ خود در اثر عدم پیشروی قرارگاه فجر در این روز نبرد نتوانسته بود مقاومت نیروهای عراقی را به نحو روشنی درهم بشکند، در صورت پاتک شدید عراقی‌ها به این منطقه، احتمال محدود کردن پیشروی نیروهای ایرانی در همان شمال جاده بسیار متصور بود و در این صورت، موفقیت‌های قرارگاه قدس در منطقه عین‌خوش با خطر جدی مواجه گردید. این شرایط سبب گردید که عملاً یگان‌های قرارگاه نصر به حالت پدافندی در آیند.

بالأخره پاتک نیروهای عراقی در ساعت ۱۸۰۰ به منطقه شرق ارتفاعات علی‌گره‌زد قطعی شد و یگان‌های پیاده و زرهی ارتش عراق به سوی این منطقه حرکت نمودند، ولی به علت فرا رسیدن غروب و تاریکی شب، عملاً این پاتک اجرایی نشد. وسایل و غنائم به‌دست‌آمده از ارتش عراق به قدری زیاد بود که به سادگی یگان‌های لشکر ۲۱ حمزه قادر به تخلیه آن نبودند؛ لذا توپخانه لشکر با استفاده از توپ‌های اغتنامی در منطقه با برگرداندن سر لوله‌ها به طرف نیروهای عراقی آنها را زیر آتش شدید قرار دادند. بالأخره

خستگی یک شبانه‌روز نبرد سخت، بر نیروهای طرفین غلبه کرد. با این تفاوت که نیروهای عراقی از نظر روحی به شدت متزلزل شده بودند و نیروهای ایرانی با موفقیت‌های به‌دست آمده روحیه مضاعف یافتند.

۱۳۶۱/۱/۳، دومین روز نبرد

مقاومت سرسختانه نیروهای عراقی دلالت بر اطلاع آنها از عملیات آفندی ارتش ایران در این منطقه بود. نیروهای عراقی آماده حمله نیروهای ایرانی بودند. موفقیت نیروهای ایرانی نیز فقط در دو منطقه واقع در شمال جاده اصلی عین‌خوش و دامنه جنوبی ارتفاعات شمال جاده بود، اما در قسمت شمال شرقی این منطقه مواضع سنگین نیروهای عراقی قرار داشت، ولی در منطقه شمال غربی آن می‌توان گفت، فاقد مواضع اصلی پدافندی بود. به همین دلیل نیز، یگان‌های عراقی غافلگیر شده و فرماندهی عملیات ارتش عراق در این منطقه تصور نمی‌کرد که نیروهای ایرانی بتوانند تا عمق ۴۰ کیلومتری منطقه تحت اشغال آنها نفوذ کرده و با اجرای یک مانور احاطه‌ای نیروهای آنها را دور زده و به محاصره درآورند.

ارتش عراق در منطقه قرارگاه نصر به استعداد تقریبی چهار تیپ از جنوب غربی پل نادری تا عین‌خوش گسترش داشتند، که در عملیات روز اول نبرد، عملاً منهدم و نیروهای آنها به اسارت درآمدند، تا جایی که مواضع توپخانه پشتیبانی‌کننده ارتش عراق، که در عمق منطقه مستقر بود نیز به تصرف یگان‌های تک‌ور ایران درآمد، ولی در منطقه عملیاتی دو قرارگاه دیگر به شدت دست به مقاومت زده و عملاً در بعدازظهر اولین روز نبرد، ضمن از دور انداختن حمله نیروهای ایرانی، آماده برای اجرای پاتک شده بودند. هرچند به علت فرارسیدن تاریکی شب، این پاتک اجرا نگردید، ولی تاریکی

هوا دلیل بر عدم اجرای پاتک در روز دوم نبرد نبود. پس قرارگاه نصر و قدس می‌بایست آماده خنثی کردن پاتک نیروهای عراقی گردند.

پیش‌بینی فرماندهان قرارگاه‌های مورد نظر در رابطه با اجرای پاتک توسط نیروهای عراقی به واقعیت پیوست. شب گذشت؛ نیروها توانستند استراحت نسبی کرده و آماده هرگونه حملات ارتش عراق باشند. بالأخره با گسترده شدن آفتاب بر خاک خوزستان، ارتش عراق در منطقه عین‌خوش و دشت عباس مبادرت به اجرای پاتک نمود. آنها هنوز باور نداشتند که یگان‌های آنها طی یک روز نبرد سرسختانه این‌چنین تار و مار شده باشند، اما منطقه تحت فرماندهی قرارگاه قدس با یک تهدید جدی مواجه بود؛ زیرا این قرارگاه توانسته بود در عمق منطقه تحت اشغال ارتش عراق نفوذ و آنجا را تصرف کند. در نتیجه، تقویت و پشتیبانی آنها با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بود، هرچند قسمتی از جاده اصلی عین‌خوش در کنترل آنها بود، ولی در کوتاهترین زمان پشتیبانی نیروها ممکن نبود. از سوی دیگر، تمام جاده اصلی هنوز به تصرف نیروهای ایرانی درنیامده بود و کنترل مستقیم یا کنترل با آتش در دست نیروهای عراقی بود. قرارگاه نصر نیز در شرق قرارگاه قدس وارد عمل شده بود. وضعیت جاری نبرد در منطقه قرارگاه قدس مسلماً منطقه عملیات قرارگاه نصر را نیز تحت تأثیر خود قرار داده بود. اما با وجود این، امروز فعالیت یگان‌های تحت امر قرارگاه نصر صرف تحکیم مواضع متصرفی و آمادگی لازم برای مقابله با هرگونه عملیات پاتک نیروهای عراقی گردید.

تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه و تیپ ۷ ولیعصر سپاه پاسداران تلاش کردند تپه‌های سرکوب ارتفاعات علی‌گره‌زد را در جنوب جاده اصلی عین‌خوش به تصرف درآورند و نیروهای عراقی را که در حوالی تپه‌های علی‌گره‌زد در

مقابل سایر یگان‌های قرارگاه نصر مقاومت می‌کردند، از عقب مورد تهدید قرار دهند تا تیپ ۳ لشکر ۲۱ و یگان‌های سپاه پاسداران و همچنین عناصر تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه و نیروهای سپاه پاسداران بتوانند جنوب جاده اصلی را از غرب کرخه تا تپه‌های علی گره‌زد از وجود نیروهای عراقی پاک سازند، اما تهدید نیروهای عراقی در غرب تپه‌های علی گره‌زد شدت یافت، به طوری که تیپ ۵۸ ذوالفقار حوالی ساعت ۰۹۰۰ گزارش نمود یگان بزرگی از نیروهای عراقی به سمت شاوریه و تپه‌های علی گره‌زد در حال حرکت می‌باشد و به منظور جلوگیری از پیشروی احتمالی آنها، تقاضای اعزام بالگردهای کبرا را به منطقه نمود. فرمانده قرارگاه به منظور برقراری آرامش نسبی به تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه و تیپ ۵۸ ذوالفقار و سایر رزمندگان ابلاغ می‌نماید به هر نحو که مقدور می‌باشد، مانع از پیشروی نیروهای پاتک‌کننده عراقی شوند. از سوی دیگر نیز دستور داده شد که تا حد امکان نسبت به تخلیه شهدای ایرانی و کشته شدگان نیروهای عراقی اقدام لازم معمول و وسایل باقیمانده از یگان‌های عراقی را جمع‌آوری و به منطقه عقب تخلیه نمایند.

لازم بود که به منظور حفظ دور تک اقداماتی انجام پذیرد که خنثی‌کننده اجرای پاتک‌های نیروهای عراقی گردند. لذا به همین انگیزه، در بعدازظهر همان روز، از سوی قرارگاه مرکزی کربلا ۲ به فرماندهی قرارگاه نصر دستور داده می‌شود که برای امکان ادامه عملیات به سمت غرب، محورهای علی گره‌زد - حسن بربوطی و محور علی گره‌زد - ارتفاعات تینه و محور علی گره‌زد - امامزاده عباس و محور تپه سبز به سمت غرب به موازات رودخانه رفائیه را سریعاً شناسایی و بررسی کنند، تا با دریافت آخرین اطلاعات واصله از میدان نبرد، طرح جدیدی برای ادامه تک به سمت غرب تهیه گردد.

قرارگاه نصر نیز در اجرای دستور صادره نسبت به برآورد وضعیت و فعالیت ستادی و تغییرات سازمان و آرایش رزمی اقدام نمود. تصمیم گرفته شد که تیپ ۳۷ زرهی شیراز نیز به جای اعزام به منطقه عین خوش در منطقه عملیات لشکر ۲۱ پیاده حمزه وارد عمل گردد. به همین جهت سبب گردید تا قرارگاه مرکزی کربلا ۲ برآورد وضعیت عملیاتی نموده و طرح عملیاتی جدیدی را متناسب با وضعیت به وجود آمده تهیه نماید. در نهایت، طرح آفندی جدیدی برای ادامه تک در سومین روز نبرد تهیه و به صورت جزء به جزء به یگان‌ها ابلاغ گردید. در اصول کلی طرح عملیاتی کربلا ۲ که قبلاً منتشر شده بود، تغییرات مهمی داده نشد، فقط بنا به درخواست قرارگاه نصر، تیپ ۳۷ زرهی شیراز که یگان احتیاط قرارگاه کربلا ۲ بود، زیر امر لشکر ۲۱ پیاده حمزه قرار گرفت و تلاش اصلی اجرای تک به بخش جنوبی منطقه نبرد دزفول و شوش، یعنی به منطقه عملیاتی قرارگاه فجر و فتح اختصاص داده شد.

۱۳۶۱/۱/۴، سومین روز نبرد

بر اساس طرح جدید فرماندهی قرارگاه مرکزی کربلا ۲، حمله نیروهای ایرانی در منطقه عملیاتی غرب شوش و دزفول مجدداً از ساعت ۰۱۰۰ بامداد ۱۳۶۱/۱/۴ با رمز «یا زهرا(س)» آغاز گردید. یگان‌های لشکر ۲۱ پیاده حمزه و سپاه پاسداران و تیپ ۳۷ زرهی نیز مأموریت داشتند در ساعت ۰۱۰۰ همزمان با تک یگان‌های قرارگاه فجر به سمت غرب دشت عباس تک نموده و منطقه بین تپه‌های علی گره‌زد در قسمت شرقی و ارتفاعات تینه در قسمت غرب را از وجود نیروهای عراقی پاک و با یگان‌های قرارگاه قدس در ارتفاعات تینه و عین خوش عمل الحاق را انجام دهند. تیپ ۳۷ زرهی شیراز

نیز مأموریت یافت، بعد از وصول به منطقه نبرد در قسمت شمالی دشت عباس، قسمتی از مأموریت تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار را در تپه‌های شاوریه بر عهده گرفته و به سمت امامزاده عباس تک نماید.

یگان‌های تیپ ۳۷ زرهی شیراز حوالی ساعت ۰۵۰۰ وارد منطقه کارزار گردیدند و بدون درنگ اقدام به اجرای تک نمودند. تیپ ۲ لشکر ۲۱ پیاده حمزه و یگان‌های سپاه پاسداران، همراه این تیپ اولین یگان از قرارگاه عملیاتی نصر بود که در حوالی ساعت ۰۳۳۰ گزارش داد در محور پیشروی خود به سمت روستای حسن بربوطی به هدف خود نزدیک شده و به پیشروی ادامه می‌دهد.

بالآخره ساعت ۰۴۱۵ چهارم فروردین‌ماه، قرارگاه مرکزی کربلا، خبر سقوط تنگ رقابیه را به لشکر ۲۱ پیاده حمزه اعلام نمود و اظهار داشت که سه گردان تانک از یگان‌های عراقی در این تنگ، خود را به نیروی ایرانی تسلیم کردند. اما لشکر ۷۷ پیروز خراسان تا حوالی ساعت ۰۵۰۰ با مقاومت سرسختانه نیروهای عراقی مواجه بودند و از سوی دیگر، یگان‌های مانوری قرارگاه نصر نیز تا حوالی ساعت ۰۷۰۰ هنوز موفق به شکستن مقاومت نیروهای عراقی نگردیدند، ولی حملات بی‌وقفه یگان‌های ایرانی باعث ضعف در توان دفاعی نیروهای عراقی گردید. هنوز دقایقی از ساعت ۰۷۰۰ نگذشته بود که تیپ ۳۷ زرهی شیراز اعلام نمود که وارد امامزاده عباس شده است و متعاقب آن تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار نیز گزارش داد که یگان‌های عراقی مبادرت به عقب‌نشینی نموده‌اند، اما از سوی دیگر، یگان‌های قرارگاه نصر که در مسیر شرق به غرب پیشروی می‌کردند، هنوز موفق به عقب‌راندن نیروهای عراقی از مواضع خود نگردیده بودند. فرمانده قرارگاه نصر با توجه به شرایط میدان نبرد به منظور ایجاد هماهنگی بین یگان‌های

تک‌ور، به تیپ ۳۷ زرهی شیراز دستور داد مواضع اشغالی در حوالی امامزاده عباس را حفظ نماید، تا سایر یگان‌های قرارگاه نیز پیشروی کنند و نیروهای عراقی را از ارتفاعات علی گره‌زد، وادار به عقب‌نشینی نمایند تا به خط پیشروی امامزاده عباس برسند و بین یگان‌های تک‌ور شکاف ایجاد نگردد. در نتیجه، تیپ ۳۷ زرهی سریعاً از ساعت ۰۷۳۰ آرایش دفاعی تعجیلی اتخاذ نمود و به ناچار متوقف گردید. در اینجا قرارگاه کربلا ۲ به قرارگاه قدس دستور می‌دهد، تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی خوزستان را سریعاً به سمت جنوب اعزام کند تا در خط گسترش تیپ ۳۷ زرهی شیراز قرار گیرد و جناح غربی منطقه نبرد در دشت عباس تأمین گردد. به محض توقف تیپ ۳۷ زرهی زیر آتش شدید توپخانه ارتش عراق قرار گرفت. هر آن احتمال پاتک نیروهای عراقی می‌رفت. به ناچار درخواست پشتیبانی وسایل سنگین مهندسی و آتش توپخانه نمود. بدین ترتیب، تلاش اصلی پشتیبانی قرارگاه نصر به تیپ ۳۷ زرهی اختصاص یافت. توجه فرمانده قرارگاه نیز به آن منطقه جلب گردید، به طوری که قسمتی از مقدمات آتش پشتیبانی توپخانه قرارگاه قدس نیز به منطقه تیپ ۳۷ زرهی شیراز اختصاص داده شد. حوالی ساعت ۰۸۳۰ تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی، قرارگاه قدس از سمت غرب به منطقه تیپ ۳۷ زرهی واقع در دشت عباس نزدیک شد و تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار نیز وارد دشت عباس گردید. بدین ترتیب یک خط پدافندی پیوسته در شمال جاده در دشت عباس ایجاد شد. اما سایر یگان‌های قرارگاه نصر در محورهای شرقی غربی هنوز به میزان کافی پیشروی نکرده بودند. در نتیجه، یگان‌هایی که در دشت عباس درگیر شده بودند به شدت تحت فشار نیروهای عراقی قرار گرفته بودند. از سوی دیگر، هماهنگی پیشروی بین تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار و یگانهای سپاه پاسداران و تیپ ۳۷ زرهی شیراز

مختل شده بود و یگان‌های پیاده بی‌محابا به پیشروی خود ادامه می‌دادند. اما تانک‌ها و نفربرهای یگان‌های زرهی و مکانیزه به علت شدت آتش ضدتانک یگان‌های عراقی متوقف شده و هماهنگ با نیروهای پیاده نظام مانوری نبودند؛ با وجود اینکه تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار و یگان‌های سپاه پاسداران تا حوالی ساعت ۰۹۰۰ منطقه شمالی دشت عباس را از وجود نیروهای عراقی پاکسازی کرده بودند، ولی تیپ ۳۷ زرهی هنوز در دامنه‌های جنوب ارتفاعات متوقف گردیده بود. در حوالی ساعت ۱۰۰۰ فرمانده تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار به فرماندهی قرارگاه نصر گزارش می‌دهد که تیپ مورد تهدید جدی قرار گرفته و درخواست نمود که تیپ ۳۷ زرهی شیراز پیشروی خود را آغاز نموده تا فشار نیروهای عراقی بر این تیپ کاهش یابد. در نهایت، وضعیت کلی یگان‌های قرارگاه نصر در این روز نبرد در منطقه دشت عباس با مشکلاتی توأم گردید، زیرا بر اثر حملات متقابل آتش پشتیبانی توپخانه ارتش عراق از ارتفاعات اطراف، تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار و تیپ ۳۷ زرهی شیراز و یگان‌های تابعه سپاه پاسداران را در دشت عباس مورد تهدید قرار داده بود که هر آن احتمال عقب‌نشینی نیروهای ایرانی به سمت ارتفاعات دشت عباس می‌رفت. هنوز دقایقی بیش، از خطر احتمالی نگذشته بود که وضعیت کلی در میدان منطقه نبرد به سود یگان‌های قرارگاه نصر تغییر کرد. حوالی ساعت ۱۰۰۰ تیپ ۲ پیاده لشکر ۲۱ حمزه با عناصر وابسته از سپاه پاسداران اعلام نمود که هدف اولیه خود را اشغال کرده و نیروهای عراقی به ناچار مبادرت به عقب‌نشینی نموده و وسایل و تجهیزات خود را در حوالی روستای حسن بربوطی منهدم نموده‌اند، تا به دست نیروهای ایرانی نیفتد.

پل رودخانه رفائیه در مسیر جاده رادار در کنترل کامل نیروهای ایرانی درآمد. با کسب موفقیت‌های به‌دست‌آمده، روحیه فرماندهان و رزمندگان ایرانی مضاعف شده و روحیه آفندی در وجود آنها تقویت گردید. حال نوبت آن است که اجازه نداد نیروهای عراقی به سهولت از منطقه کارزار خارج شوند؛ لذا بنا به تدبیر فرماندهی قرارگاه نصر، به یگان‌های تحت امر ابلاغ گردید، در تمام عرض میدان نبرد به مواضع نیروهای عراقی یورش برده و مانع از فرار سالم آنها از مهلکه شوند. در حوالی ساعت ۱۱۰۰ تعدادی از یگان‌های قرارگاه نصر به تأسیسات رادار در ارتفاعات ابوصلیبی خات نزدیک شدند و کمتر از یک ساعت بعد، آثار شکست در یگان‌های عراقی مشاهده شد. امروز با موفقیت‌های بزرگی که یگان‌های قرارگاه نصر در محورهای پیشروی شرقی غربی به طرف تپه‌های علی‌گره‌زد و ابوصلیبی خات به دست آوردند، تلاش تهاجمی نیروهای عراقی در منطقه دشت عباس و در مقابل تیپ ۳۷ زرهی شیراز و ۵۸ پیاده ذوالفقار نیز متوقف گردید. به طوری که حوالی ساعت ۱۳۰۰ فرمانده تیپ ۵۸ ذوالفقار اطلاع داد که دیگر دشمن در آن منطقه فعالیتی ندارد. در نتیجه، تیپ ۳۷ زرهی و ۵۸ پیاده ذوالفقار در دشت عباس در حالت پدافندی باقی ماندند تا با نزدیک شدن سایر یگان‌های لشکر ۲۱ حمزه از سمت شرق، عمل الحاق انجام پذیرد تا بنا به دستور، با هماهنگی تمام یگان‌های قرارگاه نصر، پیشروی به سمت غرب تپه‌های علی‌گره‌زد ادامه یابد؛ لذا با اتخاذ حالت پدافندی، عملاً از حوالی ساعت ۱۶۰۰ یگان‌های قرارگاه نصر متشکل از لشکر ۲۱ حمزه، تیپ ۳۷ زرهی شیراز، تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار و یگان‌های سپاه پاسداران به حالت پدافندی درآمدند. از قرائن و شواهد موجود چنین برمی‌آید که در عملیات امروز در منطقه عملیاتی قرارگاه نصر نیروهای عراق عقب‌نشینی را بر

مقاومت ترجیح دادند و با فرونشستن روشنایی خورشید و آغاز تاریکی شب، فقط مبادله آتش بین یگان‌های توپخانه طرفین ادامه یافت.

گسترده‌گی منطقه و مقاومت سرسختانه نیروهای عراقی در منطقه عمل قرارگاه نصر موجب گردید که فرماندهی قرارگاه کربلا ۲ ضمن توجه به این قرارگاه، یگان بیشتری را در این منطقه وارد کارزار نماید؛ لذا به همین دلیل، به لشکر ۹۲ زرهی دستور داده شد، شبانه تیپ ۳ زرهی لشکر را به منطقه عملیاتی لشکر ۲۱ حمزه اعزام نموده و زیر امر آن لشکر قرار دهد تا در عملیات روز بعد آنها را وارد میدان رزم نماید.

۱۳۶۱/۱/۵، چهارمین روز نبرد

به علت فشار همه‌جانبه نیروهای طرفین درگیری و تا اندازه‌ای خستگی نیروهای عمل‌کننده و نیاز به بررسی میدان نبرد، نیروهای هر دو کشور حالت پدافندی اتخاذ نمودند و طرفین به تحکیم مواضع پدافندی و تجدید سازمان و گسترش یگان‌های خود پرداختند و در نتیجه، تلاش آفندی قابل ملاحظه‌ای بین نیروهای درگیر انجام نگرفت. در این بین، تغییراتی در ساختار سازمان کلی قرارگاه‌های تحت امر کربلا ۲ داده شد، از این جمله که تیپ‌های ۳۷ زرهی شیراز و ۵۸ پیاده ذوالفقار و محمد رسول الله (ص) سپاه پاسداران که جزو قرارگاه نصر بودند و در منطقه دشت عباس وارد عمل شده بودند، از زیر امر قرارگاه نصر خارج و زیر امر قرارگاه قدس قرار گرفتند و به جای آن، تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ زرهی خوزستان که تحت امر قرارگاه فتح بود از غرب شوش به منطقه شمالی نبرد تغییر مکان یافته و زیر امر قرارگاه نصر قرار گرفت و دستور داده شد که با مجموع تیپ‌های واگذاری که جمعاً ۷ تیپ می‌باشند، در خط عمومی شمال جاده اصلی عین‌خوش، از دامنه

شرقی ارتفاعات علی گره‌زد تا عین‌خوش پدافند کنند و در صورت امکان، در جاده دچه - ابوغریب به سمت ارتفاعات تینه پیشروی نمایند و تنگ ابوغریب را نیز به کنترل خود درآورند. اما وضعیتی که در میدان نبرد پیش آمده بود، نمی‌توانست کاملاً رضایت‌بخش باشد، زیرا تا به امروز هنوز نیروهای ایرانی به هدف‌های اولیه خود در امتداد تپه‌های شاوریه - علی گره‌زد - ابوصلیبی‌خات دسترسی کامل نیافته بودند و نیروهای عراقی در مقابل آنها سرسختانه مقاومت می‌کردند. در اینجا فرماندهی کل عملیات، به دنبال راهکار دیگری بود تا با اتخاذ یک تدبیر مناسب لاقلاً بتواند خط ذکرشده بالا را به تصرف درآورده و تأمین آن را برقرار نمایند.

شناسایی‌های به عمل آمده توسط عناصر شناسایی قرارگاه نصر حاکی از آن بود که جناح چپ لشکر ۱ مکانیزه عراق کاملاً باز می‌باشد و این محل مناسب‌ترین منطقه برای اجرای اصل تمرکز قوا در این قسمت ضعیف از جبهه لشکر ۱ مکانیزه عراق بود؛ لذا فرماندهی قرارگاه مرکزی کربلا با دریافت اطلاعات لازم از منطقه، تصمیم گرفت که اجرای یک مانور احاطه‌ای یک طرفه در سطح قرارگاه کربلا، در نظر بگیرد؛ لذا بدین جهت در دستور جزء به جزء شماره ۲ خود به قرارگاه‌های تابعه دستور می‌دهد به منظور تأمین هدف‌های پیروز (تپه ابوصلیبی‌خات) و فتح (معبور دوسلک) در ساعت ۰۱۰۰ روز ۱۳۶۱/۱/۶ تک می‌کند و نیروهای دشمن را منهدم و در امتداد خط سرخ (دامنه شرقی ارتفاعات تینه و رقابیه) پدافند می‌نماید.

در این مأموریت، قرارگاه نصر موظف گردید که تک کند و هدف‌های پیروز ۱ (سایت ۵) و فتح (تپه برغازه) را تصرف نماید و برای جلوگیری از دخالت نیروهای باقیمانده عراقی در شرق ارتفاعات تینه در عملیات آفندی، جناح راست (شمال) و عقبه خود را حفظ نماید و پس از تأمین هدف‌های

مربوطه آماده شود تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ زرهی را از کنترل عملیاتی خود خارج و پدافند از منطقه را به قرارگاه فتح واگذار نماید. بعد از اشغال هدف‌های تعیین شده منطقه را از وجود نیروهای عراقی پاک و در امتداد دامنه غربی ارتفاعات تینه مبادرت به پدافند نماید. ضمناً مأموریت قرارگاه فجر هدف پیروز ۲ (تپه رادار و سایت ۴) و تصرف و تأمین آن بود. لیکن بنا به مسائل و رخدادهای پیش آمده، فرمانده مرکزی کربلا ۲ با ایجاد تغییراتی در آن مأموریت، با تهیه دستور جزء به جزء جدیدی که صادر گردید، هدف پیروز ۲ (تپه رادار و سایت ۴) نیز به قرارگاه نصر محول گردید.

۱۳۶۱/۱/۶، پنجمین روز نبرد

در اجرای دستور صادره، در ساعت ۰۳۰۰ بامداد روز ۶ فروردین ماه، قرارگاه کربلا ۲ دستور عدم اجرای تک را به یگان‌های تابعه صادر کرد. زیرا برابر اطلاعات واصله، احتمال حملات سنگین یگان‌های عراقی در منطقه قرارگاه نصر متصور بود، ولی اطلاعات واصله از ارکان دوم یگان‌های تابعه قرارگاه نصر مؤید آن بود که فعالیت مهمی از سوی نیروهای عراقی در منطقه عملیاتی آن قرارگاه مشاهده نمی‌گردد؛ لذا فقط آتشباری، آتشبارهای سنگین توپخانه‌های طرفین مبادرت به مبادله آتش می‌نمودند. اما عدم اجرای این عملیات، دلالت بر عدم تصمیم فرماندهی قرارگاه مرکزی کربلا ۲ نبود، بلکه باید اذعان داشت که یگان‌ها را در حال آماده‌باش برای اجرای یک عملیات موفق در فرصت مناسب قرار داد.

۱۳۶۱/۱/۷، ششمین روز نبرد

با مأمور کردن^۱ تعدادی از اهالی بومی محلی که کاملاً به زمین‌های اطراف آشنایی داشتند به یگان‌های جلودار، مثل گروهان دوم گردان ۱۴۰ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه با یک پیاده‌روی شبانه طولانی به سمت سایت‌های ۴ و ۵ حرکت نیروها آغاز گردید. زمان موعود فرارسید. راهپیمایی نیروها تا حوالی ساعت ۰۳۰۰ ادامه داشت، تا اینکه آنها به خط عزیمت رسیدند. لذا در ساعت ۰۳۳۰ عملیات، با رمز «یا زهرا(س)» از طرف قرارگاه کربلا ۲ صادر و نبردی حیاتی آغاز گردید.

با لطف و عنایت الهی و ایثار و از جان گذشتگی رزمندگان اسلام، دریچه‌های پیروزی از همان دقایق آغازین نبرد به روی نیروهای ایرانی گشوده شد و یگان‌های قرارگاه نصر بدون برخورد جدی با نیروهای عراقی به سمت اهداف از پیش تعیین‌شده حرکت خود را ادامه دادند. وحشت و هراس نیروهای عراقی با شلیک گلوله‌های بی‌هدف و رگبار و پرتاب منور در جلو منطقه نبرد کاملاً مشهود بود. تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه در اولین گزارش امروز خود اعلام نمود که نیروهای عراقی در حال عقب‌نشینی بوده و فرار را بر قرار ترجیح دادند. تیپ ۱ و ۲ پیاده لشکر ۲۱ حمزه نیز با سرعت هر چه تمام‌تر موفق شدند خود را به خط پیشروی تیپ ۳ پیاده برسانند. با روشن شدن هوا و آغاز روشنایی صبحگاهی، اشراف بر منطقه بیشتر شد و از حوالی ساعت ۰۵۰۰ فرار نیروهای عراقی همراه با وحشت به خوبی مشاهده می‌گردید؛ ولی مأموریت اصلی قرارگاه نصر جلوگیری از فرار

۱. مأمور به گروهان دوم گردان ۱۴۰ پیاده فردی بود به نام علی چنانه که بعداً شخصاً از سردار سرتیپ رثوفی نژاد شنیدم به فیض شهادت نائل آمده است (روحش شاد).

نیروهای عراقی و انهدام و یا به اسارت درآوردن آنها بود. توپخانه لشکر ۲۱ حمزه نیز منطقه عقب نیروهای در حال فرار عراقی را در اطراف چنانه و دوسلک به شدت زیر آتش قرار دادند.

بالآخره حوالی ساعت ۰۵۳۰، قرارگاه نصر به قرارگاه مرکزی کربلا گزارش می‌دهد که یگان‌های تحت امر آن قرارگاه به تأسیسات سایت ۵ نزدیک شده‌اند و پیشروی یگان‌ها به نحو مطلوب به سمت اهداف مورد نظر ادامه دارد. تعدادی از یگان‌ها، به میدان مین نیروهای عراقی برخورد کرده‌اند که در حال پاکسازی و ایجاد معبر می‌باشند. از سوی دیگر، تیپ ۱ پیاده لشکر ۲۱ حمزه نیز گزارش نمود ایستگاه رادار را اشغال کرده و آماده پیشروی به طرف سایت ۵ می‌باشد. اما در قسمت میدان عمل تیپ ۲ پیاده لشکر ۲۱ حمزه، فرماندهی تیپ حوالی ساعت ۰۶۰۰ گزارشی می‌دهد که حاکی از بهم خوردن آرایش دفاعی نیروهای عراقی و عقب‌نشینی اجباری بعضی از یگان‌های آنها بود. حدود ۱۵ دقیقه بعد، تعداد ۱۲ دستگاه تانک و ۸۰ نفر از نیروهای عراقی با دادن شعار «الله اکبر و «دخیل الخیمینی» خود را به یگان‌های مانوری تیپ ۱ لشکر ۲۱ تسلیم نمودند. با اخذ موفقیت‌های به‌دست‌آمده، بر سرعت دور تک یگان‌ها افزوده شد. به طوری که قبل از ساعت ۰۷۰۰ تأسیسات سایت ۴ نیز توسط تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه و تیپ ۷ ولیعصر (عج) آزاد گردید. قبل از تصرف سایت ۴ پل رفائیه نیز به وسیله نیروهای مذکور آزاد شد که این اقدام باعث سهولت در پیشروی فجر ۳ و کاهش مقاومت نیروهای عراقی گردید. تأسیسات سایت ۵ نیز به سرعت به وسیله یگان‌های قرارگاه تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده حمزه آزاد گردید، یعنی همان کلیدی که صدام حسین رهبر عراق، آن را به عنوان هدیه کلید بصره نام برده بود، به دست نیروهای توانمند و از جان گذشته ایرانی افتاد. با اشغال

تپه‌های ابوصلیبی‌خات، یعنی محل استقرار سایت ۴ و ۵ نقاط برجسته و مسلط بر منطقه کارزار در دست رزمندگان ایران قرار گرفت که با این اقدام آنها توانستند بر اکثر قسمت‌های میدان نبرد در شرق چنانچه و دوسلک دیدبانی داشته و هدایت آتش توپخانه را رهبری کنند. با سقوط مواضع مستحکم لشکر ۱ مکانیزه و یگان‌های تحت امرش، سازمان دفاعی آنها به طور کامل از هم پاشید و یگان‌های زرهی و مکانیزه عراقی به طور نامنظم به عقب فرار کرده و عقب‌نشینی نمودند.

تقریباً حوالی ساعت ۰۸۰۰ بامداد بود که فعالیت‌هایی از نیروهای عراقی در برابر یگان‌های لشکر ۲۱ حمزه مشاهده شد که احتمال می‌رفت قصد پاتک به سمت غرب تپه‌های علی گره‌زد و حوالی روستای حسن بربوطی را داشته باشند؛ لذا فرماندهی قرارگاه کربلا ۲ با فراخواندن بالگردهای رزمی هوانیروز به میدان آماده گردیدند که در صورت کوچکترین حرکت یگان‌های عراقی به سمت واحدهای زرهی و مکانیزه عراق یورش برده و نسبت به انهدام ادوات زرهی آنها اقدام نمایند. اما قرائن و شواهد نشان می‌داد که نیروهای عراقی مشغول تحکیم مواضع پدافندی خود در قسمت غرب ارتفاعات ابوصلیبی‌خات و منطقه دوسلک و چنانچه شده‌اند.

هنوز ساعاتی نگذشته بود که قرائن و شواهد پاتک احتمالی نیروهای عراقی را نشان می‌داد. حوالی ساعت ۰۹۰۰ یک واحد زرهی سنگین ارتش عراق با وارد عمل کردن چند صد دستگاه تانک و نفربر بر آن شدند که در حوالی روستاهای حسن بربوطی و واوی به سمت جنوب شرقی و ارتفاعات سایت ۴ و ۵ مبادرت به پاتک نمایند. در اینجا بود که یگان درخواستی از هوانیروز وارد کارزار شدند و با پشتیبانی آتش هوایی به ماشین جنگی ارتش

عراق یورش آوردند. از سوی دیگر، فرماندهی قرارگاه نصر بنا بر حفظ موقعیت به دست آمده و جلوگیری از پاتک یگان های عراقی، یگان های احتیاط قرارگاه، شامل تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱ حمزه و تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ زرهی خوزستان را وارد منطقه نبرد کرد و آماده برای مقابله با عناصر پاتک کننده عراقی شدند، ولی با درهم ریخته شدن اوضاع و از دست رفتن کنترل و هدایت یگان های شکست خورده عراقی، عملاً موفق به اجرای پاتک نشدند. در نتیجه، توانستند ضمن حفظ مواضع متصرف شده تأمین تأسیسات رادار را نیز تأمین نمایند. هنوز در قسمت شرقی این ارتفاعات که در مقابل یگان های تحت امر قرارگاه فجر قرار داشت، نیروهای عراقی مبادرت به مقاومت می نمودند؛ لذا قرارگاه فجر از قرارگاه نصر درخواست نمود تا منطقه ای را که شامل حوالی آبادی های زغن و انگوش و شلش و دره خنگ بود از وجود نیروهای عراقی پاکسازی کنند.

فرماندهی قرارگاه نصر به این نتیجه رسید که برای قطع راه فرار نیروهای مقاومت کننده عراقی در مقابل قرارگاه فجر و پاکسازی منطقه لازم است از وجود یگان های تحت امر خود استفاده کند. به همین منظور، به فرماندهی تیپ ۳ لشکر ۲۱ ابلاغ شد تا به طرف آبادی شلش تغییر سمت داده و ضمن قطع کامل راه عقب نشینی نیروهای عراقی به سمت غرب، آنها را منهدم و یا به اسارت درآورند؛ لذا برای ایجاد هماهنگی در پیشروی یگان های تحت امر، به تیپ ۱ پیاده نیز دستور داد تا در حوالی سایت ۵ مواضع تعجیلی پدافندی اشغال و تا دستورات بعدی از ادامه پیشروی به سمت غرب خودداری گردد.

حوالی ساعت ۱۰۰۰، تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه گزارش نمود که یک یگان زرهی ارتش عراق با حدود ۵۰ دستگاه تانک، خود را تسلیم نیروهای این تیپ

نموده‌اند. از این ساعت به بعد بود که آثار قطعی شکست ارتش عراق در ارتفاعات ابوصلیبی خات نمایان گردید. در همین میان، سپاه پاسداران نیز گزارش نمود که یگان‌های تیپ ۲۷ مکانیزه لشکر ۱ مکانیزه عراق که در تپه‌های ابوصلیبی خات دفاع می‌کردند، به حالت فرار درآمده‌اند و نزدیک به نیم ساعت بعد مجدداً گزارش رسید که نیروهای یک گردان تانک و یک گردان توپخانه ارتش عراق با رها کردن وسایل و تجهیزات خود مبادرت به فرار نموده‌اند.

ساعتی بعد قرارگاه نصر گزارش می‌نماید که تیپ ۱ مکانیزه لشکر ۱ مکانیزه عراق به محاصره نیروهای تحت امرش درآمده‌اند و بالگردهای عراقی سعی در تخلیه فرماندهان تیپ را دارند. با از هم پاشیده شدن یگان‌ها و قطع ارتباط آنها، کنترل از دست فرماندهان عراقی خارج گردید و نیروهای آنها به سرعت در حال ترک میدان نبرد و فرار از منطقه بودند. در این روز بود که بیش از ۵۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند. در اینجا به تیپ ۳ پیاده لشکر ۲۱ حمزه نیز دستور داده شد آماده باشد پیشروی را به سمت غرب برای تصرف ارتفاعات برغازه ادامه دهد. با متلاشی شدن یگان‌های عراقی، نیروهای آنها یا به اسارت درآمده و یا به سرعت مبادرت به فرار نمودند تا شاید از این مهلکه جان سالم بدر ببرند.

با نگرش به تلاش فوق‌العاده‌ای که یگان‌های قرارگاه نصر، شامل لشکر ۲۱ پیاده حمزه و تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ زرهی خوزستان و تیپ ۳۷ زرهی شیراز و تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار و یگان‌های سپاه پاسداران در عملیات این روز انجام دادند، توانستند تا ساعت ۱۲۰۰ نقاط حساس تمام منطقه عملیات در تپه‌های علی گره‌زد و رادار و جنوب غربی دشت عباس را ضمن تصرف، تأمین نمایند، ولی هنوز سیل جمع‌آوری اسرا ادامه داشته و اکثراً خود را با ادوات زرهی و مکانیزه تسلیم نیروهای ایرانی می‌نمودند.

از حوالی ساعت ۱۵۰۰ آرامش نسبی بر منطقه نبرد حاکم گردید و به تدریج حالت سکون و رکود در منطقه عملیات ایجاد گردید و ضمن اتخاذ وضعیت پدافندی، ادامه نبرد برای تکمیل پاکسازی منطقه غرب شوش و دزفول از وجود نیروهای عراقی به روز بعد موکول شد. برای ادامه مأموریت، قرارگاه نصر با دریافت دستوری در ساعت ۱۴۰۰ مورخه ۱۳۶۱/۱/۷، مأموریت یافت برای ادامه عملیات در ساعت «س» روز «ر» تک کند و ارتفاعات غربی چنانه و ابوغریب را تصرف و تأمین نماید و باقیمانده نیروهای عراقی را در منطقه نابود ساخته و تک را تا ترمیم خط مرز ادامه دهد. در نهایت، یگان‌های تحت امر قرارگاه نصر امروز موفق شدند کنترل تپه‌های ابوصلیبی خات و رادار را به دست گرفته و نیروهای متجاوز را به سمت تپه‌های دوسلک و چنانه به عقب برانند و یا منهدم سازند و مواضع مستحکم پدافندی یگان‌های عراقی را که غیرقابل شکست محسوب می‌شد، در هم بشکنند.

در هفتم فروردین ماه ۱۳۶۱، نیروهای عراقی در مناطق شرقی ارتفاعات تینه و رقابیه، تار و مار شدند. باقیمانده آنها به مواضع پدافندی پیش‌بینی شده در منطقه چنانه و دوسلک و قسمتی از تپه‌های غربی ارتفاعات تینه عقب‌نشینی کردند. تا به امروز، آمار اسرای عراقی از مرز ۱۰۰۰۰ نفر گذشت، ولی هنوز تمام مأموریت کربلا ۲ به اتمام نرسیده است، زیرا برای رسیدن به خط سرخ که آخرین حد پیشروی تعیین شده بود، هنوز یک خیز دیگر لازم بود. به همین منظور، در ساعات پایانی روز، قرارگاه کربلا ۲ دستور جزء به جزء شماره ۳ خود را جهت ادامه عملیات تا دستیابی به هدف نهایی صادر کرد. در این دستور، تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه از ساعت ۱۶۰۰ روز هفتم فروردین ماه در کنترل عملیاتی لشکر ۷۷ پیاده پیروز خراسان قرار گرفت.

۱۳۶۱/۱/۸، هفتمین روز نبرد / ۱۰۳

قرارگاه عملیاتی کربلا ۲ مأموریت داشت در ساعت ۰۲۰۰ روز ۱۳۶۱/۱/۹ مبادرت به تک نموده و تپه‌های غرب چنانچه و دوسلک را تأمین و نیروهای عراقی را در منطقه منهدم و سپس در امتداد خط سرخ، یعنی دامنه غربی ارتفاعات پدافند نماید.

۱۳۶۱/۱/۸، هفتمین روز نبرد

در اجرای دستور صادره از قرارگاه کربلا ۲، قرارگاه نصر، بویژه یگان‌های ارتش، پاکسازی منطقه را آغاز کردند. نظر به اینکه قسمت عمده منطقه پاکسازی نشده در منطقه قرارگاه نصر نبود، ولی فعالیت و تلاش بی‌وقفه عناصر این قرارگاه با سرعت و شدت ادامه یافت، به نحوی که در حوالی ساعت ۰۹۳۰ تیپ ۲ پیاده لشکر ۲۱ حمزه گزارش داد روستاهای واوی و حسن بربوطی خالی از عناصر دشمن است و با کسب دستور آنها را متصرف شد.

عناصر قرارگاه نصر ضمن پاکسازی منطقه تا ساعت ۱۱۰۰ صبح موفق شدند مناطق شرقی ارتفاعات تینه را پاکسازی کنند و عناصر باقیمانده نیروهای عراقی را به اسارت درآورند. با توجه به فشار نیروهای عراقی در منطقه عین‌خوش، که تا ساعت ۱۱۰۰ ادامه داشت، به قرارگاه نصر دستور داده شد که تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار را به جناح جنوبی منطقه عین‌خوش اعزام نماید و مسئولیت قسمتی از ارتفاعات تینه را این تیپ عهده‌دار گردد تا از فشار بر عناصر قرارگاه قدس کاسته شود.

بالأخره چنانچه و دوسلک نیز به اشغال یگان‌های ایرانی درآمد و عناصر دشمن نیز به ناچار به طرف برغازه و غرب آن، که آبادی شیخ حاوی بود، فرار کردند. کمتر از نیم ساعت بعد عناصر قرارگاه نصر وارد منطقه چنانچه و

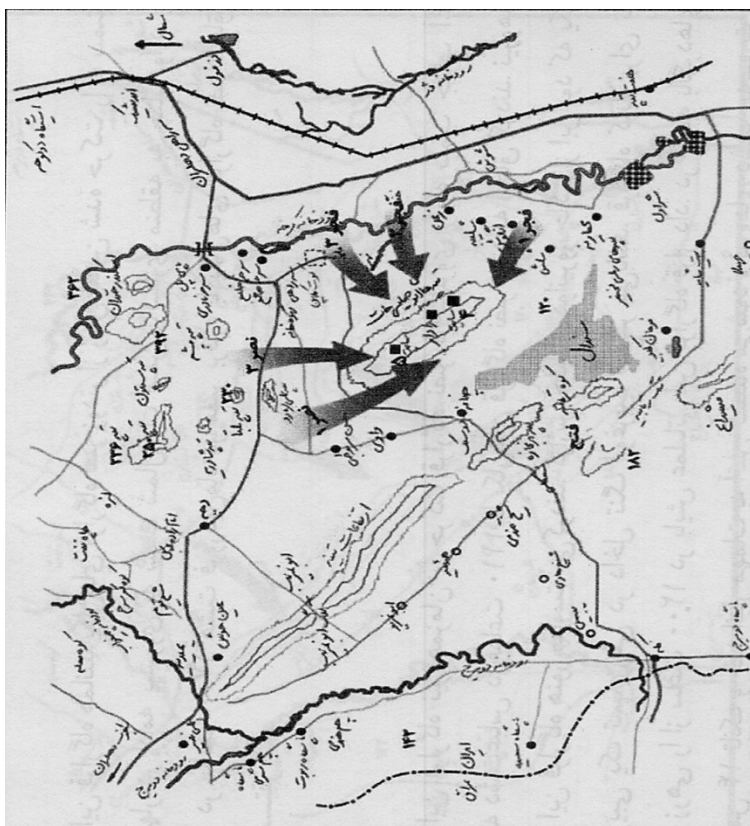
دوسلک شدند و تپه دوسلک به تصرف عناصر قرارگاه نصر درآمد. بنا به اخبار واصله، نیروهای عراقی از تپه برغازه به طرف غرب و به سمت رودخانه دویرج و فکه در حال عقب‌نشینی بودند. بدین ترتیب، آخرین موضع مقاومت نیروهای عراقی در هم شکسته شد و نیروهای سرافراز ایرانی به آخرین حد پیشروی تعیین شده در دستور عملیاتی کربلا ۲ که دامنه غربی ارتفاعات تینه و دوسلک و رقابیه به نام خط سرخ بود، رسیدند و نیروهای ایرانی موفق شدند در ظل توجه و عنایات الهی و با دعای خیر مردم عزیز ایران، با پیروزی قاطع، عملیات غرورآفرین فتح المبین را به انجام رسانده و برگ‌های زرین بر تاریخ سراسر افتخار ایران بیفزایند.

نتیجه حاصل از عملیات غرورآفرین فتح المبین

۱. آزادسازی ۲۲۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران اسلامی، شامل منطقه عین‌خوش، ارتفاعات پلتا، شاوریه، علی گره‌زد، ابوصلیبی‌خات، تینه، برغازه، میشداغ و چاه‌های نفتی ابوغریب و برغازه.
۲. کشته و زخمی شدن حدود ۲۵۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی.
۳. به اسارت درآوردن بیش از ۱۶۰۰۰ نفر از نیروهای متجاوز عراق.
۴. انهدام ۲۷۰ دستگاه تانک، ۱۵۰ دستگاه نفربر، ۶ فروند هواپیمای جنگنده، ۳ فروند بالگرد ارتش عراق.
۵. به غنیمت گرفتن تعداد ۱۵۰ دستگاه تانک، ۱۷۰ دستگاه نفربر، ۱۲۵ عراده توپ، ۵۰۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین و هزاران قبضه سلاح سبک و تجهیزات و لوازم مخابراتی و خمپاره‌انداز.

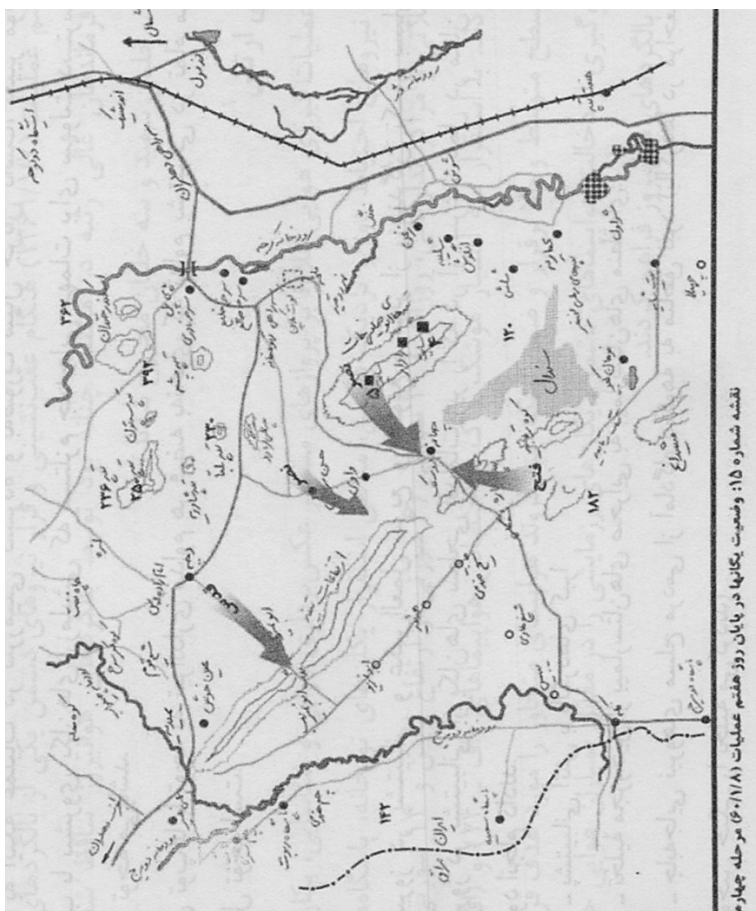


عملیات آفندی فتح المبین (طرح عملیاتی کربلا ۲) - ۱۳۶۱/۱/۲



وضعیت یگان‌ها در پایان روز ششم عملیات (۶۰/۱/۷) مرحله سوم

نتیجه حاصل از عملیات غرورآفرین فتح المبین / ۱۰۷



وضعیت یگان‌ها در پایان روز هفتم عملیات (۶۰/۱/۸) مرحله چهارم

اهم اقدامات و فعالیت‌های قبل از اجرای عملیات فتح المبین

اجرای عملیات‌های محدود، هرگز باعث نمی‌گردید که نیروهای ایران اسلامی به سادگی بتوانند در مدت زمان کوتاه، ارتش متجاوز عراق را از خاک کشور خارج نمایند؛ لذا فرماندهان نظامی به این نتیجه رسیدند که برای خارج کردن دشمن متجاوز، حتماً عملیات‌های بزرگ و گسترده بایستی به مورد اجرا گذاشته شود و این عملیات‌ها مستلزم طرح‌ریزی‌های جامع بوده تا یگان‌های تک‌ور را به سمت اهداف مورد نظر هدایت نماید؛ لیکن به همین منظور، ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از موفقیت در امر بازدارندگی ماشین جنگی عراق، به سرعت به سمت پیدا کردن مأموریت خود گام برداشت. نیاز اولیه ارتش ایران، تأمین نیروی انسانی و سازماندهی بود. ولی به حق نمی‌توان از مدیریت بالا و کارآمد فرماندهان روزهای اولیه جنگ به سادگی گذشت. در این روزهای بحرانی و مشقت‌بار، این فرمانده بود که روحیه و شوق مبارزه جویی را در جهت ایستادگی مقاومت در برابر نیروهای متخاصم عراقی در وجود سربازان تحت امر خود القاء می‌کرد، وگرنه فقدان امر مدیریت در فرماندهی باعث می‌گردید که سربازان روحیه دفاعی خود را در برابر نیروهای عراقی به ورطه فراموشی بسپارند.

فرماندهان ارتش ایران در طی مقابله با نیروهای عراقی به سرعت به نقاط ضعف و برجسته یگان خود واقف شدند و در دانشگاه واقعی جنگ به خوبی توانستند ضمن تقویت نقاط برجسته خود، نسبت به رفع نقاط ضعف یگان‌های تحت امر خود اقدام نمایند. تصمیم‌گیری بجا و منطقی و فوری در فرماندهی میدان رزم باعث شد که ارتش ایران به سرعت بتواند بر مشکلات اولیه خود غلبه کند و راه موفقیت را در مقابل ماشین جنگی و مجهز و آموزش‌دیده عراق در پیش گیرد.

آل‌وین تافلر در کتاب «جابجایی در قدرت» چنین اظهار می‌دارد که: «قدرت از آن کسی است که از دانش یا علم برخوردار است.» ولی در اینجا من می‌گویم قدرت از آن کسی است که انگیزه بحق و راستین دارد، زیرا هیچ چیز و هیچ کس در برابر حق، تاب مقاومت ندارد و در نهایت، حق به حقدار خواهد رسید. در این میدان رزم و مبارزه نابرابر، فرماندهان ارتش ایران نیز همانند سایر سربازان از امکانات ابتدایی و ساده برخوردار بودند، ولی در ارتش عراق وضعیت برعکس بود. همین سادگی و ساده‌زیستی باعث می‌شد که مدیریت و رهبری میدان نبرد با تمام وجود مورد پذیرش و قبول سربازان ایرانی باشد. متأسفانه باید اذعان داشت که عدم شناخت به مسائل نظامی باعث می‌گردید که ناآگاهانه در امور فرماندهی دخالت شود و پایه و اساس مدیریت رزم با تزلزل مواجه گردد.

فرماندهان ارتش ایران با دیدی باز به جوانب خود نگاه می‌کردند و به این حقیقت واقف شده بودند که تنها صرف برتری سلاح و تجهیزات نیست که باعث موفقیت می‌شود. فرمانده ایرانی به این نتیجه رسید که هرگاه احساس کند نیروهای دشمن با توجه به سلاح و تجهیزات مدرن روز و توان رزمی بالا، بر وی برتری دارد، به این مسئله نیز فکر می‌کند که او نیز در مقابل نیروهای دشمن دارای برتری‌هایی می‌باشد که دشمن مقابل از آن بی‌بهره است. ایمان، انگیزه، روحیه عالی، جسارت و شجاعت و شهامت، عدم ترس از مرگ، روحیه ایثار و شهادت‌طلبی سرباز ایرانی عواملی هستند که می‌تواند او را در امر هدایت یگان در عملیات‌ها کمک نماید تا در فرصتی مناسب، با زیرکی و هوشیاری و تدبیر صحیح و بجای، بر ماشین قدرتمند جنگی دشمن غلبه نماید و باعث تضعیف روحیه و عدم میل و رغبت به رزم در وجود نیروهای دشمن گردد. ما مشاهده کردیم که نیروهای عراقی با عناصر لشکر ۹۲ زرهی و گروه رزمی ۳۷ شیراز و گردان ۱۳۸ پیاده تیپ ۱

لشکر ۲۱ حمزه، هرگز قابل قیاس نبودند، ولی با مدیریت صحیح فرماندهان مربوطه و از جان گذشتگی افسران، درجه‌داران و سربازان جان بر کف خود موفق شدند، در برابر سپاه سوم ارتش عراق، که متشکل از پنج لشکر بود، مقاومت و ایستادگی نمایند و در نهایت، کنترل عملیات را در دست گیرند تا در فرصت مناسب با وارد کردن ضربات مهلک بر پیکره ماشین جنگی عراق، آنان را از خاک ایران عزیز بیرون برانند.

با شناخت بیشتر، فرماندهان میدان به دنبال سازماندهی صحیح و آموزش رفتند، زیرا ترکیب و تلفیق اساسی نیروی انسانی با تجهیزات و وسایل رزم، توأم با انضباط، آموزش، سازماندهی صحیح و پاره‌ای از فاکتورهای نظامی باعث می‌گردد که توان رزمی یک ارتش نسبت به ارتش مقابل در سطح بالاتری قرار گیرد.

اکنون بعد از گذشت قریب به یک سال، باید با اجرای عملیات آفندی نیروهای دشمن را درهم شکست؛ لذا اجرای یک عملیات بزرگ همانند عملیات غرورآفرین فتح المبین، مستلزم طرح‌ریزی یک برنامه جامع و اساسی می‌باشد.

به منظور آشنایی و شناخت اقدامات قبل از عملیات، اهم آنها به طور مشروح بیان می‌گردد.

آشنایی و شناخت فرماندهان ارتش قرارگاه عملیاتی کربلا ۲

۱. قرارگاه کربلا: سرهنگ توپخانه علی صیادشیرازی
۲. قرارگاه قدس: سرهنگ زرهی ستاد امرالله شهبازی
۳. قرارگاه نصر: سرهنگ پیاده حسین حسینی سعدی
۴. قرارگاه فجر: سرهنگ توپخانه ستاد عظیم ازگمی
۵. قرارگاه فتح: سرهنگ زرهی ستاد مسعود منفرد نیایی

فعالیت و اقدامات به عمل آمده توسط یگان‌ها قبل از اجرای مأموریت

این فعالیت و اقدامات در دو بخش قابل مطرح کردن است.

بخش اول: فعالیت و اقدامات به عمل آمده توسط یگان‌ها قبل از مأموریت تا شب عملیات (ساعت ۰۰۳۰ مورخه ۱۳۶۱/۱/۲).

بخش دوم: نحوه اجرای عملیات (از ساعت ۰۰۳۰ مورخه ۱۳۶۱/۱/۲ تا پایان عملیات).

اقدامات عملیات را می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود.

۱. اقدامات قبل از عملیات.

۲. اقدامات حین عملیات در جهت تحقق پیروزی.

البته لازم به توضیح است که تمام این دو مرحله اقدامات برای پیروزی اولیه عملیات است و بعد از موفقیت در مرحله اول عملیات، تداوم عملیات بستگی به موفقیت عملیات اولیه دارد.

۱- اقدامات قبل از عملیات

الف- سازماندهی

(۱) تشکیل گروهان‌های چهارم برای گردان‌های رزمی

(۲) تشکیل گردان‌های سری ۸۰۰ با استفاده از گروهان‌های چهارم

گردان‌ها و سایر عناصر لازم.

(۳) تشکیل دسته مهندسی حفار برای کندن تونل (مثل اقدام به

کندن تونل در منطقه کانال هندلی).

(۴) تشکیل تیم‌های عملیاتی به شرح ذیل:

(الف) تیم حمل مجروح

(ب) تیم حمل مهمات

(ج) تیم تخلیه شهدا

(د) تیم تخلیه اسرا

(هـ) تیم تخلیه غنائم به دست آمده

(۵) تعیین تیم‌های باز کردن معابر میدان مین

(۶) تیم مهندسی جهت ایجاد و احداث خاکریز در بین شکاف یگان‌ها

(۷) تشکیل یک تیم مهندسی که با کمک جهاد سازندگی نسبت به زدن خاکریز خط نور اقدام نماید.

(۸) تشکیل تیم‌های جمع‌آوری و تخلیه غنائم به دست آمده از دشمن

(۹) تشکیل تیم کفن و دفن کشته‌شدگان دشمن و پیش‌بینی یک محل برای گورستان

(۱۰) سازمان دادن خمپاره‌انداز ۶۰م و دراگون در دسته‌های پیاده نظام

ب- آموزش: یک فرمانده باید بداند در میان عوامل تشکیل‌دهنده توان رزمی توجه به امر آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

(۱) تشکیل کلاس‌های جنگ‌افزار و اجرای تیراندازی در پشت

جبهه، بالأخص بالا رفتن آموزش سربازان جدیدالورود به یگان‌ها و شناخت آنها با سلاح‌های سازمانی

(۲) تشکیل کلاس تاکتیک و رهبری در رده گروهان و گردان در داخل پاسگاه‌های گروهان‌ها و گردان‌ها

(۳) تشکیل کلاس‌های تاکتیک و طراحی در رده گردان در پاسگاه فرماندهی تیپ به صورت شورهای ستادی و کار روی جعبه شنی

(۴) تهیه زمین‌های مشابه عملیاتی برای هر گردان به طور جداگانه در مناطق بُنه‌های گردان‌ها و تمرین یگان‌ها به صورت مداوم

(۵) آشنا نمودن روحیات یگان‌های ادغامی (ارتش و سپاه) و تمرینات لازم

فعالیت و اقدامات به عمل آمده توسط یگان‌ها قبل از اجرای مأموریت / ۱۱۳

(۶) تشکیل کلاس‌های آموزشی کاربرد جنگ‌افزارها و رزم انفرادی برای نیروهای سپاه و بسیجی

(۷) تشکیل کلاس‌های دیدبانی و آموزش تاکتیکی برای دیدبان‌های یگان‌های توپخانه و فرماندهان گردان

(۸) تشکیل کلاس‌های آموزشی موانع با تأکید بر پاکسازی و شناخت کلیه مین‌های مورد استفاده در ارتش عراق

(۹) آموزش کارکنان مخابراتی و تمرین شدید بر کاربرد و استفاده از کُد مخابراتی

(۱۰) آشنایی نیروها با جنگ‌افزارهای ارتش عراق، بویژه جنگ‌افزارهای سبک و ضدتانک

(۱۱) آموزش و تمرین عملی چگونگی برقراری ارتباط باسیم در عملیات شبانه با توجه به اهمیت اصل غافلگیری در جهت جلوگیری از کشف تک

(۱۲) هم‌محور کردن کلیه سلاح‌های ضدتانک (آپی‌جی‌۷، تفنگ ۵۷م، تفنگ ۱۰۶م)

(۱۳) شناخت فرمانده گروه با ذکر نام و نشان و صدای آنها

ج- مهندسی

د- امور آماد و پشتیبانی (لجستیکی)

(۱) تحویل جیره اضطراری و ۴۸ ساعته و ابتکاری (بسته‌های نخود و کشمش و نقل اهدایی مردم)، کنسرو ماهی و انواع کنسروها به منظور استفاده از آن در زمان نرسیدن غذا

(۲) تشکیل تیم‌های حمل آب در رده دسته‌های تک‌ور

(۳) تشکیل تیم‌های حمل مهمات در رده دسته

- (۴) جابجایی بُنه گروهان و گردان‌ها از شرق رودخانه کرخه به طرف غرب رودخانه کرخه
- (۵) پیش‌بینی حمل و تحویل غذای گرم به یگان‌های تک‌ور در صحنه عملیات
- (۶) جابه‌جایی آشپزخانه گردان‌ها از شرق رودخانه به طرف غرب و بنه گردان‌ها در غرب رودخانه کرخه
- (۷) تحویل نوارهای پارچه‌ای حمل فشنگ به نفرات تک‌ور جهت تمیز ماندن فشنگ‌ها در حین عملیات
- (۸) تشکیل بنه‌های رزمی گردان‌ها و بنه گروهان‌ها در جلو
- (۹) دیو کردن مهمات در امتداد محورهای پیشروی
- (۱۰) تکمیل بار همراه انفرادی و مبناء گروهان‌ها و گردان‌ها
- (۱۱) تشکیل پاسگاه‌های امدادی در امتداد محور عملیات
- (۱۲) پیش‌بینی کمپ اسرا
- (۱۳) تهیه پد هلی‌کوپتر در عقبه یگان‌ها
- (۱۴) ایجاد آماد راه‌های اصلی در عقب هر گردان عمل‌کننده

ه- اطلاعات

- (۱) درخواست عکس هوایی از منطقه و تکمیل اطلاعات آن توسط دیدبان‌های توپخانه، عناصر گشتی‌های شناسایی و شناسایی‌های انجام‌شده توسط فرماندهان دسته، گروهان، گردان، تیپ و افسران عملیات و اطلاعات
- (۲) جمع‌آوری اطلاعات ابتکاری از عمق منطقه
- (۳) شناسایی کلیه محورهای عبور جهت پاک کردن موانع و میادین مین برای روزها و شب‌های عملیات

فعالیت و اقدامات به عمل آمده توسط یگان‌ها قبل از اجرای مأموریت / ۱۱۵

- (۴) شناسایی فرماندهان تا رده گروه از منطقه عملیات واگذاری، از روی زمین، نقشه، جعبه شنی و عکس هوایی
- (۵) شناسایی کلیه فرماندهان از یگان‌های همجوار
- (۶) شناسایی یگان احتیاط از کلیه مناطق مورد اقدام عمل تیپ
- (۷) پیاده کردن همه اطلاعات در روی جعبه شنی در رده تیپ و انتقال گزارش روزانه عناصر گشتی‌های شناسایی بر روی آن و تغییرات لازم با توجه به اطلاعات از رده‌های بالاتر با توجه به تطبیق آن با شناسایی حضوری

- (۸) توجیه کلیه فرماندهان تا رده تیم، بر روی جعبه شنی به منظور آگاهی کامل از منطقه عملیاتی واگذاری
 - (۹) تبادل اطلاعات با یگان‌های همجوار
 - (۱۰) اعزام عناصر ویژه برای استراق سمع و کمین جهت گرفتن اسیر در لحظات آخر قبل از عملیات به منظور کسب آخرین اطلاعات از وضعیت نیروهای عراقی
- و- پرسنلی**

- (۱) تحویل پلاک هویت به تمام پرسنل رزمنده
- (۲) تهیه کارت شناسایی برای تمام پرسنل و قرار دادن در جیب آنها
- (۳) نوشتن مشخصات کامل پرسنل بر روی بلوز، شلوار، کلاه و بوتین و تجهیزات آنها
- (۴) انجام سخنرانی‌های مذهبی و ملی به منظور بالا بردن روحیه تهاجمی در کلیه رده‌ها
- (۵) نصب نوار شب‌رنگ به پشت کلاه آهنی افراد
- (۶) آموزش‌های انفرادی به منظور چگونگی رفتار با اسرا
- (۷) تکمیل عناصر کلیدی و حساس یگان‌های تک‌ور

ز- عملیات

- (۱) تهیه برآوردهای عملیاتی در سطح تیپ و گردان (در سطح تیپ به صورت کتبی و در گردان‌ها به صورت شفاهی)
- (۲) شرکت در جلسات شورهای ستادی لشکر و انجام هماهنگی‌های لازم با یگان‌های همجوار
- (۳) مشخص کردن مأموریت رده‌ها تا گروه و تیم به صورت تهیه کروکی و دستورات حضوری
- (۴) تهیه دستور عملیاتی در رده تیپ با ضmann و ملحقات مربوطه (طرح آتش، طرح حرکت، تهیه طرح‌های مراحل دوم و سوم با اطلاعات موجود)
- (۵) گشودن معابر میدان مین برای عبور یگان‌ها برای هر گروهان ۳ الی ۴ معبر
- (۶) حفر تونل زیرزمینی در سمت کانال هندلی به طول حدود ۴۵۶ متر در منطقه پدافندی گردان ۱۳۱ پیاده
- (۷) ایجاد محل نگهداری مهمات در داخل تونل حفرشده و محل اورژانس و کمک‌های اولیه
- (۸) برقراری روشنایی به وسیله موتور برق اضطراری و لوله‌کشی جهت دمیدن هوا به داخل تونل
- (۹) ثبت آتش توپخانه و سلاح‌های پشتیبانی آتش توپخانه بر روی نقاط حساس دشمن
- (۱۰) تنظیم تیر نشان‌شده تانک، سلاح‌های ضدتانک، تیربارها بر روی مواضع دشمن
- (۱۱) ادغام یگان‌ها با نیروهای بسیج مردمی و سپاه پاسداران
- (۱۲) پیش‌بینی و رفع مشکلات وحدت فرماندهی در رده پایین

فعالیت و اقدامات به عمل آمده توسط یگان‌ها قبل از اجرای مأموریت / ۱۱۷

- (۱۳) آماده کردن یگان‌ها قبل از ساعت حرکت و بازدید افسران رابط رده‌های تیپ به بالا
- (۱۴) رعایت کلیه اقدامات حفاظتی به منظور جلوگیری از کشف تک
- (۱۵) اصول اطمینان از برقراری ارتباط مطمئن در طول عملیات
- (۱۶) جلوگیری شدید از برقراری ارتباط بی‌سیم قبل از شروع تک
- (۱۷) به جلو بردن مواضع خمپاره‌اندازها، مینی کاتیوشاها (۱۰۷م) و توپخانه ۴۸ ساعت قبل از اجرای عملیات
- (۱۸) هماهنگی لازم با افسران ناظر مقدم هوایی و هوانیروز
- (۱۹) تشکیل مراکز تطبیق آتش‌ها در گردان‌ها و تیپ

۲- اقدامات بعد از عملیات

الف- هدایت یگان‌ها در دو محور اصلی (محور سواره قهوه‌خانه و تپه چشمه) توسط دو گروه هدایت‌کننده از تیپ

ب- سقوط کانال هندلی در ساعت ۰۱۲۵ مورخه ۱۳۶۱/۱/۲ توسط گروهان ۱ گردان ۱۳۱ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده حمزه به فرماندهی ستوان یکم پیاده احمد آرام و سقوط سرخه فلیه توسط گر ۲ گد ۱۳۱ پیاده به فرماندهی ستوان یکم امیرعلی رسولی در ساعت ۰۳۳۰ مورخه ۱۳۶۱/۱/۲

ج- سقوط محور وسط (میانی) توسط گردان ۸۰۳ پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده حمزه و سپاه پاسداران (گردان سلمان تیپ ۷ ولیعصر دزفول)

شایان ذکر است که گردان ۸۰۳ پیاده در روی محور نادری - سواره قهوه‌خانه در حال حرکت بود که پس از سقوط خاکریز اول، فرمانده گروهان یگان عمل‌کننده ستوان یکم پیاده بهمن شرفیانی مجروح و از صحنه عملیات خارج گردید. گروهان مزبور توسط معاون عملیاتی تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده

حمزه، سرهنگ پیاده ستاد علی نیکفرد تا سهراب قهوه‌خانه هدایت گردید و با گر ۲ گد ۱۳۱ پیاده عمل الحاق را انجام داد و گردان سلمان تیپ ۷ ولیعصر (عج) دزفول در محور همجوار گردان ۸۰۳ پیاده به عملیات ادامه داده و در حوالی ساعت ۰۴۰۰ الی ۰۴۳۰ مورخه ۱۳۶۱/۱/۲ کارخانه شن واقع در محور پل هفت دهنه و سهراب قهوه‌خانه به تصرف نیروهای ایرانی درآمد.

د- محور سمت راست تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه ارتفاعات تپه چشمه قرار داشت. در این محور به علت مقاومت شدید و سرسختانه نیروهای عراقی از منطقه همجوار تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار، گردان ۱۴۰ تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه با کندی حرکت مواجه شده و با رزم نزدیک نبردی سخت و تن به تن با اجرای آتش پشتیبانی گردان ۱۴۰ پیاده، گروهان دوم گردان ۱۴۰ تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده حمزه به فرماندهی ستوان یکم پیاده منوچهر کرباسی زاده موفق گردید در ساعت ۰۵۰۰ مورخه ۱۳۶۱/۱/۲ خط دفاعی مستحکم نیروهای عراقی را درهم شکسته و ارتفاعات ۲۱۲ و ۲۴۰ تپه چشمه را به تصرف درآورده و به طرف جاده دهلران و پل هفت دهنه در سمت چپ ارتفاعات علی گره زد پیشروی کند و روی محور سهراب قهوه‌خانه - دشت عباس (پل نادری - عین خوش) مستقر گردد و در آنجا به دستور معاون عملیاتی تیپ، سرهنگ ستاد علی نیکفرد وضعیت پدافندی اتخاذ گردید.

ه- از ساعت ۰۷۳۰ مورخه ۱۳۶۱/۱/۲ یگان مهندسی مأمور اجرای خاکریز خط نور در محل مستقر و شروع به احداث خاکریز مزبور نمود.
و- در ساعت ۰۹۳۰ بامداد همان روز، پاسگاه فرماندهی تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده حمزه به فرماندهی سرهنگ پیاده علی رزمی در ارتفاعات علی گره زد برقرار گردید.

ز- یگان‌ها پس از استقرار در خط نور و انجام عمل الحاق با تیپ ۳ لشکر ۲۱ پیاده حمزه، مبادرت به تجدید سازمان و حرکت دادن یگان‌های

فعالیت و اقدامات به عمل آمده توسط یگان‌ها قبل از اجرای مأموریت / ۱۱۹

پشتیبانی و آمادی به جلو نمودند و برای اجرای مراحل بعدی عملیات آفندی آماده شدند.

ح- یگان‌ها و عناصر پیش‌بینی شده برای جمع‌آوری غنائم و پاکسازی مناطق متصرفه، فعالیت‌های خود را بلادرنگ آغاز نمودند و منطقه عملیات را تا ساعت ۱۲۰۰ همان روز پاکسازی و آماده اجرای مأموریت بعدی گردیدند.

ط- فرمانده تیپ ۱ سرهنگ پیاده علی رزمی برای گرفتن دستور مجدد به قرارگاه نصر احضار و یگان‌های شناسایی تیپ زیر نظر معاون عملیاتی تیپ سرهنگ ستاد علی نیکفرد و افسران عملیات و اطلاعات تیپ جهت شناسایی به جلو اعزام شدند.

ی- به منظور کاربرد مؤثرتر، کلیه نفرات رزمنده، حتی فرمانده گروهان از سلاح سازمانی ژ ۳ بایستی استفاده می‌نمود.

توصیه:

ملت غیور ایران باید بداند که، متأسفانه کسانی که در زمان و صحنه جنگ حضور نداشتند و یا در برابر آنان کمبود داشتند، در خصوص عملکرد ارتش جمهوری اسلامی ایران دست به قضاوت زدند، در صورتی که اگر قدری تعمق کنند و شرایط واقعی را در نظر بگیرند، پی خواهند برد که فرماندهان وقت ارتش، در آن شرایط سخت و بحرانی و عملیات روانی مخرب، به خوبی توانستند اوج هنر جنگ را به عرصه نمایش گذارند و نیز توانستند بر اوضاع نابه‌سامان میدان نبرد نابرابر غلبه کنند و به تدریج خواسته خود را به طراحان جنگی دشمن تحمیل کردند، در حالی که، این ارتش از هرسو مورد تهاجم اتهامات وابستگی به رژیم شاهنشاهی گذشته قرار داشت و آنان که چنین کردند، مدیون خون پاک شهدا و ایثار جانبازان دلاور ارتش جمهوری اسلامی خواهند بود و پاسخگو به درگاه باری تعالی.

تحلیلی بر عملکرد ارتش ایران از آغاز جنگ تا پایان عملیات غرورآفرین فتح المبین

ارتش ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شدت با مشکلاتی مواجه گردید. این ارتش از داخل و بیرون از کشور مورد حمله قرار گرفته بود. افراد مغرض و نفوذی بیگانگان همیشه خواستار انحلال ارتش بودند، زیرا در آن برهه از زمان تنها سازمانی بود که به خوبی می‌توانست به ساختار خود رسیدگی نماید. هرچند این ارتش به خصوص نیروی زمینی در شرایط بحرانی و از هم‌پاشیدگی قرار داشت، ولی در هر حال با رقه‌امیدی برای سیاست‌مردان ایران محسوب می‌گردید.

به جرأت می‌توان اظهار داشت و گفت که انقلاب اسلامی ایران در حقیقت مرهون تلاش، از خودگذشتگی و ایثار کارکنان ارتش است که توانست به سرعت این سازمان عظیم نظامی را حیاتی دوباره بخشد، زیرا کارکنان ارتش توانستند به اوضاع ناامن کشور امنیت نسبی دهند.

من در خصوص شخصیت و عملکرد رئیس جمهور وقت دکتر سیدابوالحسن بنی‌صدر از جنبه سیاسی آن به هیچ وجه کار نداشته و بلکه از دیدگاه یک فرد نظامی به عملکرد و رویدادهای زمان وی از جنبه نظامی می‌پردازم، زیرا شخص بنی‌صدر از نظر نظامی فاقد تخصص و تجربه بود. در کنار عملکرد سیاسی وی و جو نارضایتی ایجاد شده بر جناح مذهبی، در آن زمان پاره‌ای از عملکردهای وی از نظر راهبرد نظامی درست و منطقی بود. او سعی داشت که از یک نیرویی که تا چندی پیش قدرت اول منطقه بود، ولی اکنون کارکنان پایور آن احساس سرخوردگی می‌کردند از این حالت نجات داده و ارتش را به رسالت و وظیفه ذاتی خود که همانا پاسداری و حراست از مرزها و کیان اسلامی کشور است بازگرداند، که این اقدام در آن

شرایط زمانی پس از انقلاب به شدت بحث‌برانگیز و حتی می‌توان گفت از دیدگاه بعضی از مسئولین احتمال خطرآفرینی وجود داشت. ارتش ایران بعد از پیروزی انقلابی اسلامی از هرسو مورد تهاجم حرف و حدیث و بدگویی از طریق افرادی از داخل و خارج از کشور قرار داشت که به شدت بر روحیه کارکنان آن تأثیرات سوء گذاشته بود. ولی بنی‌صدر با استفاده از تجربه و دانش نظامی فرماندهان وقت، سعی کرد که غرور نظامیان را به آنان بازگرداند، ولی این اظهارنظر و پیشنهادهای ارائه شده توسط فرماندهان بر وفق مراد خیلی از افراد داخل کشور نبود و تمام تشویقات و تنبیه‌ها و راهکارهای احیای ارتش توسط وی با ارائه گردشکار و پیشنهاد ارائه می‌شد و ما دیدیم که حضرت امام(ره) نیز بر نظر او در مورد تنبیه‌ها و تشویقات صحنه می‌گذاشتند و دستورات او را به عنوان یک مسئول پذیرا بودند، زیرا ایشان بنی‌صدر را به سمت فرماندهی کل قوا منصوب و اختیارات را به وی تفویض نموده بودند.

هر چند ارتش ایران در آن شرایط، روزهای سختی را سپری کرد، ولی به حق نمی‌توان از مدیریت بالا و کارآمد فرماندهان روزهای اولیه انقلاب و جنگ به سادگی گذشت. در این روزهای بحرانی و مشقت‌بار، این فرمانده بود که روحیه و انگیزه مقاومت و مبارزه‌جویی را در جهت ایستادگی و پایداری در مقابل عناصر ضدانقلاب و نیروهای متخاصم ارتش بعث عراق در وجود سربازان تحت امر خود القاء می‌کرد، وگرنه فقدان در امر مدیریت و فرماندهی باعث می‌گردید که سربازان روحیه تدافعی خود را در مقابل نیروهای ضدانقلاب و متجاوزین بعثی به ورطه فراموشی بسپارند. تصمیم‌گیری بجا و منطقی و فوری فرماندهی میدان رزم باعث شد که ارتش ایران به زودی بتواند بر مشکلات اولیه خود غلبه کند و راه موفقیت را در مقابل ماشین جنگی مجهز و آموزش‌دیده ارتش عراق در پیش گیرد.

هرچند فرماندهان وقت، فاقد تجارب کافی در میادین نبرد بودند، ولی هوش و ذکاوت و دانش آنان، سبب شد که فرماندهان در طی مقابله با نیروهای ارتش بعث عراق به سرعت به نقاط ضعف و برجسته یگان خود به خوبی واقف شوند و در دانشگاه میدانی جنگ به خوبی توانستند ضمن تقویت نقاط برجسته خود، نسبت به رفع نقاط ضعف یگان‌های تحت امر نیز اقدام نمایند.

از نظر تئوری پردازان نظامی، یک فرمانده در میدان رزم و کارزار، تنها یک فرمانده نیست، بلکه یک رهبر واقعی است. فرماندهان ایرانی ضمن داشتن اختیارات قانونی، از نبوغ ذاتی خویش نیز در امر هدایت یگان جهت اجرای هرچه بهتر مأموریت استفاده کردند و سرنوشت جنگ را با از کارانداختن پیشروی موتور ماشین جنگی ارتش عراق در کمتر از یک هفته با حداقل امکانات، دشمن را وادار به اتخاذ مواضع پدافندی نمودند. به عنوان نمونه فرماندهانی همچون سرهنگ پیاده ستاد زین‌العابدین ورشوساز، سرهنگ پیاده حسین حسینی‌سعدی، سرهنگ پیاده ستاد بهروز سلیمان‌جاه، سرهنگ پیاده علی رزمی، سرهنگ پیاده ستاد سعید پورداراب، سرهنگ پیاده ستاد علی نیکفرد، سرهنگ پیاده ستاد نورالدین مکی و سایر فرماندهان در لشکر ۲۱ پیاده حمزه به حق از افسران و فرماندهان شایسته و مقتدری بودند که توانستند با نیروهایشان در مقابل لشکرهای ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه دشمن در منطقه غرب رودخانه کرخه حماسه‌آفرینی نمایند و حماسه‌ساز تاریخ این مرز و بوم شوند.

صدام حسین آیا می‌دانست دست به چه کاری زده است و آیا می‌دانست عواقب شوم آن گریبان خود و ملتش را خواهد گرفت. زیرا جنگی که با هدف نادرست راه‌اندازی شود، عاقبت شومی دارد و شومی آن، گریبان آن سرزمین را نیز خواهد گرفت.

در اینجا باید به جرئت اذعان نمود که در نهایت، این دستان سربازان ایرانی بود که گنجینه و کلید موفقیت ارتش ایران در این نبرد نابرابر شدند. این شجاعت، ایثار و از خودگذشتگی و روحیه شهادت طلبی در وجود آنان بود که باعث گردید از کیان ایران اسلامی و سرزمین مادریشان به خوبی دفاع و حراست نمایند.

سربازان ایرانی به خوبی می دانستند که جسم و جانشان هرگز تعلق به خودشان ندارد، بلکه وقتی لباس مقدس سربازی را به تن پوشانند، جسم و جانشان تعلق به سرزمین ایران و ملت عزیز آن و به خصوص اهداف عالی اسلام دارد. آنها به حق موفق شدند چهره راستین خود را در دفاع از کیان ایران اسلامی به عرصه نمایش گذارند تا آیندگان بدانند که نیاکانشان چگونه در راه اهدافشان جانفشانی کردند.

صورت اسامی فرماندهان گروهان‌ها و گردان‌های تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده حمزه در آغاز حمله سراسری ارتش عراق به خاک ایران اسلامی تا عملیات غرورآفرین فتح المبین

فرماندهان تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده حمزه در زمان آغاز جنگ تحمیلی ۵۹/۶/۳۱

۱- سرهنگ پیاده ستاد بهروز سلیمانجاء فرمانده تیپ. شش ماه قبل از عملیات فتح المبین سرهنگ پیاده علی رزمی به فرماندهی تیپ ۱ منصوب گردید. سرهنگ سلیمانجاء به سمت معاون عملیاتی لشکر منصوب گردید.

۲- سرهنگ پیاده ستاد سعید پورداراب معاون عملیاتی تیپ ۱ (ایشان نیز حدود شش ماه قبل از عملیات فتح المبین به فرماندهی تیپ ۳ لشکر ۲۱ پیاده منصوب و سرهنگ ستاد علی نیکفرد به این سمت منصوب گردید)

گردان ۱۳۱ پیاده

- | | |
|----------------------------------|------------------------------|
| ۱- سرگرد محمود خوشدل | فرمانده گردان |
| ۲- سرگرد یوسف یوسفی | معاون گردان |
| ۳- ستوانیکم احمد آرام | فرمانده گروهان اشک (یکم) |
| ۴- سروان امین آقایی ^۱ | فرمانده گروهان بهرام (دوم) |
| ۵- ستوانیکم بهمن شرفیانی | فرمانده گروهان پرویز (سوم) |
| ۶- ستواندوم امیر رسولی | فرمانده گروهان تهمتن (چهارم) |
| ۷- سروان حسن شیران | فرمانده گروهان ارکان |

گردان ۱۳۸ پیاده

۱. ایشان در تاریخ نهم آبان ماه ۵۹ به شهادت رسید و سپس ستوانیکم پیاده سید محمد حسینی فرمانده گروهان دوم گردید.

- | | |
|----------------------------|---|
| فرمانده گردان | ۱- سرگرد پیاده سید حسین شرفه |
| معاون گردان | ۲- سروان پیاده تیمور گودرزی ^۱ |
| فرمانده گروهان اشک (یکم) | ۳- ستوانیکم پیاده اصغر یزدان‌پناه |
| فرمانده گروهان بهرام (دوم) | ۴- ستوانیکم پیاده افراسیاب خالدی ^۲ |
| فرمانده گروهان پرویز (سوم) | ۵- سروان پیاده سید طه ضرابی ^۳ |
| فرمانده گروهان ارکان | ۶- ستوانیکم پیاده رحیم قاسمی |

گردان ۱۴۰ پیاده

- | | |
|------------------------------|---|
| فرمانده گردان | ۱- سرهنگ ۲ پیاده سید محمود سید دماوندی |
| معاون گردان | ۲- سرگرد پیاده ایرج بهزادی |
| افسر عملیات و رئیس رکن ۳ | ۳- سروان پیاده تیمور گودرزی |
| فرمانده گروهان اشک (یکم) | ۴- ستوانیکم پیاده عین‌الله کرمانی‌زاده ^۴ |
| فرمانده گروهان بهرام (دوم) | ۵- ستوانیکم پیاده منوچهر کرباسی‌زاده |
| فرمانده گروهان پرویز (سوم) | ۶- ستوانیکم پیاده سعید پوررضایی |
| فرمانده گروهان تهمتن (چهارم) | ۷- ستوانیکم پیاده محمدحسن نامی |
| فرمانده گروهان ارکان | ۸- ستوانیکم پیاده اکبر فزون‌مهر |

۱. سروان تیمور گودرزی شش ماه قبل از عملیات فتح‌المبین به سمت افسر عملیات و رئیس رکن ۳ گردان ۱۴۰ منصوب شد.

۲. ایشان در عملیات بدر به شهادت رسید.

۳. ایشان در عملیات محرم در ارتفاعات حمزین به شهادت رسید.

۴. بعد از ایشان سروان پیاده محمدتقی ثقفی به فرماندهی گروهان یکم منصوب گردید.

نمایه

ارتفاعات میشداغ ۱۵، ۷۶، ۷۷،	آرام: احمد؛ ستوانیکم ۱۱۷، ۱۲۴
۱۰۴، ۷۸	آقایی: امین؛ سروان، شهید ۱۲۴
اروند رود ۱۳	
ازگمی: عظیم؛ سرهنگ ۱۱۰	ارتفاعات ابوصلیبی خات ۱۵، ۲۶،
اندیمشک ۱۴، ۱۸، ۴۲، ۴۳، ۴۴،	۳۹، ۴۶، ۵۰، ۷۷، ۷۹، ۸۳، ۹۳،
۵۵، ۵۳، ۵۱، ۴۹، ۴۷، ۴۶، ۴۵	۹۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴
اهواز ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۳	ارتفاعات اسکندر خندان ۱۵، ۴۶
ایلام ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۳۰	ارتفاعات تینه ۱۵، ۳۴، ۷۶، ۷۷،
	۸۸، ۸۹، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴
بانه ۵۲	ارتفاعات حمزین ۱۵، ۲۶، ۲۷،
بنی صدر: سید ابوالحسن ۸، ۱۰،	۱۲۵
۱۲۱، ۱۲۰	ارتفاعات سپتون ۱۵
بهبهان ۱۳، ۱۴	ارتفاعات شاوریه ۱۵، ۴۰، ۴۱، ۴۲،
بهبهادی: ایرج؛ سرگرد ۱۲۵	۷۷، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۸، ۹۰، ۹۵،
	۱۰۴
پای پل کرخه ۵۲، ۵۴، ۵۸، ۵۹، ۶۱	ارتفاعات علی گره زد ۳۵، ۳۹، ۴۰،
پل نادری ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۴،	۴۱، ۴۲، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲،
۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵،	۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱،
۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۳، ۵۵، ۶۵،	۹۳، ۹۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۸،
۷۹، ۸۱، ۸۶، ۱۱۸	ارتفاعات کبیرکوه ۱۵
پورداراب: سعید؛ سرهنگ ۱۲۲،	ارتفاعات کمرسرخ ۱۵
۱۲۴	

تیپ ۲۵ کربلا ۷۶	پوررضایی: سعید؛ ستوانیکم ۱۲۵
تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) ۷۶،	
۷۹	تیپ ۳۵۰ ۱۵
تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه ۹۸، ۹۷، ۸۳، ۹۱، ۹۰،	تیپه برغازه ۱۰۳، ۱۰۱، ۹۵، ۳۴،
۱۰۰	۱۰۴
تیپ ۳۳ المهدی ۷۶	تیپه چشمه ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۱۵،
تیپ ۳۵ امام سجاد (ع) ۷۶	۱۱۸، ۱۱۷، ۷۹
تیپ ۳۷ زرهی ۴۲، ۳۶، ۲۸، ۲۴،	تیپه رادار ۹۶، ۷۷
۱۰۱، ۹۳، ۹۰، ۸۹، ۷۷، ۷۶	تیپه های الله اکبر ۱۶
تیپ ۳۷ زرهی شیراز ۹۰، ۸۹، ۷۶،	تیپه های فولی آباد ۱۶
۱۰۱، ۹۳	تنگ رقابیه ۹۰، ۷۷، ۷۶
تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱ حمزه ۱۰۰	تیپ ایلام ۷۶
تیپ ۴۱ ثارالله ۷۶	تیپ ولیعصر دزفول ۷۶
تیپ ۴۶ فجر ۷۶	تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه ۲۹، ۲۸، ۲۴،
تیپ ۵۵ هوابرد ۷۶	۵۹، ۴۹، ۴۲، ۳۹، ۳۶، ۳۴، ۳۳
تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار ۹۳، ۹۰،	۹۸، ۹۷، ۸۸، ۸۲، ۶۷، ۶۵، ۶۳
۱۱۸، ۱۰۳، ۱۰۱	۱۲۴، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۰، ۱۰۲
تیپ ۵۸ ذوالفقار ۸۸، ۸۳، ۷۹، ۷۶،	تیپ ۱۴ امام حسین (ع) ۷۶
۹۳	تیپ ۱۷ قم ۷۶
تیپ ۷ ولیعصر ۱۱۷، ۹۸، ۸۷، ۷۹،	تیپ ۲ زرهی ۳۵، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۲۸،
۱۱۸	۵۱، ۴۷، ۴۵، ۴۴، ۴۱، ۴۰، ۳۹
تیپ ۸ نجف ۷۶	۹۱، ۵۹، ۵۶، ۵۴، ۵۲
تیپ ۸۴ پیاده ۷۶، ۴۶	تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه ۸۷، ۴۷، ۴۲

۵۵، ۵۶، ۵۹، ۷۹، ۸۳، ۸۹،

۱۰۲، ۱۱۷، ۱۱۸

دشت عباس ۳۵، ۳۷، ۷۶، ۸۴، ۸۷،

۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۱۰۱، ۱۱۸

دوسلک ۱۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳،

۳۴، ۳۵، ۴۰، ۴۲، ۴۷، ۷۶، ۷۷،

۹۵، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳

دهلران ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۳۰، ۳۱، ۳۶،

۴۰، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۳، ۱۱۸

رامهرمز ۱۳، ۱۴

رسولی: امیر؛ ستواندوم ۱۲۴

رود چیخواب ۱۶

رود دویرج ۱۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰،

۳۴، ۱۰۴

رود کرخه ۱۵، ۱۷، ۲۲، ۲۳، ۲۴،

۲۶، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵،

۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴،

۵۵، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۹،

۷۱، ۷۹، ۸۲، ۸۴، ۸۸، ۱۱۴،

۱۲۲

رود میمه ۱۶

رودخانه رفائییه ۸۱، ۸۸، ۹۳

ثقفی: محمد تقی؛ سروان، ۱۲۵

جزابه ۱۷، ۵۳

چنانه ۲۸، ۴۰، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹،

۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳

حسنی سعدی: حسین؛ سرهنگ

۸۰، ۱۱۰، ۱۲۲

حسینی: سید محمد؛ ستوانیکم

۱۲۴

حمیدیه ۱۷

خالدی: افراسیاب؛ ستوانیکم ۱۲۵

خوزستان، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷،

۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۵، ۳۶،

۴۲، ۴۵، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۷۴،

۷۷، ۸۷، ۹۱، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۱

خوشدل: محمود؛ سرگرد ۱۲۴

دزفول ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴،

۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷،

۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۵۱، ۵۲، ۵۳،

سایت ۴ و ۵: پدافند هوایی ۹۹	شهبازی: امرالله؛ سرهنگ ستاد
سپاه پاسداران ۷، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۷،	۱۱۰، ۴۴
۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۱۰۱،	شیران: حسن؛ سروان ۱۲۴
۱۱۷، ۱۱۶	
سپاه سوم عراق ۳۴، ۳۵، ۴۳، ۵۰،	صیادشیرازی: علی؛ سرهنگ ۷۵،
۸۴، ۷۴	۱۱۰
سلیمانجاه: بهروز؛ سرهنگ ستاد	
۱۲۴، ۱۲۲، ۶۷، ۵۹	ضرابی: سید طه؛ سروان، شهید
سوبله ۱۸، ۱۷	۱۲۵
سوسنگرد ۱۶، ۱۷، ۵۳	
سه‌راهی قهوه‌خانه ۳۹، ۴۶، ۵۲،	عملیات محرم ۱۲۵
۷۹، ۵۶، ۵۳	عین‌خوش ۱۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰،
سید دماوندی: سی محمود؛	۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۴۳،
سرهنگ ۲ ۱۲۵	۴۴، ۴۶، ۴۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۱،
	۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۴، ۱۰۳،
شرفه: سیدحسین؛ سرگرد ۳۳،	۱۱۸، ۱۰۴
۱۲۵	
شرفیانی: بهمن؛ ستوانیکم ۱۱۷،	فزون‌مهر: اکبر؛ ستوانیکم ۱۲۵
۱۲۴	فکه ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰،
شوش ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۴۹،	۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۷،
۵۱، ۵۵، ۶۲، ۶۹، ۷۰، ۸۳، ۸۹،	۴۸، ۴۹، ۱۰۴
۱۰۲، ۹۴	

کرمانی زاده: عین الله؛ ستوانیکم

۱۲۵

گردان مستقل علی اکبر^(ع) ۷۶

گردان ۱۳۱ پیاده ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۴

گردان ۱۳۸ پیاده ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۴

۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۲، ۴۷، ۴۹، ۵۱

۱۰۹، ۱۲۵

گردان ۱۴۱ پیاده ۴۲، ۴۷، ۴۹، ۵۱

گردان ۲۸۳ سوارزهی ۲۴، ۲۷

۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۹، ۴۰

گروه رزمی ۳۷ زهی ۴۳، ۵۶

گروه رزمی ۲۹۱ تانک ۵۵

گروه رزمی ۳۷ زهی: شیراز ۲۸

۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۴۳

۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۵

گروه ۳۳ توپخانه ۷۶

گودرزی: تیمور؛ سروان ۱۲۵

لشکر ۱ مکانیزه: عراق ۲۳، ۲۶، ۲۸

۳۴، ۳۵، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۴۷، ۴۸

۴۹، ۵۰، ۹۵، ۹۹، ۱۰۱

قاسمی: رحیم؛ ستوانیکم ۳۵

۱۲۵

قرارگاه فتح ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۱، ۹۴

۹۶، ۱۱۰

قرارگاه فجر ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۱

۸۵، ۸۹، ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۰

قرارگاه قدس ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۵

۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۱۰۳، ۱۱۰

قرارگاه کربلا ۷۶، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۹۵

۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۰

قرارگاه نصر ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰

۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۸

۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷

۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳

۱۱۰، ۱۱۹

کانال هندلی ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۷۹

۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۷

کرباسی زاده: منوچهر؛ ستوانیکم

۱۱، ۱۱۸، ۱۲۵

کربلا ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۸، ۸۹

۹۰، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۱۰۲

۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۰

۱۳۲ / لشکر ۲۱ حمزه از مهر ۵۹ تا پایان عملیات فتح المبین

لشکر ۱۰ زرهی: عراق ۲۳, ۲۶, ۲۷,	موسیان ۱۵, ۱۶, ۳۰, ۳۶,
۳۰, ۳۱, ۳۵, ۳۷, ۳۸, ۳۹, ۴۰,	مهدی پور: احد؛ سرهنگ ۲ ۴۲
۴۱, ۴۳, ۴۴, ۴۵, ۴۶, ۴۷, ۵۰,	
۷۸, ۶۷	نامی: محمدحسنم؛ ستوانیکم
لشکر ۲۱ حمزه ۲۴, ۲۸, ۲۹, ۳۳,	۱۲۵
۳۴, ۳۶, ۳۹, ۴۲, ۴۷, ۴۹, ۵۱,	نیاکی منفرد: سید مسعود؛ سرهنگ
۵۲, ۵۳, ۵۴, ۵۶, ۵۷, ۵۹, ۶۳,	۱۱۰
۶۵, ۶۷, ۷۲, ۷۶, ۷۹, ۸۰, ۸۲,	نیکفرد: علی؛ سرهنگ ۱۱۸, ۱۱۹,
۸۳, ۸۵, ۸۷, ۸۸, ۸۹, ۹۰, ۹۲,	۱۲۴, ۱۲۲
۹۳, ۹۴, ۹۷, ۹۸, ۹۹, ۱۰۰,	
۱۰۱, ۱۰۲, ۱۰۳, ۱۱۰, ۱۱۷,	ورشوساز: زین العابدین؛ سرهنگ
۱۱۸, ۱۲۲, ۱۲۴	۱۲۲, ۵۳
لشکر ۷۷ پیاده ۵۵, ۷۶, ۱۰۲	
لشکر ۹۲ زرهی ۱۹, ۲۳, ۲۴, ۲۶,	هوانیروز ۷۶, ۹۹, ۱۱۷
۲۸, ۲۹, ۳۰, ۳۲, ۳۳, ۳۵, ۳۹,	هورالعظیم ۱۷
۴۲, ۴۵, ۴۷, ۵۴, ۵۹, ۷۶, ۹۱,	
۹۴, ۹۶, ۱۰۰, ۱۰۱, ۱۰۹,	یزدان پناه: اصغر؛ ستوانیکم ۱۲۵
مسجد سلیمان ۱۳, ۱۸,	یوسفی: یوسف؛ سرگرد ۱۲۴

